

مشخصات کتاب

نام کتاب: برگزیده‌ایی از کتاب مقدس «تورات»

نگارش: یوسف محبتی

ناشر و ناظر امور فنی: اسحق کهن صدق

چاپ: اول مهرماه سال ۱۳۶۱ شمسی

کاغذ: ۶۰ گرمی

قطع: وزیری

شماره صفحات: ۱۶۰

حروف چینی: آزاده

فیلم و زینک: سازمان کی‌البرز

چاپ: شرکت چاپ آنی

صحافی: خیرا-له اسماعیلی

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

برگزیده‌ای از

کتاب مقدس «تورات»

شامل: تغذیه و بهداشت و گله‌داری و کشاورزی و گوشت‌ها و لبنیات و نوشابه‌ها از جهت
حلال یا حرام بودن آنها در دین یهود

نگارش: یوسف محبتی «کرمانی»

تقدیم به روان پاک پدربزرگوارم

«..... جلال فرزندان پدران ایشانند.»

کتاب مقدس: (تورات) امثال سلیمان نبی، باب ۱۷: آیه ۶.

برای سهولت مطالعه جهت خوانندگان عزیز، این کتاب به دو فصل تقسیم شده است: فصل اول شامل انتخاب آیاتی از کتاب مقدس (تورات) راجع به تغذیه و حلال و حرام بودن خوراکی‌ها و آنچه به خوراک و خوراکی و کشاورزی مربوط می‌شود، و فصل دوم نیز به دو بخش شامل می‌شود، بخش اول مطالبی راجع به چگونگی زندگی و امرار معاش قوم یهود، و بخش دوم به چگونگی آداب غذا خوردن و مصرف انواع خوارکی‌ها اختصاص داده شده است.

عنوان شماره‌ی صفحه

مقدمه ۹-۱۸

فصل اول

منتخب آیاتی از کتاب مقدس تورات - راجع به خوراک و خوراکی و خوردن و نخوردن آنها:

۲۱-۷۳

فصل دوم

بخش اول: زندگی روزانه و امرار معاش

۱- شبانی و گله‌داری ۷۴-۷۷

۲- کشاورزی ۷۸-۸۲

۳- نفوذ کشاورزی و دام‌داری بر دعاها و برکت‌ها ۸۳-۸۶

۴- نگاه مختصری به قوانین مربوط به کشاورزی ۸۶-۹۱

۵- قحطی ۹۲-۹۹

بخش دوم: تغذیه در قوم یهود

۱- آداب غذا خوردن ۱۰۶-۱۰۰

۲- پخت و پز ۱۱۰-۱۰۶

۳- روغن ۱۱۲-۱۱۰

۴- میوه‌ها ۱۱۴-۱۱۲

۵- لبنیات ۱۱۶-۱۱۴

۶- گوشت

۱: کلیاتی راجع به گوشت و چگونگی استفاده از آن ۱۲۲-۱۱۶

۲: حیوانات پاک و ناپاک و مشخصات آنها ۱۲۵-۱۲۲

۳: قوانین مربوط به حیوانات پاک ۱۳۲-۱۲۵

۴: قوانین ذبح حیوانات ۱۳۴-۱۳۳

الف- شرایط ذبح کننده ۱۳۵-۱۳۴

ب- نکاتی که باید هنگام ذبح حیوانات در نظر گرفته شود. ۱۳۸-۱۳۶

۵: خون و پیه حیوانات ۱۴۱-۱۳۹

۷- ماهی ۱۴۲-۱۴۱

۸- مشروبات الکلی ۱۵۷-۱۴۲

- ۱- کتاب المقدس: ترجمه شده از عبری به فارسی توسط ولیم گلن چاپ ۱۸۷۸ میلادی که از طرف «مجمع بیبل سسیتی» در لندن به چاپ رسیده .
- ۲- کتاب المقدس: ترجمه شده از عبری به فارسی که در سال ۱۹۵۴ میلادی توسط «انجمن بیبل سسیتی» در لندن به چاپ رسیده است.
- ۳- قرآن مجید: انتشارات جاویدان
- ۴- گنجینه‌ای از تلمود: تألیف راب، دکتر، ا، کهن، مترجمان امیر فریدون گرگانی و یهوشوع نتن الی.
- ۵- قاموس کتاب مقدس: تألیف و ترجمه‌ی مستر هاکس امریکایی چاپ بیروت ۱۹۲۸ میلادی
- ۶- فرهنگ عبری فارسی: تألیف سلیمان حیم.
- ۷- فرهنگ فارسی: نگارش مدرس گیلانی، انتشارات عطایی ۱۳۵۲ شمسی.
- ۸- فرهنگ جیبی: تألیف حسن عمید انتشارات جاویدان ۱۳۵۳ شمسی چاپ پنجم.
- ۹- قوم برگزیده‌ی خدا: گردآورنده دکتر ابراهیم سعید
- ۱۰- قوانین کثروت: تهیه و تنظیم داوید شوفط چاپ جم.
- ۱۱- پیرقه آووت (میشنا): ترجمه شده به فارسی از العازار کهن صدق.
- ۱۲- تقویم دیواری عبری سال ۵۷۴۰: از مؤلفات سلیمان کهن صدق و اقتباس و استخراج اسحاق کهن صدق.
- ۱۳- نگاهی به تاریخ جهان: نویسنده جواهر لعل نهرو، مترجم محمود تفضلی.

۱۴- چرا مریض می شویم: تألیف مهرداد مهرین

۱۵- دستورات پزشکی برای همه: تألیف حمیدرضا زرکش

۱۶- رباعیات عمر خیام

۱۷- یادداشت‌های شخصی نگارنده

به نام خد-ا

توضیح نوشتاری: در این کتاب توضیحات اضافه را داخل علامت (XXX-YYY) قرار داده ایم

یعنی بجای "پا صفحه" یا فوت نت توضحات داخل (XXX-YYY) قرار گرفته است

مقدمه

مدت‌هاست که بشر به نقشی که مواد غذایی در سرنوشت و خوی خویش دارد پی برده و متوجه شده است که خوراک است که نیروی کافی را برای ادامه حیات به او می‌دهد و همین مواد خوراکی و قابل‌جذب به بدن است که در صورتی که سالم باشد به انسان مغز سالم، اسکلتی محکم و دندان‌هایی قوی و قوای روحی و دماغی متعادل و عمری طولانی و سرانجام تولیدمثل بهتری می‌دهد. با مطالعه‌ی تاریخ و نگاهی کوتاه به اجتماعات بشری امروزه یا دوران‌های گذشته متوجه خواهیم شد ملت‌هایی که از لحاظ فکری، عقلی حتی هنری و فنی بر سایرین برتری داشته‌اند. ملت‌هایی بوده‌اند که از مواد غذایی سالم و بهتری تغذیه می‌کرده‌اند به عکس ملت‌هایی یا اجتماعاتی دیده و می‌بینیم که تغذیه‌ی ایشان از لحاظ کیفیت و کمیت کافی و به داشتنی نبوده در نتیجه از افراد دیگر عقب افتاده‌تر و معدل ضریب‌هوشی آنان نیز در سطح پایین‌تری قرار دارد که البته می‌توان برای نمونه از اقوام و قبایل وحشی آفریقا، استرالیا،

آمریکای جنوبی و اسکمیوها و قبایل وحشی دیگر نام برد که هنوز از شکار جانوران وحشی و پلید مانند سگ و خوک و خرس حتی شکار انسان و لاشه‌ی و نیز از خون جانوران شکم خود را سیر و سدجوع می‌کنند. بنابراین مسلم شده است خوراکی را که مصرف می‌کنیم در اعمال و رفتار و افکار ما اثر خواهد داشت، به عبارتی دیگر غذای خوب و سالم است که بر روح و اندیشه و پدیده‌های اخلاقی و عاطفی انسان اثر می‌گذارد و تغذیه‌ی غلط و مراعات نکردن موازین بهداشتی در فراهم ساختن مواد خوارکی از رشد قوای فکری و اخلاقی و عاطفی می‌کاهد. و اگر این مراتب ادامه پیدا کند البته طی چندین نسل متمادی بر روی ژن‌ها که صفات و مشخصات والدین را به فرزندان به ارث می‌دهند اثر مهمی می‌گذارد.

در آیین یهود به اطمینان و اعتقاد به این که تغذیه و خوراک سالم برای نسل بشر اثرات خوبی دارد فرق میان غذای پاک و ناپاک یا به عبارت دیگر سالم و ناسالم را تشخیص داده و طی دستورهای مفید و محکمی استفاده از حیوانات پلید از هر نوع و صرف غذای غیر بهداشتی را شدیداً منع و حرام کرده است و قوم یهود با توجه به این دستورهای دینی خویش و رسوم و قوانین مخصوص برای ذبح حیوانات که از سوی آفریدگار به ایشان داده شده است توانست موجودیت خود را با خصوصیات نژادی خویش در قرون و اعصار متمادی در کشورها و حکومت‌های مختلف و انواع تمدن‌ها به گونه‌ی عجیبی حفظ کند و افراد شایسته‌یی را تحویل انسانیت بدهد و این ادعا را که یهود چه کسانی را تحویل اجتماع داده جواهر لعل نهر و نخست‌وزیر اسبق هندوستان در کتاب خود زیر عنوان «نگاهی به تاریخ جهان» گفته: اما این مردم فوق‌العاده و حیرت‌انگیز نه فقط با وجود این مشکلات زنده مانده‌اند بلکه توانسته‌اند خصوصیات نژادی و فرهنگی خود را نیز نگاه دارند... و گروهی عظیم از مردان بزرگ را بوجود آورند و پیروانند. امروزه نژاد یهود به عنوان دانایان سیاسی ادیبان و کارشناسان امور مالی و بازرگانی ... مقام‌های عالی و ارجمندی را احراز کرده‌اند.»

اما راجع به تحقیق و مطالعه‌ی پیرامون انواع غذاهایی را که ملت یهود در طول تاریخ خود از آنها استفاده می‌کرده و چه تحولاتی در طرز فراهم کردن خوراک‌ها پدیدآورده کار آسانی نیست. در زبان فارسی متأسفانه کتب جامع و مفصلی راجع به این موضوع به چاپ نرسیده تنها بهترین کتابی که می‌توان از آن به عنوان منبع مهمی استفاده کرد کتاب کتاب‌ها یعنی «کتاب مقدس» می‌باشد که ترجمه‌ی فارسی آن به علت این که مدتی از ترجمه‌ی آن می‌گذرد چندان ساده و رسا و خالی از ایراد نیست و از دید برخی از منتقدان دارای ترجمه‌ی درستی نیست بر هر صورت کتاب مقدس را به عنوان بهترین سرچشمه و منبع تحقیق و مطالعه در این مورد برگزیدم. هر چند که در ابتدا حس کردم که در مقابل اقیانوس عظیمی قرار گرفته‌ام و برای من مشکل بود که بتوانم در این مورد به جستجوی آیات و عباراتی چند پیرامون موضوعاتی که مربوط به خوردن و تغذیه می‌باشد بپردازم لیک با توکل به حد-ای جهان خود در این اقیانوس بی‌کران افکندم.

با مدد توشه‌یی که خود قبلاً از کتاب مقدس داشتم و در عنفوان نوجوانی و دانش‌آموزی بنا به توصیه و تشویق شادروان پدر بزرگوارم موفق شده بودم یک دوره کتاب مقدس را مطالعه کنم و به مصداق گفته‌ی علمای یهود که در میثنا آمده است: هر کسی که در کودکی به فراگرفتن دانش بپردازد مانند مرکبی است که روی کاغذ تازه نوشته شده باشد. یعنی در حافظه می‌ماند توانستم با وقت اندکی که این زندگی ماشینی در اختیار من قرار داده بود در پی آیات مربوط به تغذیه و مواد خوراکی در نوشته‌های آن بپردازم با وجود این که می‌دانستم احتمال کوچک‌ترین لغزش و برداشت غلطی موجب گناه بزرگی می‌باشد بنابراین برای کامیابی در این راه تصمیم گرفتم با نیایش روی به درگاه حد-ای بیاورم و چون خود را در دعا کردن ضعیف یافتم از دعا‌های حضرت داوود که در مزبور ۱۱۹ آمده است یاری گرفتم. و در خلوت خود به پیشگاه آفریدگار دعا کرده و گفتم: یا رب عالمین چشمان مرا بگشای تا از شریعت تو

چیزهای شگفت‌انگیز دریابم. اوامر خود را از من پوشیده مدار تو متبارک هستی فرایض خود را به من بیاموز زیرا از فرایض تو لذت می‌برم. خرد نیکو و معرفت خود را به من بیاموز زیرا به اوامر تو ایمان دارم، شریعت دهان تو برای من بهتر است از هزارها زر و سیم مرا با فهم گردان تا اوامر تو را بیاموزم، شریعت تو را چه بسیار دوست می‌دارم تمامی روز تفکر من است (نام خانوادگی بنده از این آیه و از کلمه‌ی عبری ماه آهبتی، یعنی چه بسیار دوست می‌دارم گرفته شده است) زیرا آنها شادمانی دل من است مرا تقویت کن تا پیروز شوم، من بنده‌ی تو هستم مرا با فهم گردان تا شهادت تو را دانسته باشم، بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت توبه آنانی که نام تو را دوست می‌دارند قدم‌های مرا در گفتار خود پای دارساز، روی خود را بر بنده‌ی خود روشن گردان زیرا به تمامی دل تو را ای حد-اوند پاک خوانده‌ام مرا جواب ده. حد-ایا دعای من به حضور تو برسد به حسب کلام خود مرا زیرک گردان، من برای یاری تو امیدوار هستم. آری با این دعا کار خود را آغاز کردم و از حد-ای خواستم که مرا کامیاب گرداند تا بتوانم توشه‌ی و گل‌چینی از کتاب مقدس را که نتیجه‌ی مطالعات خود می‌باشد به عنوان: برگ سبزیست تحفه‌ی درویش. تقدیم خوانندگان گرامی و کسانی که به کتاب مقدس عشق می‌ورزند و بدان علاقه دارند. با میل و رغبت تمام پیشکش کنم. و از طرفی چون بنده به اصالت فرهنگی و ادبیات فارسی و ارزش‌های معنوی ایمان دارم و خود را مدیون این فرهنگ می‌دانم بنابراین وظیفه‌ی خود دانستم برای ادای دین خویش این اندک معلومات ناچیز خود را که در این راه کسب کرده‌ام به دیگران نیز برسانم. نباید فراموش کرد که در دین یهود یاد دادن بیش از یاد گرفتن اهمیت دارد امر یاد دادن و تعلیم جزء فرمان‌های مهم (سفر تثئیه، باب ۶: آیه ۷.) می‌باشد. درست است که کوشش در راه آموختن و یاد گرفتن وظیفه‌ی هر فردی می‌باشد. لیک هر گاه آموزش در اول نباشد آموختنی هم در کار نیست: خوب به فرموده‌ی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد ص توجه کنید که چه اندرزی داده است: ز گهواره تا گور دانش بجوی. هر چند که در ظاهر این اندرز به یاد گرفتن تأکید شده است لیک در

باطن امر این است که یاد بدهید زیرا طفل شیرخوار یا کودک یا نوجوان...

به خودی خود یاد نمی‌گیرد بلکه باید به او یاد داد. ربی ایشمائیل یکی از دانایان یهود در کتاب میشنا قسمت پیرقه آووت فصل چهارم بند - ۶ راجع به این موضوع چنین گفته است: هر کسی که علم را بدان منظور تحصیل می‌کند که به دیگران بیاموزد حد-ای هم او را یاری می‌کند که آن را یاد گیرد و هم در اجرای آن بکوشد.

بنابر این وظیفه‌یی که داشتم، تصمیم انتشار این کتاب را گرفتم. حال چه اندازه در این راه موفق شده‌ام داوری آن را به عهده‌ی خوانندگان ارجمند می‌گذارم. نکته‌یی که باید یادآوری کنم این است که آن قسمت از تاریخ طولانی قوم یهود که در کتاب مقدس آمده آنقدر وسیع و جامع است که نمی‌توان فقط راجع به یک دوره بخصوص این قوم راجع به این موضوع مطالعه و تحقیق کرد. زیرا زندگی اجتماعی و اقتصادی این قوم پر از حوادث گوناگون و فراز و نشیب‌های چندی می‌باشد و شکی نیست که زندگی روزانه و امرارمعاش این قوم پاره‌یی از تغییرات و عوامل مختلف جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی بوده به گونه‌یی که در هر دوره و زمان طرز زندگی و تغذیه‌ی آنان با دوره‌های قبل یا بعد متفاوت بوده مثلاً در زمان نیاکان پیشین نظریه این که هنوز دارای محل ثابتی نبودند و زندگی کوچ‌نشینی و ایلی داشتند از مواد و فراورده‌های دامی استفاده می‌کردند و بیش‌تر گله‌دار بودند چنان که می‌دانیم اجداد پیشین ما یعنی حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب یا لاوان پدر زن حضرت یعقوب همگی چوپان و گله‌دار بودند، هنگامی که در مصر بودند تا اندازه‌یی زندگی شهرنشینی را داشتند و از انواع میوه‌ها و گوشت حیوانات و ماهی برای خوردن استفاده می‌بردند و در زمانی که از مصر بیرون آمدند و رهسپار بیابان سینا شدند به زندگی گذشته خوی گرفته بودند مرتب راجع به دسترس نداشتن این غذاها به حضرت موسی بهانه می‌گرفتند هنگامی که به سرزمین کنعان رسیدند پس از گذشت چندین سال که به شرایط آب و هوای محیط جغرافیای خود خوی گرفتند کم کم به

زندگی کشاورزی روی آوردند و در درجه‌ی اول از محصولات کشاورزی سپس از گوشت حیوانات تغذیه می کردند نگارنده در صفحات بعد در هر مورد بعد از بیان هر مطلبی سعی کرده‌ام آیات مربوط به هر موضوع و ادعایی برای اثبات هر گونه از برداشت خود قید کنم تا این که برای خوانندگان گرامی هیچ گونه شک و شبهه‌یی نماند مع‌ذالک باید اقرار کرد چون این نخستین گام و تجربه‌ام می باشد و با تمام سعی و کوششی که کرده‌ام دچار لغزشی نگردم و کوشیدم که هر موضوعی را با ذکر آیه‌های مربوط بازگو کنم. ممکن است که مطلبی را اصلاً نفهمیدم گرفته باشم یا این که بیش از حد راجع به موضوعی توضیح داده باشم که آن هم ان شاء الله خوانندگان گرامی و کسانی که پیش و بیش از من در این راه گام نهاده‌اند با راهنمایی‌ها و نظرات درست و بی غرض خود که سعی می کنند دور از تعصب باشد بنده را خوشنود خواهند کرد و با فروتنی و تشکر بی پایان آماده‌ی پذیرش هر گونه راهنمایی و انتقاد به جای می باشم. بر هر صورت امیدوارم که این اقدام من خود عاملی باشد برای افرادی که دارای معلومات کافی در ادبیات و فرهنگ یهود می باشند و از این بابت غنی می باشند. هر چه زودتر با گذاشتن اثری از خود همه را از معلومات خویش بهره‌مند سازند ضمناً از خوانندگان عزیز تقاضا دارم حتی الامکان سعی کنند هنگامی که این کتاب را مطالعه می کنند یک مجلد از کتاب مقدس را نزد خود داشته باشند زیرا برای مراجعه و تطبیق مطالب این کتاب با کتاب مقدس لازم است تا آن را بیش تر ملاحظه کنند و مقاصد این کتاب را از دید بهتری مطالعه کنند و ان شاء الله خوانندگان گرامی این نکته را مراعات خواهند کرد که چون در این کتاب از نام اعظم حد-ای بارها استفاده شده برای حفظ و حرمت نسبت به او در نگهداری و نظافت این کتاب کوشش خواهند کرد.

در خاتمه روی سخن‌هایم به برادران هم وطن مسلمان می باشد که لازم می دانم مطالبی را یادآوری کنم: اولاً آرزوی من این است که گفته‌های این کتاب پاسخ گوی مناسبی برای برخی

از سؤالات ایشان باشد زیرا تا به حال شاهد سؤالاتی در مورد حلال و حرام بودن بعضی حیوانات یا چگونگی تغذیه در دین یهود از سوی مسلمانان بوده‌ام.

ثانیاً- جای بسی خوش وقتی است که بر اثر تحولات و دگرگونی‌های عمیقی که اخیراً تحت رهبری روحانیت مبارز در ایران عزیز ایجاد گشته، صرف‌نظر از ارزش‌های کمی که این تحول به ارمغان آورده از لحاظ ارزش‌های کیفی و معنوی ملت ایران سهم بزرگی از دست‌آورده‌های این دگرگونی دریافت کرده است چنان که از لحاظ فکری و اعتقادی جهش بزرگی کرده و تمام آن پرده‌های تاریک ذهنی را دریده و زنجیره‌های اسارت که به دست و پای وی بسته بودند با ایمان خود پاره کرده است و همه با هم دست به دست داده و دوران با شکوهی از تاریخ خود آغاز کرده‌اند. و مصمم می‌باشند تا دگرباره آلت دست کشورهای بیگانه مشوند و با نیروی ایمان خود سد محکمی بر مقاصد شوم سیاسی و اقتصادی کشورهای قدرت‌طلب که در گذشته‌ی نه چندان دور باعث نفاق و شقاق میان گروه‌ها و پیروان ادیان مختلف بودند بسازند. متأسفانه این کشورهای امپریالیستی از پایین بودن سطح فرهنگی مردم و بی‌اطلاعی اکثریت که از پیام حد-۱ یعنی قرآن سوء استفاده کرده و با یاری ایادی خویش که در لباس‌های گوناگون در آمده بودند میان اقشار و طبقات مختلف تفرقه ایجاد می‌کردند و با ایجاد آشفتگی بین پیروان ادیان اهل کتاب به نتایج شوم خود یعنی تفرقه بینداز و حکومت کن می‌رسیدند. در این بین گروهی معلوم‌الحال که دانسته یا ندانسته آلت دست آنان شده بودند موجبات بیش‌تر شدن این نفاق و دو دستگی را فراهم می‌کردند که افکار ادیان و مذاهب برضد هم برانگیخته می‌شدند و همه یکدیگر را دشمن می‌پنداشتند در صورتی که دشمن خطرناک ایشان همان قدرت‌های شیطانی هستند که نه تنها در میان ادیان مختلف بلکه در بین مذاهب و فرقه‌های مختلف اسلام این جدال و جدایی را ایجاد می‌کردند که نتایج آن را همه به چشم خود دیده و می‌بینم.

اکنون که خوشبختانه دوران تاریک و غفلت ایران سپری شده نگارنده توصیه‌ای به هموطنان

عزیز مسلمان جهت پاسداری و از دست ندادن این نعمت بزرگ یعنی آزادی فکر و عقیدتی دارم و آن این است که همیشه کلام حد-ا را با دقت بیشتر و از زاویه‌ی دید بازتری مطالبه کنند تا به ایمان و وحدت خود بیش از پیش بیفزایند تا دیگر باره آلت دست بیگانگان مشویم و اجازه ندهیم مجدداً به روحانیت توهین گردد. زیرا اگر همه‌ی ملت با پیام حد-ا آشنایی و بینش کافی داشته باشند هرگز به خواب غفلت نخواهند رفت زیرا با مطالعه‌ی قرآن کریم درمی‌یابیم که از نظر دین اسلام پرهیزگاران ادیان و مذاهب نزد حد-ای جهان گرامی هستند و فرقی ندارند.

حد-اوند بخشایشگر بارها در قرآن کریم فرموده: همه‌ی افراد بشر چه سیاه و چه سفید مخلوق وی می‌باشند و بطور مساوی از نعمت‌هایی که وی به ایشان داده بهره‌مند می‌گردند و برای ادامه یافتن این اراده‌ی خدا-ا همه‌ی افراد بشر باید نسبت به همدیگر یاری کنند و وحدت و یکپارچگی خود را حفظ سازند. و نیز در قرآن کریم به توبه‌کنندگان و کسانی که ایمان آورده‌اند مژده رستگاری و بهشت و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین داده و به کافران گوشزد کرده در صورتی که به راه راست بازگشت نکنند عذاب الاهی در قیامت در انتظار آنان است.

اما نتایجی که بنده از خواندن قرآن کریم برای تکمیل کردن این کتاب گرفتم بسیار است و دریافتم که اکثر داستان‌ها و قصص آن با کتب دینی یهود شباهت بسیار دارد و هنگام خواندن برخی از سوره‌ها، گویا مشغول خواندن یکی از کتب دینی یهود می‌باشم ضمناً تعدادی از سوره‌ها به نام پیامبران بنی‌اسرائیل و صدها آیه راجع به سرگذشت آنان و قوم بنی‌اسرائیل و تأیید موضوعات تورات یافتیم که به برخی از آیات در این کتاب در هر جایی که مناسبتی پیش آید اشاره شده است.

بعضی از این آیات آنقدر جالب و تازگی دارد که بر فرض هرگاه این آیات در تورات و سایر کتب دینی یهود بود، بسا کسانی بر آنها خرده‌گیری می‌کردند و گفته می‌شد که این آیات را از

روی تعصب آورده‌اند. برای نمونه به برخی از آن آیات در اینجا اشاره می‌کنم: آیه‌ی
چهل و چهارم از سوره‌ی بقره:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و به درستی که من تفضیل دادم شما را
بر جهانیان

و نیز آیه‌ی نود و سوم از سوره‌ی یونس:

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

و بحقیقت فرود آوردیم بنی اسرائیل را در منزلی خوب و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه‌ها

جای بسی سرافرازیست که مطالب این کتاب از نظر دانشمند محترم و علامه‌ی بزرگوار جناب
آقای مرتضی مدرس گیلانی که خود یکی از فضلا و علمای زمانه می‌باشند گذشته و ایشان از
همان لحظه‌هایی که این جانب قصد خود را به انتشار این کتاب به اطلاع ایشان رسانیدم
بلافاصله مورد تشویق و تأیید معظم‌له قرار گرفتم و جای دارد که از ایشان صمیمانه
سپاسگزاری کنم که به خصوص که ابراز محبت فرمودند و مطالب این کتاب را از لحاظ نگارش
و دینی مورد دقت قرار دادند.

حال ضمن تشکر و سپاسگزاری از کسانی که نگارنده را در این راه تأیید کرده‌اند، آرزوی من
این است که به خواست حد-ای این کتاب موجب دوستی بیش‌تر میان ادیان و همه‌ی افراد
عزیز و هموطنان ایرانی خود واقع گردد.

یوسف محبتی اردیبهشت ۱۳۶۱ شمسی

غرض نقشی‌ست کزما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در حق این مسکین دعایی

به نام خد-ا

فصل اول

منتخب آیاتی از کتاب مقدس تورات- راجع به خوراک و خوراکی و خوردن و نخوردن آنها:

حد-ا گفت: زمین نباتات برویاند علفی که تخم بیاورد و درخت میوه که موافق جنس خود میوه آورد که تخمش در آن باشد بر روی زمین و چنین شد. و زمین نباتات را رویانید علفی که موافق جنس خود تخم آورد و درخت میوه‌داری که تخمش در آن موافق جنس خود باشد و حد-ا دید که نیکوست. سفر پیدایش(XXX کتاب مقدس «تورات» یهود بطور کلی به سه قسمت شامل توراه: نبیئیم (انبیاء) و کتویم (کتب مقدسه) تقسیم می‌شود که جمعاً با کتب فرعی شامل ۳۹ مجلد می‌شود. قسمت اول که توراه نامیده می‌شود شامل پنج کتاب (سفر) معروف تورات می‌باشد که عبارتند از: ۱- سفر پیدایش(برشیت) ۲- سفر خروج(شموت) ۳- سفر لاویان(ویقرا) ۴- سفر اعداد(بمیدبار) ۵- سفر تثنیه(دواریم). سفر پیدایش(برشیت) که اولین کتاب از پنج کتاب تورات می‌باشد به نام‌های دیگری از قبیل «سفر تکوین» و «المخلوقات» خوانده می‌شود که به پنجاه باب تقسیم شده است در این کتاب مطالبی بسیار جالب و گیرا راجع به چگونگی پیدایش جهان و موجودات و آفرینش آدم و حوا و زندگی اجداد اولیه قوم یهود آمده است.YYY)، باب-۱:- آیه‌های ۱۱-۱۲ حد-ا گفت: آبها به انبوه جانوران پرشد و پرندگان بالای زمین بر روی فلک آسمان پرواز کنند. سفر پیدایش، باب ۱: آیه ۲۱

حد-ا گفت: همانا همه‌ی علف‌های تخم‌داری که بر روی تمام زمین است و همه‌ی درخت‌هایی که در آنها میوه‌ی درخت تخم‌داراست به شما دادم تا برای شما خوراک باشد سفر پیدایش،

باب ۱: آیه ۲۹.

پس کره و شیر و گوساله‌یی را که ساخته بود گرفته بود پیش روی ایشان گذاشت و خود در مقابل ایشان زیر درخت (حضرت ابراهیم خلیل‌الله بود و از مهمانان که فرشتگان بودند پذیرایی می‌کرد.) ایستاد تا خوردند. سفر پیدایش، باب ۱۸: آیه ۸.

اما گوشت را با جانش که خون او باشد مخورید. سفر پیدایش، باب ۹: آیه ۴

یعقوب نان و آش عدس را به عیسو (عساو برادر حضرت یعقوب بود) که خورد و نوشید و برخاسته برفت پس عیسو نخست‌زادگی خود را خوار کرد. سفر پیدایش (XXX نخست‌زادگی در بین یهودیان مقام و منزلت خاصی داشت به خصوص پس از ضربت دهمین در مصر که منجر به کشته شدن نخست‌زادگان مصری شد. نخست‌زادگان پسر در هر خانواده علاوه از این که دارای مقامی والا تر و مزایای خاصی شدند برای حد-ای نیز تقدیس شدند) سفر خروج، باب ۲۲: آیه ۲۹ و (سفر خروج، باب ۱۳: آیه‌های ۱-۲) (YYY)، باب ۲۵: آیه ۳۴

خورش برای من چنان که دوست می‌دارم ساخته نزد من حاضر کن تا بخورم و جانم قبل از مردنم تو را برکت دهد. (خواهش حضرت اسحاق از فرزندش عیسو)

پس گفت: نزدیک بیاور تا از شکار پسر خود بخوردم و جانم تو را برکت دهد پس نزد وی آورد و بخورد سفر پیدایش، باب ۲۷: آیه ۲۵

پس حد-ا تو را از شبنم آسمان و از فربهی زمین و از فراوانی غله و شیر عطا فرماید. (دعای حضرت اسحاق به حضرت یعقوب) سفر پیدایش باب ۲۷: آیه ۲۵

از این سبب بنی‌اسرائیل تا امروزه عرق‌النساء را که در کف ران است نمی‌خورند. سفر پیدایش، باب ۳۲: آیه ۳۲.

در ماه اول در روز چهاردهم ماه در شام نان فطیر(XXX فطیر نان مخصوصی است که در ایام عید پسخ خورده می‌شود و از خمیری که بی‌خمیر مایه و بی‌نمک باشد تهیه می‌شود YYY) بخورید تا شام بیست‌ویکم ماه هفت روز خمیر مایه در خانه‌های شما یافت نشود... سفر خروج(XXX سفر خروج، شموت دومین کتاب از پنج کتاب تورات می‌باشد در این کتاب از چگونگی خروج بنی‌اسرائیل از مصر و ده ضربتی که حد-ای به فرعون و مصریان فرود آورد و نیز از زندگی حضرت موسی و برگزاری عید پسخ و اعطای ده فرمان به بنی‌اسرائیل در صحرای سینا صحبت شده است این کتاب دارای ۴۰ باب می‌باشد که از لحاظ تاریخی و مطالب آمده در آن یکی از مهم‌ترین کتب کتاب مقدس می‌باشد زیرا در این کتاب از تولد پیامبر بزرگ قوم یهود حضرت موسی صحبت می‌کند که چگونه در زمان کودکی در دربار فرعون بزرگ شده و خلاصه بر اثر ظلم فرعون ندای آزادی سر داد، و فرعون مصر را از تاج و تختش فرو کشید و برای اولین مرتبه در تاریخ درس آزادی و مقابله با ظلم و ستم را یاد داد.YYY)، باب ۱۲: آیه‌های ۱۹-۱۸

آنگاه حد-ا به موسی گفت: همانا من نان را از آسمان برای شما می‌بارانم و قوم رفته کفایت هر روز را در روزش گیرند. سفر خروج، باب ۱۶: آیه ۴

خاندان اسرائیل آن را من(XXX من مائده‌ی آسمانی بود که به امر پروردگار به مدت چهل سال یعنی در زمانی که بنی‌اسرائیل در صحرای سینا به سر می‌بردند از آسمان نازل می‌شد. لازم به یادآوری است که این مائده‌ی آسمانی بیش از یک روز نمی‌ماند لیک روزهای جمعه که از آسمان می‌آمد تا پایان روز شنبه به علت اینکه شنبه‌ها از آسمان نازل نمی‌شد دوام داشت. در قرآن مجید در چند مورد از نزول من و سلوی برای بنی‌اسرائیل سخن به میان آمده است. از آن جمله در سوره‌ی طه آیه ۸۲، سوره‌ی الاعراف آیه ۱۶۰ و سوره‌ی بقره آیه ۵۴ YYY) نامیدند و آن مثل تخم گشنیز سفید بود و طعمش مثل کلوچه آغشته به عسل.

سفر خروج، باب ۱۶: آیه ۳۱

هر گاه گاوی به شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد... گوشتش را مخورند...

سفر خروج، باب ۲۱: آیه ۲۸

برای من مردمی مقدس باشید و گوشتی را که در صحرا دریده شده مخورید آن را نزد سگان بیندازید. سفر خروج باب ۲۲: آیه ۳۱

شش سال مزرعه‌ی خود را به کار و محصولش را جمع کن لیک در هفتمین آن را بگذار و ترک کن تا فقیران (XXX) در کتاب مقدس و فرمان‌های دینی یهود بارها به رعایت حقوق و دستگیری از فقرا تأکید شده است از آن جمله در همین باب آیه ۴ نیز از مراعات کردن حقوق فقرا در دعاوی ملزم می‌دارد و نیز در سفر لاویان آنجایی که صحبت از آوردن قربانی به درگاه حد-ا می‌کند فقرا را به آوردن قربانی و پیش‌کشی‌های ارزان تأیید می‌کند، رجوع شود به سفر لاویان، باب ۵ آیه ۱۱ و ۷ و باب ۱۲ آیه ۱۸.

حضرت داوود هم در کتاب مزامیر بارها به عباراتی بسیار روشن به حمایت کردن از فقرا سخن گفته و مردم را به حمایت از فقرا تشویق کرده، از آن جمله کتاب مزامیر باب ۴۱ آیه ۱: خوشا به حال کسی که برای فقیر فکر کند، حد-ا او را در روز بلا خلاصی خواهد داد. یا در باب ۸۲: آیه ۲ نیز آمده است که: مظلومان و فقیران را برهانید و ایشان را از دست شیران خلاصی دهید.

حضرت سلیمان فرزند حضرت داوود هم راجع به فقرا سخن‌هایی گفته: هر که بر فقیر ظلم کند آفریننده خود را حقیر می‌شمارد و هر که بر مسکین ترحم کند او را تمجید می‌کند. کتاب امثال سلیمان نبی باب ۱۴: آیه ۳۱(YYY) قوم تو از آن بخورند و آنچه از ایشان مانند حیوانات صحرا بخورند. همچنین با تاکستان و درخت‌های زیتون خود عمل کن. سفر خروج، باب ۲۳: آیه‌های

۱۱-۱۰. ایضاً لاویان، باب ۲۵: آیه‌های ۷-۱ نوبر نخستین محصول زمین خود را به خانه‌ی حد-ای خود بیاور و بزغاله را در شیر مادرش میز.

سفر خروج، باب ۳۳: آیه‌ی ۱۹

این قانون ابدی در همه‌ی پشته‌های شما در جمیع مسکن‌های شما خواهد بود که هیچ خون (خوردن خون و پیه در آیین یهود حرام است و بارها کتاب مقدس مصرف خون و پیه را منع کرده است.) و پیه را مخورید. سفر لاویان «باب ۳: آیه‌ی ۱۷.» (XXX سفر لاویان (ویقرا) که سومین کتاب از پنج کتاب تورات می‌باشد شامل ۲۷ باب می‌باشد که مطالب مندرجه در آن راجع به امور و وظایف لاویان و کاهنان در اجتماع و نیز کارهای مربوط به بیت‌همیقداش می‌باشد و نیز در این کتاب جریان سوخته شدن ناداب و ابیهو پسران حضرت هارون به علت مراعات نکردن قوانین مربوط به ورود به بیت‌المقدس (خیمه‌ی اجتماع) و گذراندن قربانی غیر مربوط آمده است. (YYY)

گوشتی که به هر چیز نجس برخورد خورده مشود به آتش سوخته شود... سفر لاویان، باب ۷، آیه‌ی ۱۹.

حد-ا موسی را خطاب کرده گفت: بنی‌اسرائیل را خطاب کرده بگو هیچ پیه گاو و گوسفند و بز را مخورید. سفر لاویان، باب ۷: آیه‌ی ۲۲-۲۳.

هیچ خون را خواه از مرغ خواه از بهایم در همه مسکن‌های خود مخورید. هر کسی که از هر قسم خون بخورد آن کس از قوم خود منقطع خواهد شد. سفر لاویان، باب ۷: آیه‌های ۲۷-۲۶

حد-ا هارون را خطاب کرده گفت: تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید شراب و مسکری منوشید مبادا بمیرید. این است فرضیه‌ی ابدی در نسل‌های شما، سفر لاویان، باب ۱۰:

حد-ا به موسی و هارون گفت: بنی‌اسرائیل را بگویید: این‌ها حیواناتی هستند که می‌باید بخورید از همه بهایمی که بر روی زمین‌اند. هر شکافته سم که شکاف تمام دارد و نشخوار کننده از بهایم آن را بخورید. اما از نشخوارکنندگان و شکافتگان سم اینها را مخورید یعنی اشتر، زیرا نشخوار می‌کند لیک شکافته سم نیست آن برای شما نجس است.

و خرگوش زیرا نشخوار می‌کند لیک شکافته سم نیست این برای شما نجس است. و خوک زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیک نشخوار نمی‌کند این برای شما نجس است. از گوشت آنها مخورید و لاشه‌ی آنها را لمس نکنید اینها برای شما نجس‌اند. از همه‌ی آن چه در آب است اینها را بخورید هر چه پرک و فلس دارد در آب خواه در دریا خواه در نهرها آنها را بخورید.

و هر چه پرک و فلس ندارد در دریا یا در نهرها از همه‌ی حشرات آب و همه جانورانی که در آب می‌باشند اینها نزد شما مکروه باشند. البته نزد شما مکروه‌اند از گوشت آنها مخورید و لاشه‌ی آنها را مکروه دارید و از مرغان اینها را مکروه دارید خورده نشوند زیرا مکروه‌اند: عقاب و استخوان‌خوار ... و کرکس و لاشخور به اجناس آن. و غراب به اجناس آن و شترمرغ و جغد و مرغ دریایی و باز به اجناس آن و بوم و غواص و بوتیمار و قاز و مرغ سقا... و لقلق و کلنگ به اجناس آن و هدهد و شبیره و همه‌ی حشرات بالدار که بر چهارپا می‌روند برای شما مکروه‌اند...

و سایر حشرات بالدار که چهارپا دارند برای شما مکروه‌اند و از آنها نجس می‌شوید و هر که لاشه‌ی آنها را لمس کند تا شام نجس باشد... و هر حشراتی که بر زمین می‌خزد مکروه است خورده مشود و هر چه بر شکم راه رود و هر چه بر چهارپا راه رود و هر چه پایهای زیاده

دارد یعنی همه‌ی حشراتی که بر زمین می‌خزند آنها را مخورید زیرا مکروه‌اند. سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌های ۴۱-۴۴ و ۲۳-۲۴ و ۲۰-۱۳ و ۱۱-۶ و ۴-۱.

هر کس از خاندان اسراییل یا از غریبانی که (XXX برای کلمه‌ی غریب «گر» در عبری معانی زیادی گفته‌اند. از آن جمله این کلمه در فرهنگ عبری به فارسی حییم چنین ترجمه شده است: بیگانه - اجنبی - مهمان - مقیم موقتی و غریب (YYY) در میان شما مأوا گزینند که هر قسم خون را بخورد من روی خود را بر آن شخصی که خون خورده باشد برمی‌گردانم و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت زیرا جان جسد در خون است... سفر لاویان، باب ۱۷: آیه‌های ۱۱-۱۰

چون حاصل زمین خود را درو کنید گوشه‌های مزرعه‌ی خود را تمام کنید و محصول خود را خوشه‌چینی کنید و تاکستان خود را دانه‌چینی منما و خوشه‌های ریخته شده تاکستان خود را برمچین آنها را برای فقیر و غریب بگذار من خد-ای شما هستم. سفر لاویان، باب ۱۹: آیه‌های ۱۰-۹.

حد-ا موسی را گفت: چون گاو یا گوسفندی یا بز زاییده شود هفت روز نزد مادر خود بماند... اما گاو یا گوسفند آن را با بچه‌اش در یک روز ذبح کنید. سفر لاویان باب ۲۲: آیه‌های ۲۸-۲۶.

شش سال مزرعه‌ی خود را بکار و شش سال تاکستان خود را پازش بکن (XXX پازش به معنی هرس کردن می‌باشد YYY) و محصولش را جمع کن و در سال هفتم سبت آرامی برای زمین باشد یعنی سبت برای حد-ا مزرعه‌ی خود را مکار و تاکستان خود را پازش مکن. آنچه از مزرعه‌ی تو خودرو باشد درو مکن و انگورهای مو پازش ناکرده‌ی خود را مچین سال آرامی برای زمین باشد. سفر لاویان، باب ۲۵: آیه‌های ۵-۴-۳

اگر در فرایض من سلوک کنید و اوامر مرا نگاه داشته آنها را به جای آورید. آنگاه باران‌های شما را در موسم آنها خواهم داد و زمین محصول خود را خواهد آورد و درخت‌های صحرا میوه‌ی خود را خواهند داد. و کوفتن خرمن شما تا چیدن انگور خواهد رسید و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد رسید و نان خود را به سیری خورده در زمین خود به امنیت سکونت خواهید کرد. سفر لاویان، باب ۲۶: آیه‌های ۵-۳.

حد-ا به موسی گفت: بنی‌اسرائیل را بگو چون مرد یا زن نذر خاص یعنی نذیره(XXX) نذیره‌ها کسانی بودند که والدین آنان قبل از تولد طفل که معمولاً نازا بودند با حد-ا عهد و پیمان می‌بستند که فرزند خود را با قبول کردن شرایطی که در آیات فوق آمده است (و حتماً اجرا می‌شد) مادام‌العمر وقف حد-ا کنند. برای نمونه می‌توان شمشون را نام برد که شخصی بود، فوق‌العاده قوی و شجاع که سرگذشت جالب و ماجراهای هیجان‌انگیز او به تفصیل در سفر داوران باب ۱۳ آمده است. به غیر از شمشون می‌توان از حضرت شموئیل نام برد که والدینش قبل از تولد وی او را وقف حد-ا کردند. کتاب شموئیل اول باب ۱: آیه‌های ۱۱-۱ معمولاً رسم بر این بود که نذیرگان موی سر خویش را نمی‌تراشیدند. هر چند در ظاهر بیش از این دو مورد کتاب مقدس به وجود نذیرگان اشاره‌ی نشده است لیک بدون شک نذیرگان در بنی‌اسرائیل کم و بیش وجود داشته‌اند. آیات ۱۱ و ۱۲ باب دوم کتاب عاموس نبی دال بر این است که عده‌ی نذیره‌ها در بین اجتماع نعمت بخصوصی محسوب می‌شدند و دل‌گرمی خاصی بین مردم ایجاد می‌کردند و آنان را نشانه‌یی از لطف خد-ا نسبت به خود می‌دانستند (YYY) بکند و خود را برای حد-ا تخصیص دهد آنگاه از شراب و مسکرات بپرهیزد و سرکه‌ی شراب و سرکه‌ی مسکرات را منوشد و هیچ عصیر انگور منوشد و انگور تازه یا خشک نخورد. و تمام ایام تخصیصش از هر چیزی که از تاک انگور ساخته شود از هسته تا پوست نخورد. سفر اعداد(XXX) سفر اعداد بمیدبار چهارمین کتاب از پنج کتاب تورات می‌باشد که مشتمل بر

۳۶ باب می‌باشد نظر به این کتاب به عده‌ی نفوس و سرشماری بنی‌اسرائیل در بیابان سینا مطالبی آمده است از این جهت نام این کتاب به فارسی «اعداد» نام نهاده‌اند، البته معنی کلمه‌ی عبری که بمیدبار است، در بیابان می‌باشد. در این کتاب چگونگی زندگی و کوچ کردن بنی‌اسرائیل طی چهل سال در بیابان سینا و فرستادن دوازده نفر برای اطلاع از اوضاع و احوال سرزمین کنعان و برگشتن آنان و وقایعی که بعد از برگشتن این فرستادگان رخ داد، سپس مخالفت قورح(قارون) و همدستانش به حضرت موسی و از بین رفتن آنان و برکت کردن بلعام بنی‌اسرائیل را و سرانجام جنگ‌های بنی‌اسرائیل و رسیدن ایشان به سرحدات موآب آمده است. (۷۷۷) باب ۶: آیه‌های ۴-۱.

گروهی مختلف که (XXX طبق تفسیری که رشی(راب شلمو اسحاقی، معروف به رشی یکی از مفسرین معروف تورات و تلمود است که در خانواده‌ی دانشمند در سال ۱۰۴۰ میلادی در شامپانی فرانسه پای به عرصه وجود گذاشت) برای گروه مختلف کرده است و سایرین مفسرین هم همین عقیده را دارند این است که این افراد اصلاً از قوم یهود نبودند و به قطبیان معروف بودند و هنگامی که بنی‌اسرائیل از سرزمین مصر بیرون آمدند آنان هم بنا به عللی همراه با بنی‌اسرائیل از مصر کوچ کردند و همین افراد یا گروه مختلف بودند که بارها مزاحمت‌هایی برای بنی‌اسرائیل ایجاد می‌کردند و پیوسته مردم را به شورش تشویق می‌کردند و افکار آنان را مسموم می‌کردند بطوری که در جریان گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل این گروه مشوق آنان بودند و به بنی‌اسرائیل گفتند: ای اسرائیل این حد-ایان تو می‌باشند که تو را از مصر بیرون آوردند. سفر خروج باب ۳۲: آیه‌ی ۵ علاوه بر مورد ذکر شده در سفر خروج باب ۱۲: آیه‌ی ۳۸ از این گروه مختلفه که «عروِراو» خوانده شده ذکری به میان آمده که چگونه اینان با بنی‌اسرائیل از مصر خارج شدند. (۷۷۷) در میان ایشان بودند به هوس افتادند.

بنی‌اسرائیل باز گریان شده گفتند: کیست که ما را گوشت بخوراند. ماهی را که در مصر مفت

می خوردیم و خیار و خربزه و تره و پیاز و سیر را به یاد می آوریم. سفر اعداد باب ۱۱: آیه های ۴-۵

گوشت هنوز در میان دندان ایشان می بود پیش از آن که جویده شود که غضب حد-ا بر ایشان افروخته شده حد-ا قوم را به بلای بسیار سخت مبتلا ساخت. سفر اعداد، باب ۱۱: آیه ی ۳۳. چون حد-ایت تو را به زمینی که برای پدرانت ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورد که به تو بدهد درآورد به شهرهای بزرگ و خوش نمایی که تو بنا نکرده یی و به خانه های پر از هر چیز نیکو که پر نکرده و حوض های کنده شده یی که نکرده یی و تاکستان ها و باغ های زیتونی که غرس نکرده یی و از آنها خورده سیر شدی. آنگاه با حذر باش مبدا حد-ا راکه تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد فراموش کنی. سفر تثنیه (XXX) «دواریم» کتاب پنجم تورات می باشد که مجموعه ایست از خلاصه یی از فرامین یهود و سرگذشت بنی اسرائیل در بیابان سینا که حضرت موسی همراه با پند و اندرز برای قوم خود آورد. شامل ۳۴ باب است (YYY) باب ۶: آیه های ۱۰-۱۲

... و من را به تو خورانید که نه تو آن را می شناختی و نه پدرانت می شناختند تا تو را بفهماند که انسان نه به نان تنها زیست می کند بلکه به هر امری که از سوی حد-ا صادر می شود انسان زنده ماند. سفر تثنیه، باب ۸: آیه ی ۳.

زمینی که پر از گندم و جو و مو و انجیر و انار باشد، زمینی که پر از زیتون زیت و عسل است. سفر تثنیه، باب ۸ آیه ی ۸.

... و خورده سیر خواهی شد و حد-ای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است متبارک خواهی خواند. پس با حذر باش مبدا حد-ای خود را فراموش کنی و اوامر و احکام و فرایض او را که من امروز به تو امر می فرمایم نگاه نداری. مبدا خورده سیر شوی و خانه های نیکو بنا

کرده در آن ساکن شوی. و رمه و گله‌ی تو زیاد شود و نقره و طلا برای تو افزون شود و مایملک تو افزوده شود. و دل تو مغرور شده حد-ای خود را که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد فراموش کنی. سفر تثئیه باب ۸، آیه‌ی ۱۴-۱۰.

هنگامی که من به کوه بر آمدم تا لوح‌های سنگ یعنی لوح‌های عهدی را که حد-ا با شما بست بگیرم آنگاه چهل روز و چهل شب در کوه ماندم نه نان خوردم و نه آب نوشیدم.

پس برگشته از کوه فرود آمدم (XXX اشاره‌ایست به حضرت موسی رهبر و پیامبر دین یهود، هر چند همه‌ی خوانندگان عزیز از شخصیت و نبوغ و صفات و فضائل عالی‌ه آن بزرگوار اطلاع دارند بنابراین لزومی نمی‌بینم که راجع به آن حضرت مطالبی بنویسم لیک چه خوب است آیاتی که در کتاب مقدس راجع به صفات حمیده‌ی آن حضرت آمده است عیناً به نظر خوانندگان محترم برسانم: موسی به حد-ا گفت: من کیستم که نزد فرعون بروم و بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آورم گفت: البته با تو خواهم بود. سفر خروج، باب ۳: آیه‌ی ۱۱. و موسی مرد حلیم بود بیش‌تر از جمیع مردمانی که بر روی زمین‌اند. سفر اعداد، باب ۱۲: آیه‌ی ۳. و نبی مثل موسی تا به حال در اسرائیل ظهور نکرده است که حد-ا رو برو به وی ظاهر شده باشد. سفر تثئیه، باب ۳۴: آیه‌ی ۱۰ یکی از مهم‌ترین صفات حمیده‌ی آن حضرت این بود که محبت خاصی نسبت به قوم یهود است. هر چند که گاهی اوقات علائم بهانه‌گیری در این قوم مشاهده می‌شد و آن حضرت را رنج می‌داد بطوری که در یک مورد خشمگین شده الواحی را که ده فرمان بر روی آنها نوشته شده بود شکست لیک محبت بی‌اندازه اش نسبت به قوم خود بی‌اندازه بود بطوری که از حد-ا درخواست کرد در صورتی که گناه‌های قوم را نبخشد اسم وی را از کتاب مقدس محو سازد اصول و دستورهای دینی آن حضرت بسیار محکم و جامع می‌باشد به گونه‌ای که بهترین نمونه‌ی طرز تفکر و روش اوست و نیکوترین احکامی است که از زمان‌های قدیم مانده زیرا این احکام اساس و قوانین اخلاقیات جهان را تشکیل داده و دین توحیدی یهود

اصول و پایه‌ی اغلب ادیان اهل کتاب بخصوص مسیحیت می‌باشد. در قرآن کریم به حضرت موسی لقب کلیم‌الله داده شده است. او یگانه پیامبر است که موفق به دیدار تجلی ذات اقدس الاهی گردیده. سفر اعداد، باب ۱۲ آیه‌های ۷-۸.

اما بنده‌ی من موسی چنین نیست: او در تمام خانه‌ی من امین است. با وی روبرو و آشکارا و نه در رمز سخن می‌گویم... مدت عمر مبارکش صد و بیست سال بود. سفر تثئیه، باب ۳۴ آیه‌ی

۷

موسی چون درگذشت صد و بیست سال داشت نه چشمش تار و نه قوتش کم شده بود، (لطفاً تمام باب ۳۴ سفر تثئیه که راجع به رحلت اوست مراجعه فرمایید). در قرآن کریم راجع به مبارزات حضرت موسی با فرعون جبار مصر و چگونگی نجات دادن قوم بنی‌اسرائیل از ظلم فرعون و پیروزی حق بر باطل بارها به نحو شایسته و گاهی مفصل و کامل سخن به میان آمده است. به قسمی که این مبارزات جز، جالب‌ترین و هیجان‌انگیزترین قصص قرآن کریم در آمده است به خصوص در سوره‌ی اعراف مشاهده می‌شود که چگونه حضرت موسی بر ضد دربار و حکومت فرعون قیام کرده و آنان را از انتقام الاهی باخبر ساخته. اما چون فرعون مغرور بود ندای حق را نادیده و ناشنیده گرفته تا این که ده ضربه الهی بر سرش فرود آمده، سپس قوم یهود را آزاد کرد، سوره‌ی اعراف آیه‌های ۱۳۱-۱۲۹

و نیز در همین سوره مشاهده شده که چگونه حضرت موسی نسبت به دیدار تجلی ذات اقدس الاهی میل و رغبت نشان داده. آیه‌ی ۱۳۹ از قرآن کریم. و نیز در سوره‌ی یونس گوشه‌هایی از زندگی او و عبور بنی‌اسرائیل از دریا را بازگوی کرده است. علاوه بر سوره‌های فوق در سوره‌های: طه، الاحزاب، الاعلی. آیاتی بدین موضوع اختصاص داده شده است. (YYY) و کوه در آتش می‌سوخت و دو لوح عهد در دو دست من بود. و نگاه کرده دیدم که به حد-ای خود گناه ورزیده گوساله‌ی ریخته شده برای خود ساخته و از طریقی که حد-ا به شما امر فرموده

بود به زودی برگشته بودید. پس دو لوح را گرفتم و آنها را از دو دست خود انداخته در نظر شما شکستم، و مثل دفعه اول چهل روز و چهل شب به حضور حد-ا به روی در افتادم نه نان خوردم و نه آب نوشیدم به سبب همه‌ی گناه‌های شما که کرده و کار ناشایسته که در نظر حد-ا عمل کرده و خشم او را به هیجان آوردید. سفر تثنیه باب ۹ آیه‌های ۱۸-۱۵ و ۹.

چنین خواهد شد که اگر اوامر مرا که من امروز برای شما امر می‌فرمایم بشنوید و حد-ای خود را دوست بدارید و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت کنید. آنگاه باران زمین شما یعنی باران اولین و آخرین را در موسمش خواهم بخشید تا غله و شیر و روغن خود را جمع کنی. و در صحرای تو برای بهایمت علف خواهم داد تا بخوری و سیر شوی. باحذر باشید مبادا دل شما فریفته شود و برگشته حد-ایان دیگر را عبادت و سجده کنید. سفر تثنیه، باب ۱۱: آیه‌های ۱۶-۱۳.

لیک هوشیار باش که خون را مخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت مخوری. آن را مخور بلکه مثل آب بر زمینش بریز. آن را مخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد هنگامی که آنچه در نظر حد-ا راست است به جای آوری. سفر تثنیه، باب ۱۲: آیه‌های ۲۵-۲۳.

هیچ چیز مکروه مخور. سفر تثنیه، باب ۱۴، آیه ۳.

هیچ میته مخورید... زیرا تو برای حد-ایت قوم مقدس هستی و بزغاله را در شیر مادرش میز سفر نشنیه، باب ۱۴: آیه ۲۱.

چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی و آن روزهای بسیار محاصره سازی تبر بر درخت‌هایش مزن و آنها را تلف مساز چون که از آنها می‌خوری پس آنها را قطع مکن زیرا آیا درخت صحرا انسان است تا آن را محاصره سازی، سفر تثنیه، باب: ۲۰ آیه ۱۹.

اگر کسی را پسری سرکش و فتنه‌انگیز باشد که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد... پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش به دروازه‌ی محله‌اش بیاورند و به مشایخ شهرش گویند این پسر ما سرکش و فتنه‌انگیز است سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و می‌گسار است. سفر تنبیه، باب ۲۱ آیه‌های ۲۰-۱۸

اگر اتفاقاً آشیانه‌ی مرغی در راه به نظر تو آید خواه بر درخت یا بر زمین و در آن بچه‌ها یا تخم‌ها باشد و مادر بر بچه‌ها یا تخم‌ها خوابیده مادر را با بچه بگیر. سفر تنبیه: باب ۲۲: آیه‌ی ۶.

چون به تاکستان همسایه‌ی خود درآیی از انگور هر چه می‌خواهی به سیری بخور اما در ظرف خود هیچ مگذار. چون به کشت زار همسایه‌ی خود داخل شوی خوشه‌ها را به دست خود بچین اما داس بر کشت همسایه‌ی خود مگذار. سفر تنبیه، باب ۲۳: آیه‌های ۲۵-۲۴.

چون محصول خویش را در مزرعه‌ی خویش درو کنی و در مزرعه بافه‌ای فراموش کنی برای برداشتن آن برمگرد برای غریب و یتیم (XXX در کتاب مقدس مکرراً مشاهده می‌کنیم که فرمان‌های زیادی راجع به جانبداری از یتیمان و بیوه‌زنان و اجرای حقوق حقه‌ی آنان آمده است که البته سرپیچی از این فرمان‌ها گناه بزرگ محسوب می‌شود راجع به این امر مهم هم در کتاب مزامیر مطالب زیادی یافت می‌شود که عموماً نشان دهنده‌ی آن است که حد-ا بهترین حامی و مددکار بیوه‌زنان و یتیمان است. من باب مثل در باب ۱۰: آیه‌ی ۱۴. از سخن‌های حضرت داوود چنین آمده است... مددکار یتیمان تو هستی. و نیز در باب ۱۴۶: آیه‌ی ۹ هم با عباراتی دیگر چنین آمده است: حد-ا غریبان را محافظت می‌کند و یتیمان و بیوه‌زنان را پایدار می‌کند لیک طریق شیریان را کج می‌سازد. و باز هم در باب ۶۸: آیه‌ی ۵ همین کتاب نام او حد-ا است به حضورش به وجد آیی، پدر یتیمان و داور بیوه‌زنان. باید دانست که طبق آیه‌ی ۱۷ از باب ۲۴: سفر تنبیه گرو گرفتن حتی لباس بیوه‌زن منع شده است: داوری غریب و یتیم

را منحرف مساز و جامه‌ی بیوه را به گرو مگیر. اشعیای نبی یکی از پیامبران بزرگ یهود و بشارت دهنده صلح جهانی و خلع سلاح عمومی با کلماتی محکم و رسا در باب اول کتاب خود آیه‌ی ۱۷ چنین گفته: نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید و مظلومان را رهایی دهید، یتیمان را دادرسی کنید و بیوه‌زنان را حمایت سازید باز همین نبی در باب ۱۰ آیات ۳-۱ چنین سخن گفته: وای بر آنانی که احکام غیر عادلانه را جاری می‌سازند... تا مسکینان را از داوری منحرف سازند و حق فقیران قوم مرا برابند تا آن که بیوه‌زنان غارت ایشان بشوند و یتیمان را تاراج کنند. (YYY) و بیوه زن باشد تا حد-ایت تو را در همه‌ی کارهای دستت برکت دهد.

چون زیتون خود را بتکانی بار دیگر شاخه‌ها را متکان برای غریب و یتیم و بیوه باشد. چون انگور تاکستان خود را بچینی بار دیگر آن را مچین برای غریب و یتیم و بیوه باشد. سفر تثنیه، باب ۲۴: آیه‌های ۱۹-۲۱

دهان گاو را هنگام خرمن کوبیش مبنده. سفر تثنیه، باب ۲۵: آیه‌ی ۴.

او را بر بلندی‌های زمین سوار کرد. تا از محصولات زمین بخورد و شهد را از صخره به او داد تا مکید. و روغن را از سنگ خارا. کره گاوان و شیر گوسفندان را ... و شراب از عصیر انگور نوشیدی. لیک یشورون (XXX) یشورون اشاره و لقبی است که به بنی‌اسرائیل داده شده است. باز هم در سفر تثنیه باب ۳۳: آیه‌ی ۲۶ به بنی‌اسرائیل لقب یشورون داده شده است. اشعیای نبی هم در باب ۴۴: آیه‌ی ۲ از همین کلمه استفاده کرده است... ای بنده‌ی من یعقوب مترس وای یشورون که تو را برگزیده‌ام. فربه شده لگد زد. تو فربه و تنومند و چاق شده‌یی. پس حد-ایی را که او آفریده بود ترک گفت سفر تثنیه، باب ۳۲: آیه‌های ۱۵-۱۳.

فرشته‌ی حد-ا به آن زن (XXX) همسر مانوح که حد-ا در اینجا وعده می‌دهد که حامله شده و

پسری خواهد زایید و بنی اسرائیل را در نبرد با دشمنان یاری خواهد داد این شخص که شمشون نام دارد از نذیرگان بود که قبلاً راجع به آن توضیحاتی داده شد. (YYY). ظاهر شده او را گفت اینک تو حال نازاد هستی و نزاییده‌یی لیک حامله شده پسری خواهی زایید. و الان با حذر باش و هیچ شراب و مسکری منوش و هیچ چیز نجس مخور. زیرا یقیناً حامله شده پسری خواهد زایید... سفر داوران (XXX) سفر داوران این کتاب تاریخ بنی اسرائیل را از زمان فوت حضرت یهوشوع جانشین حضرت موسی تا شروع زندگی حضرت سموئیل شرح داده. این کتاب به ۲۱ باب تقسیم شده است، سفر داوران جز کتب انبیاء «نبیئیم» می‌باشد بطوری که قبلاً در پاورقی سفر پیدایش شرح داده شد کتاب مقدس به سه قسمت تقسیم شده است که تکرار آنها لزومی ندارد لیک برای مزید اطلاع خوانندگان محترم کتب انبیاء به شرح زیر نام برده می‌شود. علاوه از سفر داوران بقیه‌ی کتب عبارتند از کتب یوشع بن نون (یهوشوع) سموئیل اول و دوم. پادشاهان اول و دوم ارمیا (یرمیا). حزقیال (یحزقل). اشعیا (یشعیا). هوشع (هوشیع) یوئیل. عاموس عوبدیا. یونس (یونا). میکاه (میخا). ناحوم. حبقوق. صفیا. حجی. ذکریا (زخریا) ملاکی (ملاخی). اما راجع به جزئیات این کتاب یادآوری می‌شود که قبل از این که بنی اسرائیل پادشاهی برای خود انتخاب کنند افرادی به نام داوران برایشان حکومت می‌کردند و همین داوران بودند که موجب اتحاد بنی اسرائیل می‌شدند و آنان را در جنگ‌ها رهبری می‌کردند از معروف‌ترین داورانی که حکومت کردند می‌توان اشخاص زیر را نام برد. دبوره و بالاق، یفتاح، شمشون و عیلی کاهن که سرگذشت زندگی هر کدام از آنان بسیار جالب می‌باشد. دبوره، که خود یکی از هفت زنان نبیه می‌باشد زنی بود با تقوی وی توسط الهامی که از طرف حد-ا بر وی نازل شده بود توأم بود باراق در جنگی که با سیسرا فرماندهی سپاهیان یابین کرد پیروز شد. سرود معروفی که دبوره سراییده است پر معنی می‌باشد. لطفاً برای مطالعه‌ی بیش‌تر به کتاب داوران باب‌های ۴ و ۵ مراجعه شود. (YYY)، باب ۱۳: آییه‌های ۵-۳.

پس شخص مصری را در صحرا یافته او را نزد داوود(XXXحضرت داوود یکی از معروف ترین پادشاهان بنی اسرائیل می باشد او فرزند یسا (بیشای) و کوچک ترین فرزند خانواده ی خود بود که دارای قیافه یی سرخ روی و نیکو چشم و خوش منظر بود. و از خاندان (سبط) یهودا بود وی بنا به امر حد-ا توسط حضرت شموئیل بعد از شاوول (اولین پادشاه بنی اسرائیل) طی مراسمی ساده و روحانی به فرمانروایی بنی اسرائیل انتخاب (مسح) شد. شموئیل اول باب ۱۶: آیه های ۱۱-۱۳.

استعدادهای ذاتی و اخلاقی او بسیار عالی بود و همین استعدادهای ممتاز بود که به وی بهترین صفات بلند بشری چون تقوی و ایمان، شجاعت و سخاوت و عدالت بخشیده شد. علاوه بر اینها ادیبی بود ماهر که اغلب سرودهای کتاب مزامیر (حدود ۷۳ مزامیر) را سروده و تألیف کرده است و چون او مشهورترین ادیبان و بزرگ ترین سراینده مزامیر بود لذا کتاب مزامیر را کتاب مزامیر حضرت داوود نامیدند. این کتاب که تدوین آن صدها سال طول کشیده است (از زمان حضرت موسی و به عقیده ی برخی از زمان حضرت آدم تا عزرا) یکی از پرخواننده ترین کتاب های کتاب مقدس پس از پنج مجلد تورات می باشد. مزامیر اغلب بصورت شعر و دعا بوده و دارای سجع بندی جالبیست و از طرفی چون عباراتش ساده و روان بوده و از اعماق قلب انسان صادر شده و از احساسات گوناگون بشری سرچشمه گرفته بنابراین یکی از بهترین کتاب های دعای عمومی و فردی در میان بنی اسرائیل بشمار می رود حتی این کتاب از قرن های بیش از محدوده ی دین یهود بیرون آمده بصورت یک کتاب دعای جهانی در بین ادیان دیگر رسوخ کرده و امروزه یکی از ارکان دعاها ی مسیحیان است که بصورت سرودهای دینی در تمام کلیساها اجرا می شود.

در ادبیات اسلامی نیز نسبت به حضرت داوود مقام و منزلت خاصی داده شده است بطوری که در روایات اسلامی آمده است او آواز گرم و افسونگر و جان بخشی داشت. چنان که سعدی در

گلستان در مقام مبالغه در خوبی آوازش گفته: چهارم خوش آوازی که به حنجره‌ی داوودی آب از جریان و مرغ از طیران باز دارد.

بیش‌تر پیامبران بنی‌اسرائیل و علمای دینی عقیده دارند که ماشیح از نسل حضرت داوود می‌باشد اشعیا نبی تمام باب: ۱۱. حضرت داوود نسبت به ایمانی که به حد-ا داشت می‌خواست خانه‌ی حد-ا را خود شخصاً بنا کند لیک به امر حد-ا عملیات بنای خانه حد-ا (بیت‌همیقداش) به دست فرزندش حضرت سلیمان سپرده شد. کتاب دوم سموئیل تمام باب ۷. و کتاب اول تواریخ ایام باب ۲۲. حضرت داوود پس از چهل سال سلطنت در سن ۷۰ سالگی به سرای جاویدان شتافت. کتاب اول تواریخ ایام باب ۲۹ آیه‌های ۳۰-۲۶ و کتاب اول پادشاهان باب ۲: آیه‌ی ۱۱ (YYY) آوردند و به او نان دادند که خورد و او را آب نوشانیدند. پاره‌یی از قرص انجیر و دو قرص کشمش به او دادند و چون خورد روحش به وی بازگشت زیرا سه روز و سه شب نه نان خورده و نه آب نوشیده بود. کتاب اول سموئیل (XXX کتاب سموئیل که شامل دو جلد به نام اول سموئیل و دوم سموئیل می‌باشد جزء کتب انبیاء محسوب می‌شود. در این دو جلد که جلد اول دارای ۳۱ باب و جلد دوم دارای ۲۴ باب می‌باشد پیرامون زندگی حضرت سموئیل و ایام پادشاهی شاوول که اولین پادشاه اسرائیل بود و بر کناری آن و سرگذشت حضرت داوود و به پادشاهی رسیدن او تا اواخر سلطنتش مطالبی نوشته شده است. YYY) باب ۳۰: آیه‌های ۱۲-۱۱.

و چون داوود اندکی از سر کوه گذشته بود اینک صیبا خادم مفیوشت (XXX یوناتان پسر شاوول و دوست وفادار حضرت داوود فرزندی داشت به نام مفیوشت که در اوان کودکی بر اثر افتادن به زمین آسیب دیده و لنگ شده بود. کتاب دوم سموئیل، باب ۴: آیه‌ی ۴. نظریه این که حضرت داوود نسبت به یوناتان دوستی بسیار صمیمانه‌ای داشت زمانی که به حکومت رسید نسبت به فرزند دوستش نهایت محبت و احترام را انجام داد. کتاب دوم سموئیل، باب ۹: YYY) با یک

جفت خر آراسته که دویست قرص نان و صد قرص کشمش و صد قرص انجیر و یک مشک شراب بر آنها بود به استقبال آمد. کتاب دوم سموئیل، باب ۱۶: آیه ی ۱.

و واقع شد که چون داوود به محنائیم رسید(XXX محنائیم محلی بود در مشرق رودخانه ی اردن که متعلق به سبط گاد و آشر و نیمی از سبط منشه بود که حضرت داوود در زمان شورش فرزندش ابشالم به این محل پناهنده شد. کتاب اول پادشاهان باب ۲: آیه ی ۸ در سفر پیدایش باب ۳۲ آیه ی ۲ برای اولین مرتبه حضرت یعقوب این محل را محنائیم نامید. YYY). شوبی بن ناحاش(از دوستان و طرفداران حضرت داوود بودند که به استقبال وی آمده بودند. YYY). از ربت بنی عمون و ماکیر بن عمیئیل.... بسترها و کاسه ها و ظروف سفالین و گندم و جو و آرد و خوشه های برشته و باقلا و عدس و نخود برشته. و عسل و کره گوسفندان و پنیر گاو برای خوراک داوود و قومی که همراهش بودند آوردند زیرا گفتند: که قوم در بیابان گرسنه و تشنه می باشند. کتاب دوم سموئیل، باب ۱۷: آیه های ۲۹-۲۷.

و اشعیا(XXX اشعیا نبی(یشعیا) را بدون شک می توان جزء بزرگ ترین انبیاء یهود محسوب کرد که در زمان عزیا و یوتام و آحاز و حزقیا که همگی از پادشاهان کشور یهودا بودند می زیسته است. اشعیا نبی، باب ۱: آیه ی ۱. موجودیت ملت یهود و پایداری این ملت در مقابل سختی ها و مصیبت هایی که به چشم دیده است مرهون بشارت ها و پیشگویی های این نبی می باشد. زیرا اشعیا نبی با پیشگویی های امیدبخشی که راجع به آینده ی این ملت و ظرفیت پیش رفت آن و استعداد های نهفته ی درونی این قوم کرده است تخم امید به آینده را در قلوب فرد فرد این ملت کاشته است.

آنچه این نبی در بشارت ها و نبوت های خود که در حدود ۷۴۰ قبل از میلاد می زیسته است گفته: به جای خود بسیار جالب و شنیدنی است از همان باب اول کتاب این نبی که خواننده آن را مطالعه می کند. اشعیا نبی بدون هیچ مقدمه یی انسان را نسبت به رفتارش در مقابل حد-

او همنوعانش مسئول می‌داند و بشر را از انجام هر عمل گناه‌آلودی سخت هشدار داده. ضروری می‌دانم جهت اطلاع بیشتر خوانندگان محترم آیاتی از باب اول و دوم کتاب اشعیاء نبی که باب اول آن راجع به دوری کردن از انجام هر عمل بد و لزوم رعایت کردن عدل و انصاف و باب دوم که مربوط به بهترین نبوت‌های این نبی می‌باشد و بنظر برسانم: «وای بر امت خطاکار و قومی که زیر بار گناه می‌باشد. حد-ا گفته: از کثرت قربانی‌های شما مرا چه فایده است... و به خون گاو و بره‌ها و بزها رغبت ندارم... گناه را با محفل مقدس نمی‌توانم تحمل کنم. خویشتن را شسته طاهر کنید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده از شرارت دست بردارید... نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید مظلومان را رهایی دهید... و آنانی که حد-ا را ترک کنند نابود خواهند شد.» این بود منتخب آیاتی از باب اول اشعیاء نبی اما باب دوم بطوری که در سطور بالا گفته شد در باب دوم یکی از جالب‌ترین نبوت‌های این نبی می‌باشد البته نمونه‌های بیشتری از این بشارت در باب‌های بعدی کتاب اشعیاء یافت می‌شود که از حوصله‌ی این کتاب خارج می‌باشد. از این پیشگویی‌های مهم می‌توان به افکار و عقاید این نبی پی‌برد از جمله این نبی معتقد بود جهان آینده لزوماً دچار تحول عظیمی خواهد شد.

به عبارتی دیگر وی ایمان داشت که: شریعت از شهر حد-ا و کلام حد-ا از اورشلیم صادر خواهد شد.

و او امت‌ها را داوری خواهد کرد... و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه‌های خویش را برای اره‌ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. ملاحظه می‌کنیم که این نبی با چه عبارت‌های ساده‌ای این تحول شگرف که همانا خلع سلاح عمومی می‌باشد پیش‌بینی کرده است ناگفته نماند که اکثر مطالب و گفته‌های این نبی خارج از محدوده زمان و مکان خویش می‌باشد. برای آشنایی بیشتر با این نبی در صفحات آینده نیز مطالبی خواهیم داشت. YYY.) گفت: که قرصی از انجیر بگیرید و ایشان آن

را گرفته بردمل (XXX) اشاره بردملی ست که حزقیا پادشاه یهودا به آن مبتلا شده بود. حزقیا یکی از پادشاهان با ایمان و با کفایت یهودا بود. دوم پادشاهان باب ۵: آیه ی ۱۸ که مدت ۲۹ سال در اورشلیم سلطنت کرد. دوم پادشاهان، باب ۲: آیه ی ۱۸. (YYY) گذاشتند شفا یافت کتاب دوم پادشاهان (XXX) پادشاهان (ملاخیم) از جمله کتبی ست که جز کتب انبیاء محسوب می شود که شامل دو قسمت به نام اول پادشاهان و دوم پادشاهان می باشد مطالب مندرجه در این دو کتاب همان ادامه ی تاریخ قوم یهود می باشد که در کتاب سموئیل اول و دوم آمده است. کتاب اول پادشاهان به بیست و دو باب و کتاب دوم پادشاهان به بیست و پنجم باب تقسیم شده است. در این دو کتاب تاریخی مطالب و موضوعات بسیار جالب درج شده است که بازگو کننده ی قسمت مهمی از تاریخ بنی اسرائیل می باشد. برای اطلاع رؤس حوادث مهم فهرست وار به شرح ذیل درج می شود. شرح ایام آخر زندگی و سلطنت حضرت داوود. به سلطنت رسیدن حضرت سلیمان و شرح چگونگی جلال و عظمت این پادشاه خردمند و دانشمند. اختلاف و جدایی بین بنی اسرائیل و تقسیم شدن مملکت آنان به دو قسمت به نام اسرائیل و یهودا شرح حوادث و جنگ های مختلف پادشاهان اسرائیل و یهودا و زندگی پادشاهان این دو کشور و سرانجام انقراض این دو کشور و پراکندگی قوم یهود. (YYY). باب ۲۰، آیه ی ۷.

نباتات را برای بهایم می رویاند و سبزه ها را برای خدمت انسان و نان را از زمین بیرون آورد و شراب را که دل انسان را شادمان می کند و چهره ی او را به روغن شاداب می سازد و دل انسان را به نان قوی می گرداند. کتاب (XXX) کتاب مزامیر که جزء کتب مقدسه (کتوبیم) محسوب می شود یکی از پر خواننده ترین کتب مقدس پس از پنج مجلد تورات می باشد. مطالب کتاب مزامیر اغلب بصورت دعا و اشعار و سرودهای روحانی می باشد. که به پنج عسمت تقسیم شده و در آخر هر قسمت به لفظ آمن ختم می شود.

قسمت اول شامل ۴۱ باب و قسمت دوم ۳۱ باب و سوم ۱۷ باب و چهارم ۱۷ باب و سرانجام

پنجم به ۴۴ باب که بهتر است به جای کلمه‌ی باب در اینجا از کلمه‌ی «مزمور» (یا میزمور) استفاده کرد تقسیم شده است که جمعاً شامل ۱۵۰ مزمور می‌شود.

چون اغلب مزامیر از گفته‌ها و سروده‌های حضرت داوود می‌باشد بنابراین این کتاب به نام مزامیر داوود مشهور می‌باشد. لطفاً برای اطلاع بیشتر به پاورقی حضرت داوود در صفحات قبل مراجعه فرمایید. (۷۷۷). مزامیر باب ۱۰۴: آیه‌های ۱۵-۱۴.

شیر بچگان برای شکار خود غرش می‌کنند و خوراک خویش را از حد-ا می‌جویند چون آفتاب طلوع می‌کند جمع می‌شوند و در بیشه‌های خود می‌خوابند. انسان برای عمل خود بیرون می‌آید و به جهت شغل خویش تا شامگاه. ای حد-ا اعمال تو چه بسیار است، جمیع آنها را به حکمت ساخته‌ی زمین از دولت توپر است. و آن دریای بزرگ و وسیع الاطراف نیز که در آن جنبندگان و خزندگان از حد شماره زیاده‌اند و حیوانات خرد و بزرگ جمیع ایشان از تو انتظار می‌کشند تا خوراک آنها را در وقتش برسانی. آنچه را به آنها می‌دهی فرا می‌گیرند دست خود را باز می‌کنی پس از چیزهای نیکو سیر می‌شوند. کتاب مزامیر، باب ۱۰۴ آیه‌های ۲۸-۲۱.

چشمان همگان منتظر تو می‌باشد و تو طعام ایشان را در موسمش و در وقتش می‌دهی. دست خویش را باز می‌کنی و آرزوی همه زندگان را سیر می‌کنی. حد-ا عادل است در جمیع طریق‌های خود و رحیم در کل اعمال خویش. کتاب مزامیر باب ۱۴۵: آیه‌های ۱۷-۱۵.

خوشا به حال آنکه حد-ای یعقوب مددکار اوست... که آسمان و زمین را آفرید... که مظلومان را دادرسی می‌کند و گرسنگان را نان می‌بخشد... کتاب مزامیر، باب ۱۴۶: آیه‌های ۷-۵.

به راه شیران داخل مشو، در طریق گناهکاران سالک مباش زیرا ایشان تا بدی نکرده باشند نمی‌خوابند... چون که نان شرارت تو را می‌خورند و شراب ظلم را می‌نوشند. کتاب امثال (XXX) کتاب امثال سلیمان که شامل بهترین امثال و حکم اخلاقی و فلسفی می‌باشد جزء

کتاب مقدسه (کتوبیم) محسوب می‌شود که به ۳۱ باب تقسیم شده است، اغلب مطالب آمده در این کتاب از گفته‌های حضرت سلیمان می‌باشد. حضرت سلیمان یکی از عالم‌ترین پادشاهان یهود می‌باشد که بر کلیه علوم و فنون معاصر خویش مهارت تمام داشت علم و دانش حضرت سلیمان به قدری بود که تعجب دانشمندان و پادشاهان معاصر خویش را برانگیخته بود و پیوسته پادشاهان و دانشمندان از اطراف دنیا به دیدن وی می‌شتافتند کتاب اول پادشاهان، باب ۴: آیه‌های ۳۱-۳۳.

در باب آخر کتاب امثال سلیمان صفاتی که یک زن خوب و پاکدامن باید داشته باشد به بهترین وجهی شرح داده شده است. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۳۱: آیه‌های ۱۱-۳۱ (YYY). سلیمان نبی باب ۴: آیه‌های ۱۷-۱۵.

زیرا به سبب زن زانیه (زن بدکاره) شخص برای یک قرص نان محتاج می‌شود. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۶: آیه ۲۶.

جایی که گاو نیست آخور (مکانی که علف و غذای بهایم را در آن قرار می‌دهند). پاک است، اما از قوت (منظور استفاده از کود حیوان می‌باشد) گاو محصول زیاد می‌شود. کتاب امثال سلیمان نبی باب ۱۴: آیه ۴.

خوان (یعنی سفره‌ی غذا) بقول (یعنی غذایی که از حبوبات و سبزی‌ها فراهم شده باشد). در جایی که محبت باشد بهتر است، از گاو پرواری که با آن عداوت باشد. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۵: آیه ۱۷.

حد-۱ نمی‌گذارد که مرد نیکو در گرسنگی بمیرد، و نخواهد گذاشت که ثروت شخص شیرین پایدار باشد. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۰، آیه ۳.

شخص سخی فربه می‌شود و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت. هر که غله را

نگاه دارد(احتکار کردن موادغذایی) مردم او را لعنت خواهند کرد، اما بر سر فروشندهی آن برکت خواهد بود. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۱: آیه‌های ۲۶-۲۵.

سخن‌های پسندیده مثل شان عسل است، برای جان شیرین است و برای استخوان‌ها شفا دهنده. اشتهای کارگر برایش کار می‌کند، زیرا دهانش او را بر آن تحریض می‌کند(برانگیختن). کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۶: آیه‌های ۲۶ و ۲۴.

لقمه‌ی خشک با سلامتی بهتر است، از خانه‌ی پر از ضیافت با مخاصمت(دشمنی) کتاب امثال سلیمان نبی باب ۱۷: آیه‌ی ۱.

شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده در می‌آورد و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۰: آیه‌ی ۱.

هر که عیش را دوست دارد تهی‌دست خواهد شد، و هر که شراب و عیاشی را دوست دارد دولتمند نخواهد شد. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۱: آیه‌ی ۱۸.

چون با حاکم به غذا خوردن نشینی، در آنچه پیش روی تو است تأمل نما. و اگر مرد اکول هستی کارد بر گلوی خود بگذار. به خوراک‌های لطیف او حریص مباش، زیرا که غذای فریبنده است. نان مرد تنگ‌نظر را مخور. و به جهت خوراک‌های لطیف او حریص مباش زیرا چنان که در دل خود فکر می‌کند خود او همچنان است، تو را می‌گوید بخور و بنوش اما دلش با تو نیست. کتاب امثال سلیمان نبی باب ۲۳: آیه‌های ۷-۶ و ۳-۱.

از زمره‌ی می‌گساران، و از آنانی که بدن‌های خود را تلف می‌کنند مباش زیرا که می‌گسار و مسرف فقیر می‌شود.

به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ فام است. حینی که حباب‌های خود را در جام ظاهر می‌سازد به ملایمت فرو می‌رود. اما در آخر مثل مار خواهد گزید و مانند افعی نیش خواهد زد. کتاب

امثال سلیمان نبی، باب ۲۳: آیه های ۳۱-۳۲ و ۲۰

وای از آن کیست و شقاوت از آن که و نزاع ها. از آن کدام، و زاری از آن کیست و جراحتهای بی سبب از آن که و سرخی چشمان از آن کدام. آنانی که (اشاره به مشروب خواران الکلی) شراب مدام می کنند و برای چشیدن شراب ممزوج داخل می شوند. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۳: آیه های ۲۹-۳۰.

اگر دشمن تو گرسنه باشد او را نان بخوران و اگر تشنه باشد او را آب بنوشان. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۵: آیه ی ۲۱.

شکم سیر از شیرینی عسل کراحت دارد، اما برای شکم گرسنه هر تلخی شیرین است. هر که درخت انجیر را نگاه دارد میوه اش را خواهد خورد، و هر که آقای خود را ملازمت (XXX در اینجا منظور از مراعات کردن احترام افراد از ارشد خود می باشد YYY) کند محترم خواهد شد. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۷: آیه ی ۱۸ و ۷.

هر که زمین خود را زرع کند از نان سیر خواهد شد. (نابرده رنج گنج میسر نمی شود). اما هر که پیروی باطلان کند از فقر سیر خواهد شد. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۸: آیه ی ۱۹.

دو چیز از تو درخواست کردم، آنها را قبل از آن که بمیرم از من باز مدار- بطالت و دروغ را از من دور کن. مرا نه فقر ده و نه دولت به خوراکی که نصیب من باشد مرا به پرور. مبادا سیر شده تو را انکار کنم و بگویم که حد-ا کیست. و مبادا فقیر شده دزدی کنم و اسم حدای خود را باطل برم. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۳۰: آیه های ۷-۹.

مورچه ها طایفه ی بی قوت اند. لیک خوراک خود را در تابستان ذخیره می کنند. اگر از روی حماقت خویشتن را برافراشته یی، و اگر بد اندیشیده یی پس دست بر دهان خود بگذار. زیرا چنان که از فشردن شیر پنیر بیرون می آید و از فشردن بینی خون بیرون می آید، همچنان از

فشردن غضب نزاع بیرون می‌آید. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۳۰: آییه‌های ۳۳-۳۲ و ۲۵.

مسکرات را به آنانی که مشرف به هلاکت‌اند بده و شراب را به تلخ‌جانان. تا بنوشند و فکر خود را فراموش کنند. و مشقت خویش را دیگر به یاد نیاورند. زن صالحه را کیست که پیدا تواند کرد، قیمت آن از لعل‌ها گرانتر است. به رفتار اهل خانه‌ی خود متوجه می‌شود و خوارک کاهلی نمی‌خورد. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۳۱: آییه‌های ۲۷ و ۱۰ و ۶.

و نیز بخشش حد-است که هر آدمی بخورد و بنوشد و از تمامی رحمت خود نیکویی ببند. کتاب جامعه (XXX کتاب جامعه یکی از عمیق‌ترین کتب کتاب مقدس راجع به حکمت، عقل، فهم و دانش می‌باشد که به قلم حضرت سلیمان نوشته شده است. حضرت سلیمان که خود یک اندیشمند و فیلسوف و مؤلف بزرگ می‌باشد بهترین چکیده‌ی افکار فلسفی و اخلاقی خود را در این کتاب آورده است و به جای گذاردن این اثر جاودانی و گیرا از خود نام خویش را در لیست بهترین فیلسوفان جهان قرار داده است.

در این کتاب پیرامون موضوعات و عنوان‌های فلسفی و اخلاقی مهمی از قبیل خوشبختی و بدبختی زندگی و مرگ زمان و مکان، انسان و حیوان و آفرینش جهان و مکافات عمل و ترس از حد-ا و رابطه‌ی انسان باحد-ا با عباراتی محکم و گیرا بحث می‌کند. لازم به یادآوری است ضرب‌المثل‌ها و اندرزها و رساله‌های این اندیشه‌مند بزرگ اثرات زیادی در ادبیات ملل جهان بویژه در زبان‌های عربی و فارسی و اروپایی گزاردده است چه خوبست که برای اطلاع بیشتر خوانندگان محترم نمونه‌ای از سخن‌های او را که مانند برخی از آنها در ادبیات فارسی داریم در ذیل آورده شود.

همه چیزها پر از خستگی‌ست که انسان آن را بیان نتواند کرد. کتاب جامعه باب ۱: آییه ۷. آنچه بوده است همان است که خواهد بود و آنچه شده است همان است که خواهد شد. ایضاً

باب ۱: آیه ی ۹ در دل خود غور کردم تا ببینم که برای بنی آدم چه چیز نیکوست که آن را در تمامی ایام عمر خود بعمل آورد کارهای عظیم برای خود کردم مرا نیز بیشتر از همه ی کسانی که قبل از من در اورشلیم بودند اموال از رمه و گله بود. نقره و طلا و اموال خاصه ی پادشاهان و کشورها نیز برای خود جمع کردم... پس بزرگ شدم و بر تمامی کسانی که قبل از من در اورشلیم بودند برتری یافتم و حکمتم نیز با من برقرار ماند و هر چه چشمانم آرزو می کرد از آنها دریغ نداشتم و دل خود را از هیچ خوشی باز نداشتم پس به تمامی کارهایی که دستهایم کرده بود نگریستم. و اینک تمامی آن بطالت و در زیر آفتاب هیچ منفعت نبود پس توجه کردم تا حکمت و حماقت و جهالت را ملاحظه کنم... و دیدم که برتری حکمت بر حماقت مثل برتری نور بر ظلمت است.

ایضاً منتخب آیاتی از باب ۲

برای هر چیز زمانبست و هر مطلبی را زیر آسمان وقتبست. ایضاً باب ۳: آیه ی ۱- در فارسی مانند این ضرب المثل داریم. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. همه به یک جا می روند و همه از خاک هستند و همه به خاک رجوع می کنند. ایضاً باب ۳: آیه ی ۲۰. عمر خیام گفته: پایان سخن شنو که ما را چه رسید از خاک درآمیدیم و بر باد شدیم. لهذا فهمیدم که برای انسان چیزی بهتر از این نیست که از اعمال خود مسرور شود چون که نصیبت همین است و کیست که او را باز آورد تا آنچه را که بعد از او واقع خواهد شد مشاهده کند. ایضاً باب ۳: آیه ی ۲۲. چه تعریفی بهتر از این می توان برای خوشبختی پیدا کرد زیرا هر وقت انسان احساس کند که خوشبخت است و از زندگی خود مسرور می شود همانا او خوشبخت است.

پس برگشته مردگان را که قبل از آن مرده بودند بیشتر از زندگانی که تا به حال زنده اند آفرین گفتم و کسی را که تا بحال بوجود نیامده است از هر دوی ایشان بهتر دانستم. ایضاً باب ۴: آیه

های ۲-۳

از اشعار زیر که از خیام است معلوم می‌شود که با حضرت سلیمان در اندیشه و راز جهان هم‌فکراند؛

چون حاصل آدمی در این دیر دو در، جز خون دل و دادن جان نیست دگر

خرم دل آن که یک نفس زنده نماند، آسوده کسی که خود نژاد از مادر

چون حاصل آدمی در این خارستان جز خوردن غصه نیست تا کندن جان

خرم دل آن که زین جهان زود برفت، و آسوده کسی که خود نیامد به جهان

افلاک که جز غم نفرایند دگر، ننه‌ند به جا تا نربایند دگر

ناآمدگان اگر بدانند که ما، از دهر چه می‌کشیم نایند دگر

نیک‌نامی از روغن معطر بهتر است و روزمات از روز ولادت. ایضاً باب ۷: آیه‌ی ۱

اگر مار پیش از آن که افسون کنند بگردد پس افسونگر چه فایده دارد. ایضاً باب ۱۰: آیه‌ی ۱۱.

نان خود را بر روی آبها بینداز زیرا که بعد از روزهای بسیار آن را خواهی یافت. در مثل فارسی داریم: تو نیکی می‌کن و در دجله انداز. که ایزد در بیابانت دهد باز.

آن که به باد نگاه می‌کند نخواهد کشت و آن که به ابرها نظر کند نخواهد دروید. ایضاً باب ۱۱: آیه‌ی ۴

هر چند که ادامه‌ی این مطلب از حوصله‌ی این کتاب خارج است بهتر دانستم برای حسن ختام از کتاب امثال سلیمان نبی هم چند ضرب‌المثل به نظر خوانندگان برسانم.

با حکیمان رفتار کن که حکیم خواهی شد. در مثل فارسی گفته شده: همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید. کتاب امثال سلیمان نبی باب ۲۳: آیه‌ی ۲۰

توضیح: رفتار کردن به معنی همنشین بودن و هم کلام بودن و در تماس بودن می‌باشد.

جواب نرم خشم را برمی‌گرداند. در مثل فارسی: به شیرین زبانی و لطف و خوشی. توانی که پیلی به مویی کشی. ایضاً باب ۱۵: آیه‌ی ۱.

مگو که از بدی انتقام خواهم کشید. بلکه بر حد-اوند توکل کن او تو را نجات خواهد داد. در مثل گفته‌اند: هر چند که در گرفتن انتقام گناه نیست. لیک در عفو لذتی است که در انتقام نیست. ایضاً باب ۲۰: آیه‌ی ۲۲.

از نبودن هیزم آتش خاموش می‌شود و از نبودن نام(سخن‌چین) منازعه ساکت می‌گردد. زغال برای اخگرها و هیزم برای آتش است و مرد فتنه‌انگیز به جهت برانگیختن نزاع. ایضاً باب ۲۶: آیه‌های ۲۰-۲۱. سعدی در این زمینه شعر خوبی سروده است:

میان دو کس جنگ چون آتش است، سخن‌چین بدبخت هیزم‌کش است.

هر که چاهی بکند خود در آن خواهد افتاد هر که سنگی بغلطاند بر او باز خواهد گشت. ایضاً باب ۲۶: آیه‌ی ۲۷. آن که چاه می‌کند در آن می‌افتد و آن که دیوار می‌شکافد مار وی را می‌گزد. کتاب جامعه‌ی باب ۱۰ آیه‌ی ۸. برابر این دو ضرب‌المثل در فارسی داریم. هر کس چاهی کند بهر کسی اول خودش دوم کسی. کتاب جامعه جزء کتب مقدسه (کتوبیم) می‌باشد و شامل ۱۲ باب است. YYY). باب ۳: آیه‌ی ۱۳.

خواب عمله شیرین است خواه کم و خواه زیاد بخورد. اما سیری مرد دولتمند او را نمی‌گذارد که بخوابد... اینک آنچه من دیدم که خوب و نیکو می‌باشد. این است که انسان در تمامی ایام عمر خود که حد-ا آن را به او می‌بخشد بخورد و بنوشد و از تمامی مشقتی که زیر آسمان می‌کشد به نیکویی تمتع ببرد زیرا که نصیبش همین است. و نیز هر انسانی که حد-ا دولت و اموال به او ببخشد و او را قوت عطا فرماید که از آن بخورد و نصیب خود را برداشته از بخت

خود مسرور شود این بخشش حد-است. کتاب جامعه، باب ۵ آیه‌های ۲۰-۱۸ و ۱۲.

مصیبتی‌ست که زیر آفتاب دیدم و آن بر مردمان سنگین است. کسی که حد-ا به او دولت و اموال و عزت دهد به حدی که هر چه جانش آرزو کند برایش باقی نباشد اما حد-ا او را قوت نداده باشد که از آن بخورد بلکه مرد غریبی از آن بخورد این نیز بطلالت و مصیبت سخت است.

کتاب جامعه باب ۶: آیه‌های ۲-۱

آنگاه شادمانی را مدح کردم زیرا که برای انسان زیر آسمان چیزی بهتر از این نیست که بخورد و بنوشد و شادی کند و این در تمامی عمرش که حد-ا در زیر آفتاب به وی دهد در محنتش با او باقی‌ماند.

کتاب جامعه باب ۸: آیه ۱۵.

پس رفته نان خود را به شادی بخور و شراب خود را به خوشدلی بنوش چون که حد-ا اعمال تو را از این قبول فرموده است. کتاب جامعه، باب ۹: آیه ۷.

وای بر آنانی که صبح زود برمی‌خیزند تا در پی مسکرات بروند و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم کند. و در بزم‌های ایشان عود(XXXبربط(عود) یکی از سازهای موسیقی می‌باشد که در بین قوم یهود از قدیم‌الایام رواج داشته است در کتاب مقدس علاوه از آیه‌ی فوق آیات متعددی وجود دارد که از این ساز نام برده است که دال بر آن است که این قوم با طرز استفاده و نواختن آن آشنا است بطوری که در آیات کتاب مزامیر آمده بیان‌کننده این است که قوم یهود از این ساز در مجالس شادی و عبادت به درگاه حد-ا بخصوص در زمان حضرت داوود و پس از آن استفاده می‌کرده. کتاب مزامیر باب ۸۱: آیه‌های ۲-۱. برای حد-ا یعقوب آواز شادمانی دهید سرود را بلند کنید و دف بیاورید و بربط دلنواز را بارباب، و ایضاً باب ۹۸: آیه ۵: حد-ا را با بربط بسرایید، با بربط و به آواز نغمات و ایضاً باب ۱۵۰: آیه ۳: او را به

آواز کرنا تسبیح بخوانید، او را با بربط و عود تسبیح بخوانید.

اولین مرتبه‌یی که در کتاب مقدس به این نام برخورد می‌کنیم در سفر پیدایش باب ۴: آیه‌ی ۲۱ می‌باشد که شخصی بنام: یوبال، بعنوان اولین کسی که به نواختن این ساز آشنا بوده است معرفی می‌کند وی پدر همه‌ی نوازندگان بربط و نی بود.

و نیز در همین کتاب باب ۳۱: آیه‌ی ۲۷ آمده است که لابان پدرزن حضرت یعقوب این ساز را داشته یا اطرافیان آن با روش استفاده از آن با اطلاع بوده‌اند. لابان پس از شنیدن اینکه حضرت یعقوب با تمام اموال و مایملک خویش مخفیانه از نزد وی فرار کرده است درصدد تعقیب او برمی‌آید، پس از این که خود را با سرعت به وی می‌رسانید ضمن گلایه‌یی که به حضرت یعقوب کرد به وی گفت: چرا مخفی فرار کرده مرا فریب دادی و مرا آگاه نساختی تا تو را با شادی و نعمات و دف و بربط مشایعت کنم. در کتاب مزامیر هم بارها از این ساز نام برده شده است.

بطور یقین حضرت داوود در نواختن این ساز منتهای استادی و مهارت را داشته است و اغلب اوقات ضمن عبادت و خواندن مزامیر همراه با آواز گرم و دلنشین خود از آن استفاده می‌کرده. در کتاب اول سموئیل باب ۱۶ چندین آیه آمده است که از مهارت تمام حضرت داوود در نواختن این ساز خبر می‌دهد. از آن جمله در آیات ۱۸ و ۱۷ و ۳۲.

شاؤول (اولین پادشاه بنی‌اسرائیل) به بینندگان خود گفت: الان کسی را که به نواختن ماهر باشد برای من پیدا کرده نزد من بیاورید و یکی از خادمانش در جواب وی گفت: اینک پسر یسا، بت‌لحمی را دیدم که به نواختن ماهر و صاحب شجاعت و مرد جنگ‌آزموده و فصیح زبان و شخص نیکو صورت است و حد-ا با وی می‌باشد و واقع می‌شد هنگامی که روح بد از جانب حد-ا بر شاؤول می‌آمد داوود بربط گرفته به دست خود می‌نواخت و شاؤول را راحت و صحت

حاصل می‌شد و روح بد از او می‌رفت.

در آیه‌ی اول از باب ۱۳۷ کتاب مزامیر گواه بر آنست که بربط یک ساز ملی بوده و در بین یهودیان عده‌ی نسبتاً زیادی از آن استفاده می‌کرده‌اند: نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم و گریه نیز کردیم چون وطن خود را به یاد آوردیم. بربط‌های خود را آویختیم بر درخت‌های بید که در میان آنها بود. زیرا آنانی که ما را به اسیری برده بودند در آنجا از ما سرود خواستند. (YYY). و بربط و نای و شراب می‌باشد، اما به فعل حد-ا نظر نمی‌کنند و به عمل دست‌های وی نمی‌نگرند. کتاب اشعیاء نبی باب ۵: آیه‌های ۱۲-۱۱.

وای بر آنانی که برای نوشیدن شراب زور آورند و به جهت ممزوج ساختن مسکرات مردان قوی می‌باشند. کتاب (XXX کتاب اشعیاء نبی، این کتاب که جزء کتب انبیاء محسوب می‌شود شامل ۶۶ باب می‌باشد مطالب این کتاب حاوی تراوش‌های فکری و پیشگویی‌های یکی از بزرگترین انبیاء یهود بنام اشعیاء نبی می‌باشد البته در این کتاب علاوه از نبوت‌ها و پیشگویی‌های امیدبخش گفتارها و یک سلسله از تاریخ قوم یهود و پادشاهان آن آمده است که اهمیت تاریخی دارد. اثرات شگرف و عمیق این نبوت‌ها بقدری است که هر فرد پس از مطالعه این کتاب به آینده‌ی جهان و سرنوشت خویش امیدوار خواهد شد بدین ترتیب این امید در دل شخص ایمان دارد بصورت یک غریزه‌ی ملی نمایان شده که خود موجب شده است فکر خواننده را به سعادت و نیکبختی سوق دهد. نبوت‌های این نبی در بین سایر انبیاء یهود سبک خاصی دارد این نبی برای اقوام و ملت‌هایی که مجاور قوم یهود بودند یا بنحوی با آن در تماس بودند از قبیل: ادوم، صور، مصر، عیلام، موآب و بابل پیشگویی کرده است. اشعیاء نبی با چند تن از پادشاهان یهود معاصر بوده است، پادشاهانی که اشعیاء نبی در زمان آنان نبوت می‌کرده به شرح ذیل می‌باشند: عزیا، یوتام، آحاز، حزقیا. با مطالعه‌ی شرح زندگی و مدتی که پادشاهان فوق سلطنت کرده‌اند عددی حاصل می‌شود که اشعیاء نبی واقعاً در تمام ایام سلطنت این

پادشاهان نبوت نکرده بلکه از اواخر سلطنت عزیا شروع به نبوت کرده ضمناً عقیده‌ی برخی از مفسرین غیر یهودی بر این است که اشعیاء نبی یک نفر نبوده بلکه دو نفر بوده‌اند زیرا از باب چهلیم به بعد سبک نگارش و پیشگویی‌ها با باب‌های قبلی در ظاهر تفاوت دارد بر هر صورت نظر به اینکه اشعیاء نبی در زمان حزقیا پادشاه یهودا زندگی می‌کرده است بنابراین قسمتی از این کتاب به شرح وقایع و حوادث زندگی این پادشاه و رابطه‌ی او با کشورهای همسایه و نیز هجوم آشور پرداخته

در باب ۴۳ آیه‌های ۷-۵ این کتاب از زبان حد-ا توسط اشعیاء نبی چنین آمده است: مترس زیرا من با تو هستم و ذریت تو را از مشرق خواهم آورد و تو را از مغرب جمع خواهم کرد و به شمال خواهم گفت که بده و به جنوب که ممانعت مکن...

اغلب نبوت‌های این نبی به عباراتی محکم و مطمئن و واضح بیان شده است در باب ۶۰ این کتاب یک نبوت عالی و واضح مشاهده می‌کنیم: برخیز و درخشان شو زیرا نور تو آمده و جلال حد-ا بر تو طالع گردیده است زیرا اینک تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوایف را خواهد پوشانید اما حد-ا بر تو طلوع خواهد کرد و جلال وی بر تو ظاهر خواهد شد. و امت‌ها به سوی نور تو و پادشاهان به سوی درخشندگی طلوع تو خواهند آمد. چشمان خود را به اطراف خویش برافراز و ببین که جمیع آنان جمع شده نزد تو می‌آیند پسرانت از دور خواهند آمد و دخترانت را در آغوش خواهند آورد.

خلاصه‌ی کلام این است که نبوغ اشعیاء نبی فقط در آرزوها و امیدها و پیشگویی‌هایی که راجع به آینده‌ی ملت یهود که در این کتاب آمده، نیست. بلکه بر ایمان کاملی ست که حد-اوند قادر متعال راهنمای قوم خویش بوده و نقشه‌ی آینده‌ی این ملت را نیز طرح کرده است. (۷۷۷) اشعیاء نبی، باب ۵: آیه‌ی ۲۲.

وای بر تاج تکبر می‌گساران افراییم(XXX) در این آیه منظور از افراییم نام یکی از دوازده اسباط بنی‌اسرائیل می‌باشد. سبط افراییم نسبت به سایر اسباط دیگر دارای سرزمین بهتری بوده و افراد این سبط نسبت به سایرین هم مقتدرتر بوده‌اند. خود نام افراییم هم نام پسر دوم حضرت یوسف می‌باشد که مورد محبت خاص پدر بزرگش حضرت یعقوب بود. سفر پیدایش، باب ۴۸ آیه‌های ۸-۲۰(YYY) و بر گُل پژمرده‌ی زیبایی جلال وی. که بر سر وادی بارور مغلوبان شراب است. و لیک اینان نیز از شراب گمراه شده‌اند و از مسکرات سرگشته گردیده‌اند هم کاهن و هم نبی از مسکرات گمراه شده‌اند و از شراب بلعیده گردیده‌اند. از مسکرات سرگشته شده‌اند و در رویا گمراه گردیده‌اند و در داوری مبهوت گشته‌اند. کتاب اشعیا، باب ۲۸: آیه‌های ۷ و ۱.

کره و عسل خواهد خورد تا آن که ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند. کتاب اشعیا، باب ۷: آیه ۱۵.

آیا روزه‌یی که من می‌پسندم مثل این است روزی که آدمی جان خود را برنجانند و سرخود را مثل نی خم ساخته پلاس و خاکستر زیر خود بگسترانند آیا آن را روزه(XXX) روزه در قوم یهود به منظور توبه از اعمال زشت و طلب بخشایش گناه‌ها از حد-ا، یا به یادبود خرابی بیت‌المقدس و اسارت قوم با شروع محاصره‌ی اورشلیم گرفته می‌شود از قبیل روزه‌های یوم کیپور، نهم آو، ۱۷ تموز و دهم طبت. علاوه بر موارد ذکر شده. ایامی وجود دارد که اشخاص مؤمن و پرهیزگار یا عده‌ای از افراد برای طلب بخشودگی از گناه‌هایی که در ایام جوانی انجام داده‌اند روزه می‌گیرند. از قبیل ایام ماه ایلول(سلیحوت) و دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌های شوواویم.

اما برای اولین مرتبه که نام روزه در کتاب مقدس آمده گرفتن روزه توسط حضرت موسی به مدت چهل روز و شب برای گرفتن ده فرمان می‌باشد: هنگامی که من به کوه برآمدم تا لوح‌های سنگ یعنی لوح‌های عهدی را که حد-ا با شما بست بگیرم آنگاه چهل روز و چهل شب در

کوه ماندم نه نان خوردم و نه آب نوشیدم. سفر تثئیه، باب ۹: آیه ۹ مجدداً آن حضرت جهت طلب بخشایش از خد-ا بواسطه گناه بت پرستی و اعمال زشت قوم خویش چهل روز دیگر روزه داشت: و مثل دفعه‌ی اول چهل روز و چهل شب به حضور خد-ا به روی در افتادم نه نان خوردم و نه آب نوشیدم به سبب همه‌ی گناهان شما که کرده و کار ناشایسته که در نظر خد-ا عمل کرده خشم او را به هیجان آوردید: سفر تثئیه، باب ۹ آیه ۱۸. برای سومین مرتبه زمانی بود که او برای دریافت مجدد دو لوح سنگی (ده فرمان) به مدت چهل روز و چهل شب روزه گرفت. سفر خروج باب ۳۵: آیه ۲۸. و چهل روز و چهل شب آنجا نزد خد-ا بود نان نخورد و آب ننوشید. سفر خروج باب ۳۴ آیات ۲۰-۱

لازم به یاد آوری است برای هر کدام از سه مورد ذکر شده که حضرت موسی به منظور تقرب به درگاه خد-ا مشغول روزه داری بودند در قرآن کریم و تفاسیر دینی اسلامی مطالب فراوانی آنهم به طور مفصل سخن به میان آمده که قابل توجه می باشد. نکته مهم برای هر سه مورد روزه گرفتن حضرت موسی به دلیل روزه گرفتن هر کدام از آنها نام متناسب به آن روزه انتخاب شده به این شرح: اربعین اول به نام «میقات» است به معنای زمان و هنگام دریافت دو لوح سنگی شامل ده فرمان الهی، اربعین دوم به نام «شفاعت» است به منظور آمرزش گناه گوساله پرستی که عامل آن شخصی به نام سامری و اربعین سوم «ضراعت» است که به عنوان مغفرت و دریافت مجدد ده فرمان است. و در نهایت حضرت موسی در این ایام روحانی و لذت بخش که به راز و نیاز به درگاه خد-ا مشغول بودند آنگاه که از عشق به معبود سرمست می شدند در مناجات شان به درگاه خد-ا عاشقوار میل در رغبت فراوان خود را نسبت به دیدار تجلی جمال ذات اقدس الهی ابراز داشته و به گفته قرآن کریم به درگاه خد-ا عرض کردند «قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ» (سوره اعراف آیه ۱۴۳) عین همین مطالب در کتاب مقدس تورات. سفر خروج باب ۳۳ آیات ۲۳-۱۲ آمده. ضمناً راجع به داستان زندگی حضرت موسی در ۳۴

سروهی قران طی آیات مختلف به ویژه در سوره‌های بقره - اعراف بنی اسرائیل. انبیاء و قصص مطالبی درج شده که خوانندگان محترم می توانند به سوره های فوق مراجعه بفرمایند.

حضرت الیاس نبی هم مدت چهل روز و چهل شب روزه گرفت: پس برخاسته خورد و نوشید و به قوت آن خوراک چهل روز و چهل شب تا حوریب که کوه حد-ا باشد رفت. پادشاهان اول باب ۱۹: آیه ۸.

به غیر از موارد بالا در کتاب مقدس چندین مرتبه به روزه گرفتن دسته جمعی برای نجات یافتن از دشمن و پیروزی یا توبه یا طلب سلامتی به شرح ذیل آمده است: آنگاه تمامی بنی اسرائیل یعنی تمامی قوم برآمده به بیت‌ئیل رفتند و گریه کرده و در آنجا به حضور حد-ا توقف کردند و آن روز را تا شام روزه داشتند. سفر داوران باب ۲۰: آیه ۲۶: در مصفه جمع شدند و آب کشیده آن را به حضور حد-ا ریختند و آن روز را روزه داشته در آنجا گفتند که بر حد-ا گناه کردیم... کتاب سموئیل، باب ۷: آیه ۶.

پس داوود از حد-ا برای طفل استدعا کرد و داوود روزه گرفت و داخل شده تمامی شب بر روی زمین خوابید. کتاب سموئیل دوم، باب ۱۲: آیه ۱۶.

و در ماه نهم آو از سال پنجم یهو یاقیم بن یوشیا پادشاه یهودا برای تمامی اهل اورشلیم و برای همه‌ی کسانی که از شهرهای یهودا به اورشلیم می آمدند باری روزه به حضور حد-ا ندا کردند. کتاب ارمیاء، باب ۳۶: آیه ۹.

در روز بیست و چهارم این ماه بنی اسرائیل روزه دار و پلاس در برو خاک بر سر جمع شدند. کتاب نحمیا، باب ۹: آیه ۱. (۷۷۷) و روزه‌ی قبول حد-ا می خوانی. مگر روزه‌ی که من می پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید...

مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم کنی و فقیران رانده شده را به خانه‌ی خود بیاوری و چون برهنه را ببینی او را بپوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می‌باشند مخفی سازی. کتاب اشعیا نبی باب ۵۸: آیه‌های ۷-۵.

پس گندم و جو و باقلا و عدس و ارزن و جلبان برای خود گرفته آنها را در یک ظرف بریز و خوراکی از آنها برای خود بپز. کتاب حزقیال نبی (XXX کتاب حزقیال نبی که دارای ۴۸ باب می‌باشد جزء کتب انبیاء محسوب می‌شود می‌توان این کتاب را از لحاظ محتوای مطالب به دو قسمت تقسیم کرد. قسمت اول که از باب اول شروع و به باب ۲۴ خاتمه می‌یابد شامل نبوت‌ها و موضوعات تاریخی قبل از تسلیم اورشلیم و قسمت دوم که از باب ۲۵ شروع می‌شود و تا آخر کتاب یعنی باب ۴۸ خاتمه می‌یابد شامل نبوت‌های خاص جهت سایر همسایگان از قبیل: مواب. ادوم و فلسطین و صور و صیدا و مصر و عجمون و رویاهای آسمانی و فضایی بسیار عجیب و پیچیده که پر از رمز و معنی می‌باشد. حضرت حزقیال کاهن بود و جزء اسرای یهود بود که توسط بخت‌النصر به بابل به اسیری رفت و بطوری که در این کتاب آمده در کنار نهر خابور ساکن بوده است. حزقیال نبی باب اول آیه‌ی ۱. (YYY)، باب ۴: آیه‌ی ۹.

کاهن (XXX در بین قوم یهود افرادی که به حضرت هارون اولین کاهن منصوب می‌شوند کاهن خوانده می‌شوند. سفر خروج باب ۲۸، آیه‌ی ۱: و تو برادر خود هارون و پسرانش را با وی از میان بنی‌اسرائیل نزد خود بیاور تا برای من کهانت کنند...

کاهنان دارای موقعیت روحانی خاص و مقدسی می‌باشند و وظایف گوناگون مربوط به بیت‌همیقداش و اداره کردن امور دینی و حفظ شعائر دینی را در دست داشتند، متأسفانه عده‌ی بسیار قلیل از کاهنان از مقام و نفوذ معنوی خود در جامعه سوء استفاده کرده و از وظیفه‌ی اصلی خود یعنی ارشاد مردم سرپیچی کرده که نتیجه‌ی آن از بین رفتن خصوصیات خوب اخلاقی مردم بود که زیان‌های غیرقابل جبرانی در تاریخ ببار آورد گاهی اوقات هم آلت دست

اولیای دولت وقت می شدند. اما خوشبختانه عده‌ی این افراد بسیار اندک بود و از طرفی خدمتی که کاهنان به قوم یهود کرده‌اند بسیار با ارزش می باشد کاهنان بودند که همیشه فرامین و وجود حد-ا را به مردم گوشزد می کردند و در شناخت حد-ا و اجرای فرامینش به مردم جدیت می کردند یا با مراسمی که حین عبادت و پرستش حد-اوند یگانه در بیت همیقداش انجام می دادند قلوب همه را به حد-ا متوجه می کردند. بطوری که گفته شد کاهنان وظایف بسیار سنگین و حساسی را در دست داشتند از همه مهمتر کاهن اعظم (کهن گادول) بود که یکی از وظایف مهم و بسیار مقدس این کاهن اعظم این بود که فقط سالی یک مرتبه آن هم روز کیپور حق داشت که به محل مقدس قدس الاقداس (قُدش قُداشیم) وارد شده و با طی یک مراسمی خاص که در نوع خود با شکوه و جلال بود با لباسی ساده و کتانی از درگاه حد-اوند رحمان برای گناه‌های قوم تقاضای عفو و بخشش می کرد. در هر صورت نباید فراموش کرد ملت یهود از این که هم اکنون کتاب مقدس خود را در دست دارد باید مدیون کاهنان باشد زیرا خدماتی که اینان انجام داده‌اند بعد از انبیاء چشمگیرتر و درخور تمجید می باشد. برای آشنایی بیشتر از وظایف کاهنان و نقش کاهن اعظم خوانندگان عزیز می توانند به باب‌های ذیل که در کتاب مقدس می باشد مراجعه فرمایند. سفر خروج، باب‌های ۲۸ و ۲۹ سفر لاویان باب ۲۱. ۲۲. ۲۳. وقت در آمدنش در صحن اندرونی شراب منوشد. کتاب حزقیال نبی، باب ۴۴: آیه‌ی ۲۱.

پس دانیال (XXX دانیال نبی یکی از نجبا و اشراف یهود بود که توسط نبوکد نصر (بخت النصر) با عده‌ای از نجبا و رفقاییش (حَنَیا، میثائِل، عَزَریّا) به بابل به اسیری برده شد. حضرت دانیال که از نسل و دودمان حضرت داوود بود بر اثر نشان دادن لیاقت و شایستگی خود در دربار نبوکد نصر بسیار مورد احترام و عنایت قرار گرفت و سعی کرد خود را با غذاهای ناپاک کلدانیان آلوده نسازد حضرت دانیال علاوه از اینکه خواب بین ماهری بود یک روانشناس بزرگ هم بود زیرا بطوری که در باب دوم کتاب دانیال آمده نبوکد نصر خوابی دید که بعداً آنرا فراموش

کرد بعد از این که در بین تعبیرکنندگان خواب کسی نبود که خواب فراموش شده‌اش را بیان و تعبیر کند. حضرت دانیال هم خواب وی را شرح داد و هم تعبیرش را گفت. نتیجه این چنان شد که نبوکد نصر را تحت تأثیر قرار داد. و با مشاهده‌ی لیاقت دانیال نبوکد نصر مقام وی را بسیار بالا برد. در کتاب دانیال باب ۲ از آیه‌ی ۴۶. تا پایان این چنین آمده است: آنگاه نبوکد نصر پادشاه به روی خود درافتاده دانیال را سجده کرد و امر فرمود که هدایا و عطریات برای او بگزرانند. و پادشاه دانیال را خطاب کرده گفت: هر آینه حد-ای شما حد-ای حد-ایان و پادشاهان و کاشف اسرار است چون که تو قادر بر کشف این راز شده‌ای. پس پادشاه دانیال را معظم داشت و هدایای بسیار و عظیم به او داد و او را بر تمامی ولایت بابل حکومت داد رئیس رؤسا بر جمیع حکمای بابل ساخت. بعد از این جریان به رویای معروف بَلْشَصَر فرزند نبوکد نصر که جریان آن بسیار جالب است برخورد می‌کنیم در اینجا هم حضرت دانیال مجدداً ترفیع مقام می‌یابد: آنگاه بَلْشَصَر امر فرمود تا دانیال را به ارغوان ملبس ساختند و طوق زرین بر گردنش نهادند و دربار‌اش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم می‌باشد. کتاب دانیال نبی باب ۵: آیه‌ی ۲۹.

بعد از سقوط بابل توسط ایرانیان حضرت دانیال به ایران آمد و مورد احترام قرار گرفت و در حکومت آنان صاحب مرتبه‌ی حتی به مقام وزارت رسید، پس او بر سائر وزراء و والیان تفوق جست زیرا روح فاضل در او بود و پادشاه اراده داشت او را بر تمامی مملکت نصب کند. کتاب دانیال نبی باب ۶: آیه‌ی ۴. یکی از صفات مشخصه‌ی دانیال این بود که مانند سایر انبیاء دارای شهامت به تمام معنی بود واقعاً سرگذشت جالبی داشت خوب است که سرمشق زندگی خود قرار دهیم و بیشتر در زندگی این نبی کنجکاو شویم و می‌بینیم که چگونه این نبی شجاع نام حد-ا را همه جا اقرار می‌کرد و از درباریان و شاهزادگان مفسد و بت پرست بابل و سخن‌چینان دربار هخامنشیان هیچ ترسی نداشت و با ایمانی که به حد-ای خویش داشت تمام عمر خود

را در این خصوص با جدیت تمام به پایان رسانید. YYY). به رئیس ساقیان که رئیس خواجه سرایان او را بر دانیال و حنّیا و میثائل و عزّریا گماشته بود گفت: مستدعی آن که بندگان خود را ده روز تجربه کنی و به ما بقول (حبوبات) برای خوردن بدهند و آب به جهت نوشیدن و چهره‌های ما و چهره‌های سایر جوانانی را که طعام پادشاه را می‌خورند به حضور تو ملاحظه کنید و بطوری که خواهی دید با بندگان عمل کن و او ایشان در این امر اجابت کرده ده روز ایشان را تجربه کرد. و بعد از انقضای ده روز معلوم شد که چهره‌های ایشان از سایر جوانانی که طعام پادشاه را می‌خورند نیکوتر و فربه‌تر بود. کتاب دانیال (XXX این کتاب که مطالب آن جنبه‌ی تاریخی و نبوتی دارد شامل دوازده باب است که سرگذشت حضرت دانیال در آن شرح داده شده است نوشته‌های این کتاب ساده و روان و سهل‌الفهم و روشن بینانه‌می‌باشد هر چند که نبوت‌ها و پیشگویی‌های این نبی در پرده‌ای از اسرار قرار دارد بحث و گفتگو راجع به تاریخ وقوع نبوت‌هایش کمی دشوار می‌باشد. YYY) نبی باب ۱: آیه‌های ۱۵-۱۱.

در آن ایام من سه هفته تمام ماتم گرفتم و خوراک لذیذ نخوردم و گوشت و شراب به دهانم داخل نشد تا انقضای آن سه هفته خویشتن را تدهین نکردم.

کتاب دانیال نبی، باب ۱۰: آیه‌های ۳-۲.

گناه قوم مرا خوراک خود ساخته و دل خویش را به عصیان ایشان مشغول کردند و خواهند خورد اما سیر نخواهند شد و زنا خواهند کرد اما افزوده نخواهند گردید زیرا که عبادت خد-ا را ترک کرده‌اند. زنا و شراب و شیرهی دل ایشان را می‌رباید. کتاب هوشع نبی (XXX کتاب هوشع نبی، این کتاب جزء کتب انبیاء می‌باشد که سرگذشت و زندگی زناشویی (سه باب اول) و نبوت‌ها و پیشگویی‌های این نبی را بیان می‌کند این کتاب به ۱۴ باب تقسیم شده است. اما هوشع نبی یکی از بزرگ‌ترین انبیاء یهود می‌باشد که مدت شصت سال نبوت کرد. از آیه‌ی اول باب اول این کتاب که نام سلاطین یهودا و اسرائیل برده شده است نشان می‌دهد که با اشعیاء

نبی و عاموس نبی معاصر بوده هوشع نبی در طول زندگی خویش مانند سایر انبیاء با سختی‌ها و مشقات طاقت‌فرسایی درگیر بوده است لیک صبر و شکیبایی که در وجود او بود همه‌ی این مصائب را تحمل می‌کرد هوشع نبی بنا به فرمان خد-ا زنی به نام جومر را به زنی گرفت نتیجه‌ی این زندگی زناشویی ۳ فرزند بود که دو تای ایشان پسر و یک دختر بود نامگذاری این فرزندان بنا به فرمان خد-ا نامهای معنی دار و عجیب بود. کتاب هوشع نبی باب ۱ آیه‌های ۹-۲.

پس از چند سال زندگی با این زن، جومر از شوهر خویش جدا شده به مرد دیگری پیوست. و هوشع نبی را با دنیایی از درد و مصیبت تنها گذاشت. اما این مصائب روزگار روح این نبی بزرگوار را هرگز مغلوب خود نکرد. بلکه زندگی این نبی نمونه‌ی بسیار خوبی شد برای افراد بشر که هر کدام به نوبه‌ی خود در زندگی دارای مشکلاتی می‌باشند باز هم بسیار عجیب است که این نبی دو مرتبه به زن بی‌وفای خود مراجعه کرد و او را باز خرید کرد. کتاب هوشع نبی، باب سوم، آیه اول. شکی نیست که هوشع با این عمل خود پیامی برای ما دارد آنهم پیام دوستی و محبت است می‌توان رفتار هوشع نبی را به همسرش جومر که وفادار نبود با رفتار خد-ا نسبت به قوم بنی‌اسرائیل که آلوده به گناه بودند مقایسه کرد، قوم بنی‌اسرائیل با رفتار و کردار گناه‌آلود خود خویشتن را از خد-ا دور کرده بودند لیک خد-ا به محبت بی‌پایان خویش همیشه این قوم را دوست داشته هوشع نبی این پیام را داد که وجود خد-ا محبت است و ذات اقدس الهی تمام مخلوقات خود را دوست دارد و نسبت به آنان همواره محبت داشته آن هم نه محبت عادی و ساده بنابراین چه خوب است که ما هم محبت را نسبت به همه کس دریغ نکنیم و ثابت کنیم که ما هم در زندگی خویش محبت و گذشت و دوستی را نسبت به همه کس داریم تا خد-ا را خشنود کرده و همه با هم در عدالت و رحمت زندگی کنیم مگر آیین این دین بر روی این دو پایه (۱) محبت نسبت به خد-ا و (۲) محبت نسبت به همنوع خویش استوار نیست؟

(خد-اوند خد-ای خود را با تمامی دل و جان و مال و ثروت محبت کن. سفر تثئیه، باب ۶: آیه ۴ و باب ۱۱، آیه ۱۲: همنوع خود را مانند خویشتن محبت کن. سفر لاویان، باب ۱۹: آیه ۱۸).

برای تأیید مطالب فوق و برای اثبات این که محبت حد-ا بی پایان است و مافوق همه‌ی محبت‌های انسانی است و این که وجود حد-ا محبت است و محبت هم بهترین صفت برای افراد بشر می‌باشد و مقصود از خلقت جهان همانا محبت خد-ا نسبت به مخلوقاتش است لازم می‌دانم آیاتی چند از کلام خد-ا به هوشع نبی که سرتاسر کتاب مملو از این آیات می‌باشد و خواندن آن را به همگان توصیه می‌کنم برای نمونه در ذیل بیاورم: هنگامی که اسرائیل طفل بود او را دوست داشتم و پسر خود را از مصر خواندم. هر قدر که ایشان را بیشتر دعوت کردم بیشتر از من دور شدند و برای بعلم (بت) قربانی گذرانیدند و به جهت بت‌های تراشیده بخور سوزانیدند و من راه رفتن را به افرایم تعلیم دادم و او را به بازوها برداشتم اما ایشان نداستند که من ایشان را شفا داده‌ام. و قوم من جازم شدند که از من مرتد گردند (حال محبت خد-ا را مشاهده کنید) ای افرایم چگونه تو را ترک کنم و ای اسرائیل چگونه تو را تسلیم کنم. حدت خشم خود را جاری نخواهم ساخت و بار دیگر افرایم را هلاک نخواهم کرد زیرا خد-ا هستم و انسان نی! و در میان تو قدوس هستم پس به غضب نخواهم آمد. حد-ا می‌گوید: که ایشان را در خانه‌های ایشان ساکن خواهم گردانید (منتخب آیاتی از باب یازدهم کتاب هوشع نبی) و نیز در جای دگر یعنی تمام باب چهاردهم این کتاب که به نام هفطاری، شووا ایسرائل معروف است (اتفاقاً خیلی بسیار به جا است که در روزه نهم‌آو در نماز عصر مینحا قرائت می‌شود) محبت بیکران و بی دریغ پروردگار و خالق جهان با نبوتی شیرین و دلچسب و تشبیهاتی بسیار عالی چنین آمده است.

ارتداد ایشان را شفا داده ایشان را مجاناً دوست خواهم داشت زیرا من از خشم ایشان برگشته

است. برای اسرائیل مثل شبنم خواهم بود و او مانند سوسن‌ها گل خواهد کرد. و مثل لبنان ریشه‌های خود را خواهد دوانید شاخه‌هایش منتشر شده زیبایی آن مثل درخت زیتون و عطرش مانند و مثل درخت پر بار و خوش سایه خواهد بود. آنانی که زیر سایه اش ساکن می‌باشد مثل گندم زیست خواهند کرد و مانند موها گل خواهد آورد. و ریشه ای خود را خواهد دوانید و شاخه‌هایش منتشر شده زیبایی آن مثل درخت زیتون و عطرش بسیار خوش بو خواهد بود. افرایم خواهد گفت مرا دیگر با بت‌ها چه کار است. منتخب آیاتی از باب ۱۴ کتاب هوشع نبی. (YYY) باب ۴: آیه‌های ۱۱-۱۰ و ۸.

قربانی‌های (XXX) قربانی در آیین یهود یکی از ارکان و مراسم پرستش و عبادت دسته‌جمعی یا انفرادی می‌باشد بخصوص در زمانی که بیت‌همیقداش (خانه‌خد-ا) آباد بود. پوشیده نماند که قربانی چند نوع بوده و هر کدام دارای هدف و منظور خاصی بوده، اولین قربانی که در کتاب مقدس آمده است قربانی قائلین و هابیل است. قربانی‌های سوختنی، سلامتی، خطا و پیشکشی‌ها از انواع قربانی بوده که معمولاً از چهارپایان پاک اهلی و پرندگان پاک از قبیل: گاو و گوسفند و بز و کبوتر یا غیر حیوان مانند آرد است که به درگاه خد-اوند می‌آورند. هر قربانی هم دارای هدف و منظوری بوده که مهمترین آنها عبارت‌اند: از قربانی‌های شکرگزاری و کفاره و اعتراف به گناه و تقدیس و توبه. در نه باب اول سفر لاویان برای انواع قربانی و چگونگی مراسم آوردن و منظور از هر قربانی و شرایط آن مفصل شرح داده شده است. بعد از خرابی بیت همیقداش تمام مراسم و اجرای آن هر نوع قربانی قطع شده است. (YYY) سوختنی مرا ذبح کردند تا گوشت بخورند و خد-ا آنها را قبول نکرد. کتاب هوشع نبی باب ۸: آیه ۱۳.

خد-ا قوم خود را اجابت کرده خواهد گفت: اینک من گندم و شیر و روغن را برای شما می‌فرستم تا از آنها سیر شوید و شما را بار دیگر در میان امت‌ها عار نخواهم ساخت. کتاب یوئیل (XXX) کتاب یوئیل نبی کتابی است که فقط دارای سه باب می‌باشد و جزء کتب انبیاء است

در این سه باب مطالبی است شامل یک سلسله از نبوت‌های پیامبری به نام یوئیل نبی که با سبکی خاص و واضح و منظم نوشته شده است. در باب دوم این کتاب نبوتی آمده که طی آن نشانه‌های مربوط به قبل از رسیدن روزی به نام «روز عظیم و مهیب خد-ا» بازگو می‌کند. که برای خد-ا ترسان امیدوار کننده و برای کافران وحشت‌آور می‌باشد: آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهد شد پیش از ظهور یوم عظیم و مهیب خد-ا. و واقع خواهد شد هر که نام خد-ا را به خواند نجات یابد. اما راجع به یوئیل نبی متأسفانه از این سه باب نمی‌توان اطلاعات کافی و روشن راجع به چگونگی زندگی این نبی بدست آورد ولی از مفاد و عباراتی که این نبی استفاده کرده می‌توان به این نتیجه رسید که در سرزمین یهودا در زمانی که هنوز بیت‌همیقداش آباد بوده می‌زیسته است. (YYY) نبی، باب ۲: آیه‌ی ۱۹.

ای مستان بیدار شده گریه کنید وای می‌گساران به جهت عصیر انگور و لوله (لوله): جوش و خروش. غوغا) بسازید زیرا از دهان شما منقطع شده است. کتاب یوئیل نبی، باب ۱: آیه‌ی ۵.

ای زمین مترس و جد و شادی‌ساز زیرا خد-ا کارهای عظیم کرده است. ای بهایم صحرا مترسید زیرا که مرتع‌های بیابان سبز شد و درخت‌ها میوه‌ی خود را آورد و انجیر و موقوت (میوه) خویش را دادند.

ای پسران اورشلیم در خد-ای خویش وجد و شادی کنید زیرا که باران اولین را به اندازه‌اش به شما داده است و باران اول و آخر را در وقت برای شما بارانیده است. پس خرمن از گندم پر خواهد شد و معصره‌ها از شیر و روغن لبریز خواهد گردید و غذاهای بسیار خورده سیر خواهید شد و اسم حد-ای خود را که برای شما کارهای عجیب کرده است تسبیح (حمد و سپاس) خواهید خواند و قوم من تا به ابد خجل نخواهد شد. کتاب یوئیل نبی بای ۲: آیه‌های ۲۶ و ۲۴-۲۱.

خد-ا چنین می گوید: به سبب سه و چهار تقصیر اسراییل عقوبتش را نخواهم برگردانید. زیرا که مرد عادل را به نقره و مسکین را به زوج نعلین فروختند. و بر رختی که گرو می گیرند نزد هر مذبح می خوابند و شراب جریمه شدگان را در خانه ی خد-ای خود می نوشتند. کتاب عاموس نبی (XXX کتاب عاموس نبی: این کتاب شامل نه باب می باشد و منسوب به عاموس نبی یکی از پیامبران می باشد این کتاب که جزء کتب انبیاء می باشد به سبک و روش خاصی تدوین شده است زیرا نسبت به سایر کتب انبیاء در چند مورد فرق دارد. اول این که عاموس نبی دارای روحی حساس و دلی منقلب در قبال مشاهده و فساد و اختلاف طبقاتی در جامعه داشت و در مقابل مشاهده کوچک ترین گناه و جور و ستم عکس العمل شدید نشان می داد و خیلی رسا و بی پرده گناهکاران را سرزنش و از عقوبت خد-ا نسبت به آنها اطلاع می داد. کتاب عاموس نبی، باب ۷ آیه های ۱۷-۱۰. دوم اینکه چون این نبی از بین شبانان بود از لغات و عبارات و تمثیل هایی که مربوط به شبانی و گله داری بوده استفاده کرده است. هر چند که اوایل این کتاب با نبوت های تند و سرزنش کننده علیه بی دادگری و ستم و عدم مساوات اجتماعی شروع می شود در عوض در باب آخر با بهترین نبوت های امیدبخش و تسلی دهنده و شادی بخش ختم می گردد. اما عاموس نبی بطوری که خود می گوید و قبلاً هم اشاره ای شد شبان بوده این نبی در جواب به یکی از کاهنان بزرگ و منصبدار به نام امصیا که از نیش زبان این نبی رنج می برد و برای او توطئه و سخن چینی کرده بود گفته: من نه نبی هستم و نه پسر نبی بلکه رمه بان بودم و انجیرهای بری را می چیدم.

عاموس نبی با چند تن از انبیاء دیگر از قبیل هوشع یوئیل و اشعیاء نبی معاصر بود این نبی در میان سایر انبیاء دارای مقام برجسته ای می بود زیرا در زمانی زندگی می کرد که اجتماع آن روز روی به فساد می رفت و ضعفا از اختلاف طبقاتی که بر اوضاع حاکم بود رنج می بردند و روز به روز این اختلاف و فاصله ی طبقاتی بیشتر می شد. سرزنش هایی که این نبی راجع به این

اوضاع واحوال آن زمان کرده و به کسانی که در نبوت‌هایش مورد خطاب قرار داده نمایانگر آن است که روی سخنش به ارکان‌های دولتی حتی شاهان (اسرائیل و یهودا) و اغلب امرا حتی طبقه‌ی کاهنان و تجار و سرمایه‌دارها محتکرین که به مکیدن خون مسکینان و ضعفا و فقیران مشغول بودند و همه سرگرم جمع کردن هر چه بیشتر سرمایه و پر کردن جیب خود و سوء استفاده از مقام خود بودند بوده است تعدادی از کاهنان هم از هر عمل فسادى کوتاهی نمی‌کردند زیرا امصیای کاهن و هم‌فکرانش که منافع خود را در خطر می‌دیدند بر ضد او سخن چینی اتفاق کردند: و امصیا کاهن بیت‌ئیل نزد یربعام پادشاه اسرائیل فرستاده گفت، عاموس در میان خاندان اسرائیل بر تو فتنه می‌انگیزد و زمین سخن‌های او را متحمل نتواند شد. کتاب عاموس نبی باب ۷: آیه‌ی ۱۰.

آری با شرایط موجود آن ایام اجتماع روز به روز بر اثر تجمل‌پرستی و عیاشی و چشم به هم‌چشمی به فساد و خرابی می‌گرایید و این عوامل و شرایط باعث می‌شد که در روح حساس این نبی که شبان بود و دارای قلبی پاک و خروشان بود انقلابی برپا کند و این همه نبوت‌های تند و سرزنش‌کننده از دل خروشان این نبی بیرون بیاید مع‌ذلک باز هم همیشه این نبی با مشاهده آن شرایط رنج می‌برد و نزد خود می‌گفت: چرا این همه اختلاف طبقاتی وجود دارد چرا سرمایه‌دارها به فکر ضعفا نیستند و از آنان حمایت نمی‌کنند و به فریاد و التماس این دردمندان اجتماع گوش نمی‌دهند و چراهای دیگر. حال برای نمونه به مصداق این که عاقلان را اشاره‌ایی کافست از سخن‌های این نبی که روی سخنش با چپاولگران و حمایت از ضعفا می‌باشد در ذیل آورده شود:

زیرا خد-ا می‌گوید: آنانی که ظلم و غارت را در قصرهای خود ذخیره می‌کنند راست کرداری را نمی‌دانند بنابراین خد-ا چنین می‌گوید: دشمن به هر طرف زمین خواهد بود و قوت تو را از توبه زیر خواهد آورد و قصرهایت تاراج خواهد شد. کتاب عاموس نبی، باب ۳: آیه‌های ۱۲-

و خد-ا می گوید: که خانه‌ی زمستانی را با خانه‌ی تابستانی خراب خواهم کرد خانه‌های عاج تلف خواهند شد و خانه‌های عظیم منهدم خواهد گردید. کتاب عاموس نبی، باب ۳: آیه‌ی ۱۵. ای کسانی که بر مسکینان ظلم کرده فقیران را ستم می‌کنید و به آقایان ایشان می‌گویید، بیاورید تا بنوشیم این کلام مرا بشنوید خد-اوند به قدوسیت خود قسم خورده است که اینک ایامی بر شما می‌آید که شما را با غلها خواهند کشید و باقی ماندگان شما را با قلاب‌های ماهی. کتاب عاموس نبی، باب ۴: آیه‌های ۱-۲. بنابراین چون که مسکینان را پایمال کردید و هدایای گندم از ایشان گرفتید خانه‌ها را از سنگهای تراشیده بنا خواهید کرد اما در آنها ساکن نخواهید شد... زیرا عادلان را به تنگ می‌آورید و رشوه می‌گیرید و فقیران را در محکمه از حق ایشان منحرف می‌سازید. کتاب عاموس نبی باب ۵، آیه‌های ۱۱-۱۲.

ای کسانی که می‌خواهید فقیران را ببلعید و مسکینان زمین را هلاک کنید این را بشنوید و می‌گویید که غره‌ی ماه کی خواهد گذشت تا غله را بفروشیم و روز سبت تا انبارهای گندم را بگشاییم و ایفا را کوچک و مثقال را بزرگ ساخته میزان‌ها (ترازو) را قلب و معوج کنیم. و مسکینان را به نقره و فقیران را به نعلینی بخریم و پسمانده‌ی گندم را بفروشیم: اینک خد-اوند می‌گوید: ایامی می‌آید که گرسنگی بر زمین خواهم فرستاد نه گرسنگی از نان و نه تشنگی از آب بلکه از شنیدن کلام خد-ا. کتاب عاموس نبی، باب ۸ آیه‌های ۱۱ و ۶ و ۴.

این هم برای حسن ختام از نبوت‌های عاموس نبی برای کسانی که حق و عدالت و انصاف را رعایت می‌کنند همراه با تمثیل‌های زیبایش: اینک خد-ا می‌گوید، آیا می‌آید که شیار کننده به درو کننده خواهد رسید و پایمال کننده‌ی انگور به کارنده‌ی تخم و کوه‌ها عصیر انگور را خواهد چکانید و تمامی تل‌ها به سیلان خواهند آمد. و اسیری قوم خود اسراییل را خواهم برگردانید و شهرهای مخروب را بنا کرده در آنها ساکن خواهند شد و تاکستان‌ها غرس کرده و باغ‌ها

ساخته و میوه‌ی آنها را خواهند خورد و خد-ایت می‌گوید من ایشان را در زمین ایشان غرس خواهم کرد و بار دیگر از زمینی که به ایشان داده‌ام کنده نخواهند شد. (YYY)، باب ۲: آیه‌های ۸ و ۶.

به درستی که شراب فریبنده است و مرد مغرور آرامی نمی‌پذیرد. کتاب حقوق (XXX) کتاب حقوق نبی این کتاب بیش از سه باب ندارد. در باب‌های اول و دوم این کتاب راجع به حمله‌ی قریب‌الوقوع با بلیان نوشته شده است که این نبی آن را برای اهالی کشور یهودا که بر اثر پیروی از هوای نفس و اعمال ناشایسته از قبیل عبادت خد-ایان غیر که معمولاً بت‌های مختلف بودند و گناهکار شده نبوت کرده است. این نبی مانند دیگر پیامبران مردم را از دوری با خد-ا و منحرف شدن از فرمان‌های پروردگار برحذر می‌داشت اما متأسفانه مثل ادوار گذشته که پیامبران مردم را موعظه می‌کردند و کسی به کلام آنان گوش نمی‌داد گوش شنوایی در بین نبود و این همه نصایح و هشدارهای پی در پی را هیچ می‌دانستند بنابراین حضرت حقوق نبی طبق دستور خد-ا که به وی الهام شده بود اول به شرح و بررسی قدرت جنگی با بلیان می‌پردازد، سپس حمله‌ی قریب‌الوقوع این لشکر عظیم و ویرانگر را به کشور یهودا پیشگویی می‌کند تا نتیجه‌ی اعمال زشت و ناپسند خود را ببینند. اینک به نمونه‌ای از پیشگویی‌های این نبی که در باب اول آیه‌های ۹-۵ آمده است آشنا می‌شویم: در میان امت‌ها نظر کنید و ملاحظه کنید و به شدت متحیر شوید زیرا که در ایام شما کاری می‌کنم که اگر شما را هم از آن مخبر (باخبر) سازند باور نخواهید کرد. زیرا که اینک آن امت تلخ و تندخو یعنی کلدانیان را برمی‌انگیزانم که در وسعت جهان می‌خواهند تا مسکن‌هایی را که از آن ایشان نیست به تصرف آورند. ایشان هولناک و مهیب می‌باشند، حکم و جلال ایشان از خود ایشان صادر می‌شود. اسبان ایشان از پلنگان چالاک‌تر و از گرگان شب‌تیزروترند و سواران ایشان جست‌وخیز می‌کنند و سواران ایشان از جای دور آمده مثل عقابی که برای خوراک بشتابد می‌پرند. جمیع ایشان برای ظلم

می‌آیند، عزیمت روی ایشان به طرف پیش است و اسیران را مثل ریگ جمع می‌کنند. اما راجع به چگونگی زندگی این نبی متأسفانه در این سه باب نمی‌توان اطلاع جالبی کسب کرد. حتی نام سلاطینی که هم‌دوره‌ی او بوده‌اند و پیامبران دیگر معمولاً در نوشته‌های خود از آنها نام می‌بردند اشاره‌ای نشده. فقط از روی نام این نبی که به معنی بغل گرفته شده می‌باشد برخی از مفسرین بر این عقیده می‌باشند که این همان فرزند زن خد-اترس و با ایمانی است که پس از مرگ توسط حضرت الیشاع طی معجزه‌ای که شرح کامل آن در کتاب دوم پادشاهان باب چهارم آمده است دو مرتبه زنده شده است. باب سوم سروده بسیار جالب و لذت‌بخش از این نبی که معلوم می‌شود طبع شاعری خوبی داشته است می‌باشد و جای خواندن چندین مرتبه را دارد زیرا مانند اینگونه سروده در کتاب مقدس کمتر مشاهده می‌شود در ذیل نمونه‌ای از این سروده که در باب سوم آیه‌های ۱۸-۱۷ آمده است بنظر خوانندگان عزیز می‌رسد:

اگر چه انجیر شکوفه نیاورد و میوه در موها یافت نشود و حاصل زیتون ضایع گردد و مزرعه‌ها آذوقه ندهد و گله‌ها از آغل منقطع شود و رمه‌ها در طویله‌ها نباشد، لیک من در خد-ا شادمان خواهم شد و در خد-ای نجات خویش وجد خواهم کرد. کتاب حبقوق نبی هم جزء کتب انبیاء می‌باشد. (۲۲۲) نبی، باب ۲: آیه ۵.

وای بر کسی که همسایه‌ی خود را می‌نوشاند و بر تو که زهر خویش را ریخته او را نیز مست می‌سازی کتاب حبقوق نبی، باب ۲: آیه ۱۵.

پس کلام خد-ا بواسطه‌ی حجبی نبی نازل شده گفت: آیا وقت شما است که شما در خانه‌های مسقف خود ساکن شوید و این خانه خراب بماند. پس حال خد-اوند چنین می‌گوید: دل خود را به راه‌های خویش مشغول سازید. بسیار کاشته‌اید و اندک حاصل می‌کنید.

می‌خورید اما سیر نمی‌شوید و می‌نوشید لیک سیراب نمی‌گردید. از این سبب آسمان‌ها به خاطر

شما از شب‌نم باز داشته می‌شود و زمین از محصولش باز داشته می‌گردد. و من بر زمین و بر کوه‌ها و بر غله و عصیر انگور و زیتون و بر هر آنچه زمین می‌رویاند و بر انسان و بهایم و تمامی مشقتهای دستها خشک سالی را خواندم. کتاب (XXX کتاب حجی نبی، این کتاب بیش از دو باب ندارد در این دو باب که جنبه‌ی تاریخی دارد وقایع و اتفاقات مهمی که پس از آزادی یهودیان از بابل توسط کوروش کبیر و مهاجرت آنان به اورشلیم رخ داده است بیان شده است بعد از مهاجرت یهودیان به ارض موعود بر اثر موانعی که دشمنان در راه تعمیر و تأسیس بیت‌همیقداش ایجاد کرد یهودیان از تعمیر بیت همیقداش ناامید و دل‌سرده شده بودند. این نبی آنان را تشویق و ترغیب می‌کرد که هر چه زودتر در بنای بیت همیقداش اقدام کنند. کتاب حجی نبی باب ۲: آیه‌های ۹-۱. خود حجی نبی از یهوینی بود که از بابل به ارض موعود مهاجرت کرده بود، کتاب حجی نبی از کتب انبیاء می‌باشد. YYY) حجی نبی، باب ۱: آیه‌های ۱۱-۱۰ و ۶-۳.

گندم جوانان را و عصیر انگور دوشیزگان را خرم خواهد ساخت کتاب زکریای (XXX کتاب زکریای نبی، این کتاب شامل چهارده باب می‌باشد که به حضرت زکریای نبی نسبت داده شده است و جزء کتب انبیاء می‌باشد این کتاب به رویاهای پر از رمز و مهم این نبی اختصاص داده شده است در شش باب اول یک سلسله از رویاهای پی‌درپی می‌باشد که زکریای نبی در حالت مخصوص مشاهده کرده است. بطوری که اشاره شد این رویاها بصورت رمز بوده و اغلب مربوط به ظهور ماشیح می‌باشد که این پیامبر دیده و نبوت کرده است در باب هشتم آیه‌های ۱۸ و ۱۹ این نبی از قول خد-ا پیشگویی کرده است که روزه‌های چهارگانه که یهودیان هم اکنون می‌گیرند در آینده این روزه‌ها به روزها شادمانی و سرور و عید تبدیل می‌شود. و خد-اوند چنین می‌گوید: روزه‌ی ماه چهارم و روزه‌ی ماه پنجم و روزه‌ی ماه هفتم و روزه‌ی ماه دهم برای خاندان یهودا به شادمانی و سرور و عیدهای خوش مبدل خواهد شد، پس راستی و

سلامتی را دوست بدارید.

(مقصود از روزه‌های ماه چهارم، پنجم، هفتم، دهم به ترتیب ذکر شده عبارت‌اند از روزه‌های ۱۷ تموز، نهم‌آو، روزه‌ی گدلیا و دهم طبت) در باب‌های آخر این کتاب جنگ بسیار بزرگی پیش‌بینی شده اغلب کشورهای دنیا برای جنگ با اورشلیم بسیج می‌شوند، خوب است سخن را کوتاه کنم و از زبان ذکریای نبی از چگونگی و نتیجه‌ی این جنگ بزرگ بطور خلاصه باخبر شویم: اینک روز خد-ا می‌آید... و جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد و شهر را خواهند گرفت... و خد-ا بیرون آمده با آن قوم‌ها مقاتله خواهد کرد... و در آن روز نور آفتاب نخواهد بود و کواکب درخشنده گرفته خواهند شد... و در آن روز خد-ا واحد بود و اسم او واحد... و این بلایی خواهد بود که خد-ا به همه‌ی قوم‌هایی که با اورشلیم جنگ کنند وارد خواهد آورد، گوشت ایشان در حالتی که بر پاهای خود ایستاده‌اند کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت!! و واقع خواهد شد که همه‌ی ماندگان از جمیع امت‌هایی که به ضد اورشلیم آیند هر سال برخواهند آمد تا خد-اوند پادشاه را عبادت کنند... و هر کدام از قبایل زمین که به جهت عبادت خدا-وند پادشاه برنیایند بر ایشان باران نخواهد شد. در آن روز خد-ا ساکنان اورشلیم را حمایت خواهد کرد و ضعیف‌ترین ایشان در آن روز مثل داوود خواهند بود. منتخب آیاتی از باب‌های ۱۲ و ۱۴ کتاب زکریای نبی. (YYY) نبی، باب ۹: آیه‌ی ۱۷.

فصل دوم

بخش اول- زندگی روزانه و امرار معاش

۱- شبانی و گله‌داری

با مطالعه در تاریخ و کتاب مقدس یهود مشاهده می‌شود که در آیین یهود به شبانی و گله‌داری و به همراه آن کشاورزی مقام و احترام خاصی داده شده است چون دامداری و کشاورزی یکی از منابع مهم اقتصادی این قوم بوده و اغلب طبقات از این دو منبع مهم اقتصادی چه به منظور تغذیه یا داد و ستد استفاده می‌کردند به موجب آیات کتاب مقدس اغلب پیامبران و اجداد اولیه‌ی قوم یهود شبان بوده‌اند و نسبت به آن ارزش و مقام خاصی قائل بودند آن قسمت از مطالب آمده در سفر پیدایش اولین مجلد از کتاب مقدس که زندگی اجداد اولیه این قوم را بیان می‌کند گواه بر این است که همگی آنان دارای گله‌های فراوانی بوده‌اند. برای مثال حضرت ابراهیم (سفر پیدایش باب ۱۳: آیه‌های ۱۱-۵) به علت داشتن گله‌های زیاد نتوانست با لوط برادرزاده‌اش که خود دارای گله‌های فراوانی بود زندگی کند و در نتیجه هر نفر برای خود راه جداگانه و خلاف جهت همدیگر انتخاب کردند.

یا این که حضرت ابراهیم برای سه نفر (سفر پیدایش باب ۱۸: آیه‌های ۸-۷) از مهمانان خود که

فرشته و فرستادگان خد-ا بودند از گوشت بهترین گوساله و کره و شیر که از گله‌ی خویش بود برای پذیرایی آنان استفاده کرد حضرت اسحاق (ایضاً باب ۲۷: آیه‌های ۴-۱). هم‌هنگامی که پیر و سالخورده شده بود به پسرش عساو سفارش می‌کند که غذایی را که دوست دارد برای او فراهم کند. لاوان (ایضاً باب ۲۹: آیه‌ی ۱۰). پدرزن حضرت یعقوب گله دار مهمی بود حتی دختران او نیز گله داری می‌کردند حضرت یعقوب برای لاوان به مدت بیست (ایضاً باب ۳۱: آیه‌ی ۴۱). سال گله‌داری کرد بطوری که در عرض این مدت بسیار کارآزموده شده بود و تجربیاتی هم در راه اصلاح نسل و نژاد گوسفندان (ایضاً باب ۳۰: آیه‌های ۴۳-۳۷). کسب کرده بود. در زمانی که حضرت یعقوب در سرزمین کنعان ساکن شد دارای گله‌های فراوانی (ایضاً باب ۳۷: آیه‌ی ۱۲). بود، در میان پادشاهان و انبیاء یهود عده‌ای هم شبان و گله‌دار بودند مانند حضرت داوود و حضرت سلیمان (کتاب دوم تواریخ الایام باب ۲۶: آیه‌ی ۱۰ و کتاب جامعه، باب ۲: آیه ۷). و حزقیا (کتاب دوم تواریخ الایام باب ۳۲: آیه‌ی ۲۸). و یوشیاه (ایضاً باب ۳۵: آیه‌های ۹-۷). که از پادشاهان بودند و عاموس (عاموس نبی باب ۱: آیه‌ی ۱). نبی که از پیامبران بود و حضرت موسی هم (سفر خروج باب ۳: آیه‌ی ۱۹). بعد از فرار از مصر نزد پدرزنش يترو (شعیب) مدتی به شبانی پرداخت. حضرت داوود در جوانی به شبانی گله‌های پدرش مشغول بود اصولاً کلمه‌ی شبان کلمه‌یی بود مقدس. زیرا صفت خوبی شمرده می‌شد و بهترین عبارتی که می‌توان در کتاب مقدس راجع به کلمه‌ی شبان در وصف آن پیدا کرد در مزامیر حضرت داوود می‌باشد که به نام مزمور «خد-ا» (XXX کتاب مزامیر، باب ۲۳ تمام باب (خد-ا) شبان من است محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. در مرتع‌های سبز مرا می‌ خواباند نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کند... الی آخر) (YYY شبان من است» معروف می‌باشد حضرت سلیمان نبی در کتاب امثال سلیمان نبی، سرمایه‌گذاری در کشاورزی و دامپروری و سود حاصل از آن را به بهترین نحو و عباراتی (XXX امثال سلیمان نبی باب ۲۷: آیه‌های ۲۷-۲۴: به حالت گله‌ی خود نیکو توجه کن و دل خود را به رمه‌ی خود مشغول ساز زیرا که دولت دائمی نیست و تاج

هم‌نسل بعد نسل پایدار نی. علف را می‌برند و گیاه سبز می‌روید و علوفه کوه‌ها جمع می‌شود. بره‌ها برای لباس تو و بزها به جهت اجاره‌ی زمین بکار می‌آیند و شیر بزها برای خوراک تو و خوراک خاندانت و معیشت کنیزانت کفایت خواهد کرد. ایضاً کتاب امثال سلیمان نبی باب ۱۲: آیه ۱۱: کسی که زمین خود را زرع کند از نان پر خواهد شد. (۷۷۷) توصیف می‌کند. شکی نیست که شبانان و گله‌داران بر اثر تماس دائمی که با طبیعت زیبا و کوه و دشت و بیابان و مناطق دل‌فریب و دل‌انگیز طبیعت دارند بیش از شهرنشینان فرصت فکر کردن راجع به خد-ا و طبیعت پیدا می‌کنند و چون از زندگی آلوده و پرزرق و برق شهری دور می‌باشند در نتیجه از هر گونه انحرافات فکری و روحی عاری و پاک هستند و این خود عامل مناسبی برای روح و فکر ایشان است که بیشتر به خد-ا فکر کنند و بیش از سایرین به وجود خد-ا و اسرار جهان هستی تعمق کنند یا اینکه در قلب خود به خد-ا راز و نیاز پردازند و این حالت به جای خود زمینه بسیار خوبی است برای دریافت پیام‌هایی از خد-ا برای ارشاد مردم گمراه که در زندگی سراسر مادی خویش غوطه‌ور شده و از دنیای معنویت و روحانیت بر اثر گناه‌های خویش فاصله گرفته‌اند علاوه بر اینها حرفه‌ی شبانی هم جزء حرفه‌های مهم بوده و کسانی که در این کار سابقه زیادی داشته‌اند کلمه‌ی شبانی برای آنان بعنوان منصب مهمی محسوب (سموئیل اول، باب ۲۱، آیه ۷) می‌شده است باز هم حضرت داوود در یکی از مزامیر خویش خد-ا را شبان خطاب می‌کند (کتاب مزامیر باب ۸۰ آیه ۱).

امر کشاورزی و درختکاری هم به جای خود کمتر از شبانی و گله‌داری نبوده است و افراد این قوم به جهت دلبستگی و علاقه‌ای که به کشاورزی داشتند و در سطور زیر نمونه‌هایی از این علاقه خواهد آمد نسبت به پرورش انواع درخت و زراعت کوشا بودند. خوب است اولین آیه‌ای که راجع به درخت و گیاه و کشاورزی در کتاب مقدس آمده است و همانا فرمان آفرینش آنها در روز سوم خلقت از جانب خد-امی باشد آورده شود:

خد-ا گفت که زمین سبزه‌ها را (سفر پیدایش باب اول: آیه‌های ۱۳-۱۰. ۲۲۲) برویاند علف تخم آورنده و درخت میوه‌داری که موافق جنس خود میوه می‌دهد که تخمش در خود بر زمین باشد پس چنین شده و زمین سبزه را رویانید علف تخم آورنده موافق جنس خود و درخت میوه‌ی دهنده‌ای که تخمش موافق نوع خود در آن است و خد-ا دید که نیکوست.

و باز در همین باب چنین آمده است: خد-ا گفت: که اینک تمامی علف‌های تخم‌داری که بر روی تمامی زمین است و تمامی درخت‌هایی که در آنها میوه‌ی درخت تخم‌دار است به شما دادم تا آن که برای شما خوردنی باشد و به تمامی حیوانات زمین و تمامی مرغان هوا و تمامی جنبندگان روی زمین که آنها راجان زنده می‌باشند هر علف سبزه را به جهت خوردن دادم پس چنین شد (سفر پیدایش آیه‌های ۳۰-۲۹ از باب اول). حضرت ابراهیم نظر به اینکه دارای گله‌های فراوانی بود (سفر پیدایش باب ۱۳: آیه ۲). در هر مکانی که مقیم می‌شد نسبت به حفر چاه آب و زراعت (ایضاً باب ۳۱: آیه‌های ۳۱-۳۰). و درختکاری (ایضاً باب ۲۱: آیه ۳۳). اقدام می‌کرد. طبق مطالب سفر پیدایش خد-ا باغ بسیار زیبایی در عدن ایجاد کرد و در آن انواع درخت‌های میوه و خوش نما و خوش منظر و خوش خوراک همراه با درخت حیات و درخت معرفت نیک و بد را در آن باغ (سفر پیدایش، باب ۲ آیه‌های ۹-۸). رویانید و حضرت آدم را پس از خلقت در آن باغ پر از درخت قرار داد و آن را آزاد گذاشت که از تمام میوه‌های باغ

به غیر از میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد را بخورد. (سفر پیدایش، باب ۲ آیه‌های ۱۸-۱۶. ایضاً قرآن کریم، سوره‌ی بقره آیه: ۳۳. و سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۸). بعد از آفرینش حوا (زن حضرت آدم) که از یکی از دنده‌های (سفر پیدایش باب ۲: آیه: ۲۱). حضرت آدم توسط خدا - خلق شده بود بر اثر مکر و حیل‌های مار (XXX سفر پیدایش، باب ۳ آیه‌های ۵-۱. ایضاً قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۹. سوره‌ی بقره آیه‌ی: ۳۴. YYY) زن حضرت آدم فریفته شده و میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد را خورد و به همسرش هم از آن میوه داد که خورد. پس از خوردن میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد چشمان هر دوی ایشان باز شده و متوجه شدند که عریان می‌باشند (سفر پیدایش، باب ۳: آیه‌ی ۷. قرآن کریم، سوره‌ی طه آیه‌ی ۱۹). و سرانجام بر اثر گوش ندادن و سرپیچی کردن نسبت به امر خدا هر دوی ایشان از باغ به بیرون رانده شدند (سفر پیدایش، باب ۳: آیه ۳۳)

موضوعی که بسیار جالب است، آن که فرشته خدا در میان بوته‌ی آتش (سفر خروج، باب ۳: آیه‌ی ۲). برای اولین مرتبه به حضرت موسی ظاهر شد و از میان این بوته‌ی آتش بود که به او فرمان داده شد تا کاخ ستم فرعون مصر را در هم ریزد.

طبق فرمان خدا - قطع هرگونه درخت به خصوص درخت میوه‌دار منع گردیده است حتی قطع درخت‌های میوه‌ی دشمن که در حال جنگ می‌باشد جایز نیست. (XXX سفر تثئیه، باب ۲۰: آیه‌ی ۱۹: چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی و آن را روزهای بسیار محاصره کنی تبر بر درخت‌هایش مزن و آن‌ها را تلف مساز چون که از آن‌ها می‌خوری پس آن‌ها را قطع مساز زیرا آیا درخت صحرا انسان است تا آن را محاصره کنی. YYY) از درخت‌هایی چون بادام (سفر پیدایش، باب ۳۰: آیه‌ی ۳۷. ایضاً ارمیای نبی، باب ۱: آیه‌ی ۱۱. و جامعه، باب ۱۲: آیه‌ی ۵)، مو (مزامیر، باب ۸۰: آیه‌ی ۸. ایضاً سفر پیدایش باب ۴۹: آیه‌ی ۱۱)، انجیر (اشعیا نبی، باب ۳۶: آیه‌ی ۱۶. ایضاً ذکریای نبی باب ۳ آیه‌ی ۱۰)، خرما (سفر لاویان، باب ۲۳: آیه‌ی ۴۰.

ایضاً سفر تننیه باب ۳۴ آیه ۳)، سرو(اشعیاء نبی، باب ۱۴:آیه ۸. و پادشاهان دوم، باب ۱۹:آیه ۲۳)، بلوط(سر تننیه، باب ۱۱:آیه ۳۰. و اشعیاء نبی، باب ۶:آیه ۱۳). بارها در کتاب مقدس نام برده شده است و برای هر یک از آنها بعنوان سنبل و نمونه‌ای از تقدس (مو) باروری و شکوفایی (بادام) اقتدار و استحکام (بلوط) و نیرومندی و عظمت (سرو) و شادی و فتح (خرما) و سرانجام آرامش و صلح (انجیر) استفاده شده است.

و از چوب برخی از آنها برای ایجاد بناهای مقدس (کتاب اول تواریخ الایام، باب ۲۲:آیه ۲۹). و کاخ‌ها(کتاب اول پادشاهان، باب ۵:آیه ۸. ایضاً...باب ۶:آیه ۱۵). و ساختمانهای دولتی و عمومی کم و بیش مصرف می‌کردند. ریشه‌ی ایجاد اغلب اعیاد هم به درختکاری وامور کشاورزی مربوط می‌گردد به طوری که یکی از اعیاد مهم به نام عید نوروز درخت‌ها یا ایلانوت نامگذاری شده است. در این عید نوروز درختان به غرس انواع درخت می‌پردازند و در خانواده‌ها در حالی که انواع و اقسام میوه‌های درختی را که بدین منظور جمع‌آوری کرده‌اند طی مراسم باشکوهی به شکرگزاری از خد-ا پرداخته و از نعمت‌هایی که خد-ا به آنان ارزانی داشته سپاس‌گزاری می‌کنند. عید دیگری هم به نام شاووعوت(سفر لاویان، باب ۳۳: آیه‌های ۲۲-۱۵. ایضاً سفر تننیه باب ۱۶: آیه‌های ۹-۱۲). یا هفته‌ها می‌باشد. علاوه از این که این عید، عید اعطای تورات می‌باشد قسمتی از مراسم و علل به وجود آمدن این عید مربوط به کشاورزی و برداشت محصول می‌باشد، این عید علاوه بر نام شاووعوت نامهای دیگری هم دارد. مانند عید(سفر لاویان، باب ۲۳: آیه ۱۰). درو چون مصادف است با فصل درو و دیگر نام عید اهداء نوبر میوه‌ها(سفر خروج، باب ۲۳: آیه ۱۶). است که اولین نوبر میوه درخت‌ها را به حضور خد-ا در خانه خد-ا تقدیم (XXX سفر تننیه، باب ۲۶: آیه‌های ۳-۱۰. آنگاه نوبر تمامی حاصل زمین را که از زمینی که خد-ایت به تو می‌دهد جمع کرده باشی بگیر و آنرا در سبد گذاشته به مکانی که خد-ایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گرداند برو. YYY). می‌کردند.

عید سوکوت (XXX سفر لاویان، باب ۲۳: آیه ۳۴. ایضاً سفر تثئیه، باب ۱۶: آیه‌های ۱۵-۱۳. عید خیمه‌ها را بعد از جمع کردن حاصل از خرمن... نگاهدار. و در عید خود شادی کن تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لاوی و غریب و یتیم و بیوه‌زنی که درون دروازه‌هایت باشد... زیرا که خد-ایت تو را در همه‌ی محصولات و در تمامی اعمال دستت برکت خواهد داد و بسیار شادمان خواهی بود. YYY) یا سایبان‌ها یا نام فارسی آن عید بیدبندان یکی دیگر از اعیاد بزرگ است که به کشاورزی مربوط می‌شود. در مدت هشت روز ایام این عید از برگ و شاخه‌ی درخت‌ها برای برگزاری مراسم این عید استفاده می‌شود. برای ایجاد سایبان یا سوکا که شبیه اطاق می‌باشد از برگ بید برای پوشش سقف آن استفاده می‌شود، ضمناً در داخل آن با انواع میوه‌ها و سردرختی‌ها تزئین می‌کنند و از شاخه‌های درخت خرما، بید و مورد و میوه‌ی بالنگ در مراسم عبادت در کنیساها و سوکاها استفاده می‌کنند. (XXX سفر لاویان، باب ۲۳: آیه‌های ۴۳-۳۹: در روز پانزدهم ماه هفتم چون شما محصول زمین را جمع کرده باشید عید خد-ا را هفت روز نگاه دارید در روز اول آرامی سبت خواهد بود و در روز هشتم آرامی سبت. در روز اول میوه‌های درخت نیکو برای خود بگیرید و شاخه‌های خرما و شاخه‌های درخت‌های پربرگ و بیدهای نهر و به حضور خد-ای خود هفت روز شادی کنید و آن را هر سال هفت روز برای خد-ا عید نگاه دارید... تا طبقات شما بدانند که من بنی‌اسرائیل را وقتی که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم در خیمه‌ها ساکن گردانیدم من خد-ای شما هستم. توضیح این که بعد از خرابی بیت‌المقدس و به اسارت رفتن یهودیان مدت هفت روز این عید به هشت روز در خارج از سرزمین مقدس تبدیل گردیده است. YYY)

نفوذ کشاورزی و دامداری بر دعاها و برکت‌ها

نباید فراموش کرد که حرفه کشاورزی و دامداری آنقدر در کلیه شئون یهودیان ریشه دوانده و در تاروپود زندگی آنان جای گرفته که حتی بر روی نبوت‌ها و دعاها و برکت‌ها و نفرین‌های

بزرگان و پیامبران یهود اثر گذاشته است. بزرگان و اجداد این قوم در بهترین و گیراترین دعا‌های خود به رونق امور کشاورزی و وفور و فراوانی محصولات دامی و زراعی اشاراتی کرده‌اند.

پیامبران هم از قبیل حضرت داوود (کتاب مزامیر باب ۲۳ تمام آیات. ایضاً کتاب مزامیر، باب ۱۰۴ آیه ۱۴. ۷۷۷) و حضرت عاموس (عاموس نبی باب ۴: آیه‌های ۱۱-۷. ایضاً، باب ۸: آیه ۲. عاموس نبی باب ۹: آیه‌های ۱۵-۱۱. اینک خد-ا می‌گوید: ایامی می‌آید که شیارکننده به دروکننده خواهد رسید و پایمالکننده انگور به کارنده‌ی تخم... و تاکستان‌ها غرس کرده شراب آنها را خواهند نوشید و باغها ساخته میوه‌ی آنها را خواهد خورد. ۷۷۷) و عده‌ی دیگری از پیامبران از لغات و اصطلاحات مربوط به حرفه‌ی کشاورزی در کتاب‌ها و نوشته‌های خود زیاد بکار برده‌اند حتی خد-ا طبق وعده‌ای که به بنی‌اسرائیل داده است در صورتی که به فرمان‌ها و اوامرش گوش فرار داده و گناهی نورزند و مستضعفین را یاری داده و به آنها مدد رسانند، محصولات آنان را از هر آفتی محفوظ نگهداشته و در عوض به فراوانی و وفور آنان می‌افزاید (XXX سفر لاویان، باب ۲۶: آیه‌های ۵-۳: اگر در فرایض من سلوک کنید و اوامر مرا نگاه داشته آنها را به جای آورید. آنگاه باران‌های شما را در موسم آنها خواهم داد و زمین محصول خود را خواهد آورد و درخت‌های صحرا میوه‌ی خود را خواهد داد. و کوفتن خرمن شما تا چیدن انگور خواهد رسید و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد رسید و نان خود را به سیری خورده در زمین خود به امنیت سکونت خواهید کرد. ۷۷۷). اولین دعایی که راجع به این موضوع در کتاب مقدس آمده دعای حضرت اسحاق به حضرت یعقوب می‌باشد و دیگر دعا دعای حضرت موسی به سبط (XXX حضرت یعقوب دارای دوازده فرزند ذکور بود که به نسل‌های هر کدام از این فرزندان سبط می‌گویند جمع آن اسباط است که به دوازده اسباط اسرائیل مشهورند. نام دوازده اسباط به شرح زیر می‌باشد رئوبن - شیمعون - لوی - یهودا -

ایساخار- زبولون- دان- نفتالی- گاد- آشِر- یوسف- بنیامین(سفر پیدایش، باب ۴۹ ایضاً سفر خروج باب ۱، آیه‌های ۶-۱ و ایضاً سفر تثئیه، باب ۳۳: آیه‌های ۲۹-۶) (YYY) یوسف XXX حضرت یوسف نام یکی از فرزندان حضرت یعقوب می‌باشد مادر او راحل دختر لاوان برادرزاده‌ی حضرت ابراهیم بود. داستان زندگی یوسف و چگونگی تولد سپس مورد حسد قرار گرفتن او توسط برادرانش و خواب‌هایی که دید و فروخته شدن او به مصریان و نشان دادن لیاقت و شایستگی و به زندان رفتن و آزاد شدن و بعداً جریان تغییر خواب فرعون و به مقام صدارت رسیدن... و خلاصه بروز قحطی که نتیجه‌ی آن آمدن برادرانش به مصر و سپس دیدار روی مبارک پدرش همه‌ی اینها بصورت مفصل در سفر پیدایش، باب‌های ۵۰-۳۷ آمده است.

حضرت یوسف صدوده سال عمر کرد و طبق عادت مصریان جسد وی را حنوط و مومیایی کردند و طبق وصیتی که در زمان حیاتش کرده بود.(سفر پیدایش، باب ۵۰: آیه‌ی ۲۵) مانده‌ی استخوان‌هایش را بنی‌اسرائیل توسط حضرت موسی به سرزمین کنعان بردند(سفر خروج باب ۱۳. آیه‌ی ۱۹) و آن را در شکیم دفن کردند.(صحیفه‌ی یوشع باب ۲۴: آیه ۳۲) صداقت دوستی و پاکی قلب و لیاقت ذاتی و آینده‌بینی اینها تعدادی از صفات بارز آن حضرت بودند که توانست ملت مصر را از بیچارگی و گرسنگی در زمان خود نجات بدهد.

لازم به یادآوری است سرگذشت حضرت یوسف در قرآن مجید آمده است و نام یکی از سوره‌ها که داستان زندگی وی را بیان می‌کند سوره‌ی یوسف نامیده شده است. بطوری که خد-اوند متعال در آیه‌ی ۳ این سوره، شرح زندگی حضرت یوسف را از نیکوترین حکایت‌ها: أحسن القصص، نامیده است. (YYY) است XXX سفر تثئیه باب ۳۳ آیه‌های ۱۷-۱۳. و درباره‌ی یوسف گفت زمینش از خد-اوند مبارک باد، از نفایس آسمان و از شب‌نم... از نفایس محصولات آفتاب و از نفایس نباتات ماه... از نفایس زمین و پری آن... (YYY). حضرت موسی از جانب

خد-ا به بنی اسرائیل توصیه می‌کند که اگر به فرمان‌ها و دستورهای خد-ا عمل کنند خد-ا کلیه نعمت‌های آسمانی و زمینی را به آنان ارزانی داشته و به کلیه محصولات و دسترنج ایشان را برکت خواهد داد (XXX سفر تثئیه باب ۲۸: آیه‌های ۱۲-۳). و اگر آواز خد-ای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می‌کنم بجای آوری... در شهر مبارک خواهد بود. میوه‌ی بطن تو و میوه‌ی زمین تو و میوه‌ی بهایمت و بچه‌های گاو و بره‌های گله تو مبارک خواهند بود، سبد و ظرف تو مبارک خواهی بود. خد-ا در انبارهای تو و به هر چه دست خود را به آن دراز می‌کنی بر تو برکت خواهد فرمود... و خد-ا تو را در میوه‌ی بطنت و ثمره‌ی بهایمت و محصول زمینت... به نیکویی خواهد افزود خد-ا خزاین خود یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود تا باران زمین تو را در موسمش بباراند و تو را در جمیع اعمال دستت مبارک سازد. ایضاً سفر تثئیه، باب ۷: آیه‌های ۱۳-۱۲. YYY) و در غیر این صورت و اطاعت نکردن اوامر خد-ا کلیه این برکت‌ها از آنان گرفته خواهد شد و به قحطی و سرگردانی دچار (XXX سفر تثئیه، باب ۲۸: آیه‌های ۴۲ و ۳۹ و ۳۱ و ۱۷-۱۵: تا کسانی غرس خواهی کرد و میوه‌اش را نخواهی خورد... تاکستان‌ها غرس کرده خدمت آنها را خواهی کرد... و انگور را نخواهی چید زیرا کرم آن را خواهد خورد... تمامی درختانت و محصول زیتونت را ملخ به تصرف خواهد آورد. YYY) خواهند شد. در تلمود فصل و بخش‌های متعددی راجع به کشاورزی و قوانین مربوط به آن اختصاص داده شده است، در نماز روزانه و فصلی هم دعا‌های بخصوصی راجع به برکت و فراوانی محصولات کشاورزی یافت می‌شود.

در یکی از مزامیر حضرت داوود که بصورت سرود می‌باشد طی یک ضرب‌المثل نمونه ماندنی نتیجه‌ی کار و کوشش رادر امر زراعت و کشاورزی در چند خط بصورت جالبی بیان کرده است: آن که با گریه برای زراعت تخم بیرون می‌رود، هر آینه با شادی برخواهد گشت و بافه خویش را خواهد آورد (کتاب مزامیر، زمور ۱۲۶: آیه‌های ۶-۵). که مرادف آن در فارسی چنین

است:

نابرده رنج، گنج میسر نمی شود.

۴- نگاه مختصری به قوانین مربوط به کشاورزی

در بین شش صد و سیزده (XXX) از شش صد و سیزده فرمان کتاب مقدس تورات دویست و چهل و هشت فرمان آن امر و سیصد و شصت و پنج فرمان بقیه نهی می باشد. (YYY) فرمان های دینی یهود فرمان های بسیاری راجع به زراعت و برداشت محصول می توان یافت تعدادی از آنها مربوط به چگونگی برداشت محصول و باقی گذاردن قسمتی از آن برای مستمندان و اجرا کردن موازین نوع دوستی و دستگیری از ضعفا و دادن قسمتی از محصولات کشاورزی به آنان می باشد. و عده ای از فرمان ها هم مربوط به آیش زمین جهت تقویت آن و خاک زراعتی می باشد که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می شود:

به فرمان خد-ا کاهنان و لاویان مانند افراد اسباط دیگر دارای سهمی از سرزمین های کنعان (XXX سفر اعداد، باب ۱۸: آیه های ۳۲-۲۰: خد-ا به هارون گفت، تو در زمین ایشان هیچ ملک نخواهی یافت و در میان ایشان برای تو نصیبی نخواهد بود نصیب تو و ملک تو در میان بنی اسرائیل من هستم. و بنی لاوی اینک تمامی عشر اسرائیل را برای ملکیت دادم به عوض خدمتی که می کنند یعنی خدمت اجتماع. ایضاً سفر تثنیه، باب ۱۸: آیه ی ۱. (YYY) نبودند زیرا وظیفه ی اصلی آنان کهنات (XXX سفر اعداد، باب ۱۸: آیه های ۷-۶: و اما من اینک برادران شما لاویان را از میان بنی اسرائیل گرفتم و برای شما پیش کش می باشند که به خد-ا داده شده اند تا خدمت خیمه ی اجتماع را به جای آورند. و اما تو با پسرانت کهنات خود را به جهت هر کار مذبح و برای آنچه اندرون حجاب است نگاه دارید و خدمت بکنید. (YYY) و تعلیم و تربیت و ارشاد مردم در امور و خدمات مربوط به خانه ی خد-ا بود. بنابراین برای یاری به هزینه ی

زندگی آنان و یاری کردن به ایشان لازم بود اولین نوبر میوه‌های درختی و زمینی و بهائم خود را(XXX سفر خروج، باب ۲۳: آیه ۱۹: نوبر نخستین زمین خود را به خانه‌ی خد-ای خود بیاور... ایضاً سفر تثئیه، باب ۲۶: آیه‌های ۱۲-۱: و الان اینک نوبر حاصل زمینی را که تو ای خد- به من دادی آورده‌ام پس آن را به حضور خد-ای خود بگذار و به حضور خد-ایت عبادت کن. و تو با لاوی و غریبی که در میان تو باشد از تمامی نیکویی که خد-ایت به تو و به خاندانت بخشیده است شادی خواهی کرد.YYY) به خانه‌ی خد-ا بیاورند، تا این که کاهنان و لاویان که از کارهای کشاورزی دور می‌باشند بهره‌ای بگیرند.(XXX سفر اعداد، باب ۱۸: آیه‌های ۱۹-۸: نوبرهای هر چه در زمین ایشان است که نزد خد-ا می‌آورند از آن تو باشد. تمامی بهترین روغن و تمامی بهترین حاصل مو و غله یعنی نوبرهای آنها را که به خد-ا می‌دهند به تو بخشیدم. و هر چه در اسراییل وقف بشود از آن تو باشد.YYY)

قوانین دیگری هم که به حمایت از فقرا و مستمندان هنگام برداشت محصول و درو تأکید فراوان شده است دیده می‌شود. از باب مثال هنگام درو برای برجا گذاردن نسبتی از محصول برای فقرا و درو نکردن تمام مزرعه‌ی قانونی به این شرح آمده است: چون حاصل زمین خود را درو کنید گوشه‌های مزرعه‌ی خود را تمام مکنید و محصول خود را خوشه‌چینی مکنید.(سفر لاویان، باب ۱۹: آیه ۹. ایضاً سفر لاویان، باب ۲۳: آیه ۲۲.) و در جای دیگر در رابطه به این موضوع هنگام درو و جمع کردن خرمن‌ها هرگاه بافه‌ای فراموش شد جایز نیست که برای برداشتن آن مجدداً به مزرعه برگردند(XXX سفر تثئیه باب ۲۴: آیه ۱۹: چون محصول خود را در مزرعه‌ی خویش درو کنی و در مزرعه بافه‌ای فراموش کنی برای برداشتن آن برنگرد برای غریب و یتیم و بیوه‌زن باشد تا خد-ایت تو را در همه‌ی کارها دستت برکت دهد.YYY) زیرا این بافه جهت غریبان و بیوه‌زان و خلاصه تهی‌دستان است. و نیز برای برداشت محصول درخت زیتون بیش از یک مرتبه تکانیدن شاخه جایز نیست.(سفر تثئیه، باب ۲۴: آیه ۲۰:

چون زیتون خود را بتکانی بار دیگر شاخه‌ها را متکان برای غریب و یتیم و بیوه باشد.) و در ادامه‌ی این آیه درمورد تاک انگور فرمانی مانند فرمان قبلی آمده است که بیش از یک مرتبه چیدن میوه این درخت (سفر تثنیه، باب ۲۴: آیه‌ی ۲۱: چون انگور تاکستان خود را بچینی بار دیگر آن را مچین برای غریب و یتیم و بیوه باشد.) را منع کرده است. و در جای دیگر حتی دانه‌چینی و جمع کردن خوشه‌های ریخته شده (سفر لاویان، باب ۱۹: آیه‌ی ۱۰ و تاکستان خود را دانه‌چینی مکن و خوشه‌های ریخته شده‌ی تاکستان خود را برمچین آنها را برای فقیر و غریب بگذار من خد-ای شما هستم.) منع شده است خوردن میوه‌ی درخت یک باغ تا آن جایی که انسان میل دارد بخورد جایز است لیک بیرون بردن آن از باغ منع گردیده است (XXX سفر تثنیه، باب ۲۳: آیه‌های ۲۴-۲۵: چون به تاکستان همسایه‌ی خود در آبی از انگور هرچه می‌خواهی به سیری بخور اما در ظرف هود هیچ مگذار. چون به کشت‌زار همسایه‌ی خود داخل شوی خوشه‌ها را به دست خود بچین اما داس بر کشت همسایه‌ی خود مگذار. YYY)

در رابطه با کشاورزی قانون دیگری است که مربوط می‌شود به حمایت از حیوانات و آن این است که که دهان گاو یا هر حیوان دیگر که مشغو خرمن‌کوبی است نباید بسته شود (سفر تثنیه، باب ۲۵: آیه‌ی ۴: دهن گاو را هنگامی که خرمن را خورد می‌کند مبنده). استفاده از گاو با خر همراه با هم برای شخم منع شده است (سفر تثنیه، باب ۲۲: آیه‌ی ۱۰: گاو و الاغ را با هم جفت کرده شیار مکن.) نهال درختی که برای اولین مرتبه غرس می‌شود میوه‌ی آن را تا سه سال نباید خورد و در سال چهارم تمام میوه‌ی آن درخت باید به خانه‌ی خد-ا برده شود. (XXX سفر لاویان، باب ۱۹: آیه‌های ۲۳-۲۵: پس میوه‌ی آن را مثل نامختونی آن بشمارید سه سال برای شما نامختون باشد خورده مشود. و در سال چهارم همه‌ی میوه‌ی آن برای تمجید خد-اوند مقدس خواهد بود و در سال پنجم میوه‌ی آن را بخورید. YYY) هر زمین زراعتی یا هر مزرعه‌ای که در آن گیاه‌ها کشت می‌شود بعد از شش سال استفاده و بهره‌برداری یعنی در سال هفتم آن

زمین را به حال خود گذاشته و برای تقویت آن زمین (آیش) چیزی در آن کاشته نمی‌شود. و گیاه‌هایی که بطور خودرو در سال هفتم در آن زمین می‌رویند استفاده از ثمره و محصول آنها منع گردیده است زیرا محصولات سال هفتم خوراک بهایم و حیوانات و پرندگان است (XXX سفر لاویان، باب ۲۵: آییه‌های ۷-۱ و ۲۱: شش سال مزرعه‌ی خود را بکار و شش سال تاکستان خود را پازش کن و محصولش را جمع ساز. و در سال هفتم سبت آرامی برای زمین باشد... آنچه از مزرعه‌ی تو خودرو باشد درو مکن... و برای بهایمت و برای جانورانی که در زمین تو باشند همه‌ی محصولش خوراک خواهد بود. YYY). ضمناً ده یک محصولات چه از تخم و میوه برای خد-است (XXX سفر لاویان، باب ۲۷: آییه ۳۰ و تمامی ده یک زمین چه از تخم چه از میوه‌ی درخت از آن خد-است و برای خد-ا مقدس می‌باشد. ایضاً سفر تثئیه، باب ۱۴: آییه ۲۲: عشر تمامی محصولات مزرعه‌ی خود را که سال به سال از زمین برآید البته بده. YYY) و آن را باید برای شکرگزاری به خانه‌ی خد-ا تقدیم کنند. برای اینکه در گرده‌افشانی و عمل لقاح گیاه‌ها و مرغوب شدن محصولات خللی ایجاد نشود کاشتن انواع تخم در یک زمین محدود منع گردیده است (XXX سفر تثئیه، باب ۲۲ آییه ۹: در تاکستان خود انواع تخم‌ها مکار مبادا محصول تخمی که کاشتی و میوه‌ی تاکستانت نجس شود. ایضاً سفر لاویان باب ۱۹: آییه ۱۹: ... زراعت خود را به انواع تخم مکار... YYY) امر کاشتن درخت‌ها و ایجاد باغ‌ها آنقدر مهم است که قوانین جنگی را تحت الشعاع خود قرار داده است بطوری که اگر کسی تاکستانی ایجاد کرده و از میوه‌ی آن بهره نبرده و نخورده است. هنگام جنگ و بسیج افراد نمی‌تواند به جنگ برود (XXX سفر تثئیه، باب ۲۰ آییه ۶: و کیست که تاکستانی را غرس کرده باشد و از آن بری (یعنی میوه‌ای) نخورده است روانه شده به خانه‌اش مراجعت کند مبادا که در جنگ بمیرد و دیگری از آن بخورد. YYY) در زمان وقوع جنگ بریدن درختان دشمن هم منع شده است (سفر تثئیه، باب ۲۰: آییه ۱۹). گذشته از اینها امر درختکاری به نوبه‌ی خود یکی از فرمان‌ها می‌باشد. (سفر لاویان، باب ۱۹: آییه ۲۳).

برای اینکه زحمات طاقت‌فرسای یک کشاورز که مدت یک سال زراعی بر روی زمین خویش می‌کشد از بین نرود و نیز برای اینکه همه کس حق زراع را نسبت به زمین خویش محترم بدانند و خودسرانه دسترنج و زحمات کشاورزان به هدر ندهند و گله‌های خود را برای چرانیدن زمین‌های مزروعی به آن مزرعه نبرند یا اینکه کسانی سهل‌انگاری کنند و آتش بیفروزند و در نتیجه محصولات جمع‌آوری شده را به باد بدهند. برای مجازات چنین کسانی و برای اینکه این‌گونه اعمال کمتر تکرار شود در کتاب مقدس تورات راجع به این امر (XXX سفر خروج، باب ۲۲: آیه‌های ۵-۶: اگر کسی مرتعی یا تاکستانی را بچراند یعنی مواشی خود را براند تا مرتع دیگری را بچراند از نیکوترین مرتع و از بهترین تاکستان خود عوض بدهد. اگر آتشی بیرون رود و خارها را فرا گیرد و بافه‌های غله یا خوشه‌های نادروده یا مزرعه‌ای سوخته گردد هر که آتش را افروخته است البته عوض بدهد. YYY) قوانینی آمده است.

۵- قحطی

چون صحبت از این شد که اکثر یهودیان در زمان‌های گذشته از راه کشاورزی و دامداری امرارمعاش می‌کردند لازم شد به اثراتی که قحطی بر روی زندگی این ملت گذاشته اشاره‌ای بشود. از نظر یهودیان قحطی و خشکسالی بدترین مصیبت بود و سخت از این واقعه‌ی شوم هراس داشتند زیرا در طول تاریخ این مصیبت بزرگ بارها زندگی افراد این قوم را که به کشاورزی وابسته بودند تهدید کرده بود. در کتاب مقدس به بروز چندین قحطی و خشکسالی برخورد می‌کنیم من جمله در زمان حضرت ابراهیم (XXX حضرت ابراهیم پدر جد بزرگوارم قوم یهود و عرب می‌باشد که از نسل سام یکی از پسران نوح و فرزند تارح در شهری به نام اور به دنیا آمد سفر پیدایش باب ۱۱: آیه‌های ۲۹-۲۷. سرگذشت زندگی او مفصل در سفر پیدایش از باب یازدهم الی بیست و پنجم آمده است.

حضرت ابراهیم با ایمان خالص و استواری که نسبت به خدا داشت بنا به عقیده مفسرین یهود

و طبق آیاتی که در کتاب مقدس آمده ده مرتبه مورد آزمایش خالق یکتا قرار گرفت و از آن جمله انداختن او را در میان آتش که مبدل به بهشت شد و ترک سرزمینی که در آن جا زاده شده بود به علت اینکه مردم آن دیار بت پرست بودند و عهد و پیمان ختنه که اولین مرتبه توسط او به اجرا رسید و خلاصه اطاعت فرمان خد-ا به قربانی کردن یگانه فرزندش که بسیار او را دوست می داشت و برایش عزیز بود اینها همه از جمله ی عمده ترین ده آزمایش هایی بود که خد-ا او را در بوته ی آزمایش قرار داد که از تمام آنها با ایمان پاکی که داشت سرافراز بیرون آمد و به قول آیه ی شریفه ی قرآن کریم: و ابراهیم الذی وفی. (و ابراهیم که تمام ادا کرد) سوره ی النجم آیه ی ۳۸. بنابراین بی جهت نیست که به او لقب خلیل الله داده اند و این لقبی ست که در خور ایمان او می باشد آن حضرت نزد همه ی ادیان مورد احترام می باشد. در قرآن کریم بارها و در آیات مختلف نام او برده شده است از آن جمله سوره ی آل عمران آیه ۶۱ و سوره ی حج آیه ۲۲ و الصافات آیه ۸۱ و سوره انبیاء آیه های ۵۲ و ۶۹ و سوره ابراهیم آیه ۳۸ و سوره انجم آیه ۳۸ و سوره عنکبوت آیه ۱۵ و سوره حدید آیه ۲۶

حتی سوره ی چهاردهم قرآن مجید به نام او می باشد در انجیل که کتاب مقدس مسیحیان می باشد، بارها از ایمان او یادآوری کرده است، در رساله به عبرانیان باب یازدهم نویسنده ی آن رساله (نویسنده ی رساله به عبرانیان به دقت معلوم نیست، احتمال دارد پولس رسول یا لوقا یا برنابا آنرا نوشته باشند) درباره ی ایمان او چندین آیه نوشته است لقب بت شکن دیگر لقبی است که به او داده اند. زیرا او بی شک اولین پیامبری بود که جداً بر ضد بت و بت پرستی قیام کرد و ما همه داستان جالب شکستن بت های پدرش را که در داستان های دینی یهود و اسلام آمده است خوانده ایم. خد-اوند متعال از زبان حضرت اشعیاء نبی او را دوست دار خود خطاب کرده است. کتاب اشعیاء نبی باب ۴۱: آیه ی ۸. "و ای یعقوب که تو را برگزیده ام و ای نسل دوست من ابراهیم."

اما زوجه ی او حضرت (ساره) سارا بود و چون برای سارا فرزندی نشده بود. سفر پیدایش، باب ۱۶: آیه های ۱-۱۶. هاجر کنیز مصری خود را به عنوان زوجه ی دوم به حضرت ابراهیم داد که نتیجه ی آن به دنیا آوردن فرزندی به نام اسماعیل بود (همان باب آیه ی ۱۶) اما بعد از سیزده سال خد-ا به او بشارت داد (سوره ی اصفاف. آیه ی ۱۱۲) که زوجه اش سارا حامله شده فرزندی ذکور به نام اسحاق به دنیا خواهد آورد که عهد و پیمان خود را با آن فرزند استوار خواهد کرد. سفر پیدایش باب ۱۷: آیه های ۱۹-۲۱. و آن هم زمانی بود که حضرت صد ساله بود. سفر پیدایش، باب ۲۱: آیه ی ۵. و همان کتاب، باب ۱۷: آیه ی ۱. بعد از به دنیا آمدن حضرت اسحاق هاجر و فرزندش اسماعیل راهی بیابان های عربستان شدند. سفر پیدایش باب ۲۱: آیه ۱۴. حضرت ابراهیم برای فرزندش اسحاق زنی به نام رفقه- دختر بتوئیل برادرزاده ی خویش گرفت. سفر پیدایش باب ۲۴: آیه های ۶۷-۱. آن حضرت در سن ۱۷۵ سالگی وفات یافتند. سفر پیدایش، باب ۲۵: آیه های ۷-۹.

و توسط فرزندانش اسحاق و اسماعیل در مغازه مکفيله که قبلاً زوجه اش سارا را در آنجا دفن کرده بود دفن کردند. سفر پیدایش، باب ۲۳: آیه های ۱۹-۲۰. نکته ی بسیار مهمی که باید از زندگی آن حضرت آموخت همانا ایمان به تمام معنای آن حضرت به خد-ا می باشد که در مقابل ایمان خود از هر چیزی در زندگی چشم پوشی می کرد بطوری که بارها و عملاً ثابت کرد. و این باید درس و نمونه ی بسیار خوبی برای همه ی افراد بشر باشد و در واقع پیروی از راه و روش آن حضرت یعنی پیشگیری از نفوذ و اثرات بد مادیات در ایمان خود نسبت به خد-ا (که متأسفانه در این دوره و زمانه بیش از هر زمان دیگری مشاهده می شود و بر اثر کوچکترین تغییر شرایط مادی یا نوسان فشارهای مادی در این اندک ایمان سست و ناپایداری که داریم اثر می گذارد.) خود را در مسیر برکات اعطاییه ی خد-ا قرار دهیم زیرا که به موجب قولی که خد-ا داده است تمام افراد جهان و کسانی که از ایمان حضرت ابراهیم پیروی می کنند برکت

خواهند یافت. سفر پیدایش باب ۱۸ آیه ۱۸، ایضاً، باب ۲۲: آیه ۱۸). چه بهتر که با تجدید نظر کردن بر افکار و ایمان خود و دادن تغییرات بهتر و شایسته به ایمان خود نسبت به خد-ا و پیروی از ایمان حضرت ابراهیم خود را لایق دریافت محبت‌های بی‌دریغ خد-ا قرار دهیم. (۷۷۷) یک قحطی پدید آمد که او ناچار شد به مصر برود (XXX سفر پیرایش، باب ۱۲، آیه ۱۰ و قحطی در آن زمین شد و ابرام به مصر فرود آمد تا در آنجا به سر برد زیرا که قحط در زمین شدت می‌کرد. (۷۷۷) چون از برکت رود نیل و زمین‌های حاصلخیز اطراف آن از قحطی مصون مانده بود. در زمان حصرت اسحاق (سفر پیدایش، باب ۲۶: آیه ۱، و قحطی در آن زمین حادث شد غیر آن قحط اول که در ایام ابراهیم بود...) قحطی دیگر پدید آمد. در سرزمین مصر با وجود داشتن رود نیل بعد از هفت سال فراوانی وفور و نعمت سرانجام قحطی سرایت کرد و آن هم هنگامی بود که حضرت یوسف (سفر پیدایش، باب ۴۱: آیه ۵۴ و هفت سال قحط آمدن گرفت چنان که یوسف گفته بود و قحط در همه‌ی زمین‌ها پدید شد لیک در تمامی زمین مصر نان بود.) در مصر به مصدر صدارت و عزیزی مصر رسیده بود. اگر مطالب کتاب مقدس را پیگیری کنیم و برسیم به زمانی که بنی‌اسرائیل وارد سرزمین کنعان شدند در آنجا هم به پیدایش چندین قحطی ضعیف و قوی برخورد می‌کنیم.

در زمان آحاو (XXX آحاو نام یکی از سلاطین اسرائیل است که حدود بیست و دو سال سلطنت کرد و پدرش عمری بود) (کتاب اول پادشاهان باب ۱۶: آیه ۲۹) این پادشاه یکی از پادشاهانی بود که بنی‌اسرائیل را به سوی دوری از خد-ا و بت‌پرستی سوق داد. دارای زنی بت‌پرست و خودخواه و خودکامه به نام ایزابل بود و چون خود وی دارای ایمانی قوی نبود تحت تأثیر افکار و گفته‌های زنش قرار می‌گرفت بطوری که در جریان تاکستان نابوت یزرعیلی که حکم قتل نابوت از طرف ایزابل صادر شد مشاهده می‌کنیم که چگونه اسیر افکار زنش بود (کتاب اول پادشاهان باب ۲۱، آیه‌های ۱۶-۱). بر هر صورت در زمان این شاه بعلت اینکه فسق و فجور

و بت پرستی در میان مردم رایج شده بود زمینه‌ی مناسبی برای ایجاد اتفاقات ناگوار و تلخ در زندگی مردم شد. در آخر امر این پادشاه فاسد در یکی از جنگ‌ها بطوریکه که خد-ا توسط حضرت الیاس گفته بود با طرز فجیعی کشته شد کتاب پادشاهان اول باب ۲۲ آیه‌های ۴۰—۲۹ (YYYY) پادشاه اسرائیل (XXX) بعد از وفات حضرت سلیمان بر اثر نفاقی که بین اسرائیل به وجود آمده بود کشور آنان به دو کشور به نام «اسرائیل و یهودا» تقسیم شد. رَحْبَعَام که به جانشینی پدرش سلیمان به تخت رسیده بود توجهی به اعتراض شدید مردم نسبت به وجود عذاب و مالیات‌های سنگینی که پدرش وضع کرده بود نکرد و خواسته اکثریت مردم زحمت‌کش را در نظر نگرفت حتی مشورت پیران و کسانی که در کار کشورداری امور مملکتی تجربه کافی داشتند و وی را راهنمایی می‌کردند نادیده گرفته و به مشورت جوانان و دوستان کم تجربه‌ی خویش توجه کرد. و به عوض اینکه به مردم با محبت و خوش‌رویی برخورد کند برعکس تندخویی کرده و وعده‌ی عذابها و مالیات‌های بیشتری به توده مردم زحمت‌کش داد. پادشاه قوم را به سختی جواب داد و مشورت مشایخ را که به وی داده بودند ترک کرده و موافق مشورت جوانان ایشان را خطاب کرده گفت پدرم یوغ شما را سنگین ساخت اما من یوغ شما را زیاده خواهم گردانید. پدرم شما را به تازیانه‌ها تنبیه می‌کرد اما من شما را به عقرب‌ها تنبیه خواهم کرد و پادشاه قوم را اجابت نکرد زیرا که این امر از جانب خد-ا شده بود... کتاب اول پادشاهان باب ۱۲، و کتاب دوم تواریخ‌الایام، باب دهم.

نتیجه‌ی این جواب گویی و برخورد ایجاد شورش عظیم و سریچی اکثریت بنی‌اسرائیل شد بطوری که ده سبط از دوازده اسباط به سرکردگی شخصی در حال تبعید در مصر به نام یربعام بن نباط (این شخص بعداً گمراه شده و موجب فساد مردم شد) بر ضد جانشین حضرت سلیمان قیام کردند و کشوری به نام اسرائیل که مرکز آن سامره بود تشکیل دادند و دو سبط دیگر که به رَحْبَعَام وفادار مانده بودند کشور خود را یهودا نامیده و مرکزش را اورشلیم قرار دادند. (YYY)

که با پیغمبری حضرت الیاس(XXX) حضرت الیاس یکی از پیامبران بزرگ و شجاع و دلیر یهود می‌باشد که به امر خد-ا بر ضد پادشاهان و درباریان اسرائیل بخصوص آحاو که توده‌ی مردم رابه پرستش بَعْل و عشتاروت(نام بت‌های اهالی بت پرست فنیقیه و کنعانیان بود) تشویق می‌کرد قیام کرد و مدت پانزده سال با جدیت تمام مبارزه ای سرسختانه‌ای داشت در طی این مدت که معجزات بسیار انجام داد سرانجام بعد از بروز سه سال قحطی و آمدن آتش و غضب خد-ا از آسمان و سوزانیدن بیش از هشت صد نفر از پیامبران بَعْل توده‌ی مردم بیدار شده و با هم یک کلام شده به فرمان خد-ا گوش دادند و بعد از اینکه یکپارچه و متحد شدند کافران و بت پرستان را از میان خویش نابود ساختند کتاب اول پادشاهان، باب ۱۹

حضرت الیاس بعد از حضرت موسی یکی از پیامبرانی بود که به مدت چهل روز روزه گرفت آن حضرت الیشاع نبی را به جانشینی خویش برای نبوت انتخاب کرد یکی از عجایب زندگی حضرت الیاس صعود آن حضرت به آسمان می‌باشد. طبق آیات کتاب مقدس آن حضرت توسط کالسکه‌ی آتشی به آسمان صعود نمود و هنگام صعود حضرت الیشاع و پنجاه نفر از پسران انبیاء این صحنه‌ی عجیب را دیدند. کتاب دوم پادشاهان باب ۲. حضرت ملاکی یکی از پیامبران(آخرین نبی) پیش‌بینی و نبوت کرده که حضرت الیاس قبل از آمدن ماشیح(مسیح موعود) ظهور می‌کند. کتاب ملاکی نبی باب ۴: آیه ۵. در قرآن کریم پیرامون مبارزه‌ی حضرت الیاس برای ارشاد مردم بر ضد بعل آیاتی آمده است از آن جمله در سوره‌ی الصافات آیه‌های ۱۲۳-۱۳۰ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (و بدرستیکه الیاس هر آینه از مُرْسَلین است). (YYY)مصادف بود یک قحطی نسبتاً شدید(کتاب اول پادشاهان، باب ۱۸: آیه ۲). بروز کرد.

بعد از سپری شدن این قحطی که بر اثر گرایش بنی اسرائیل به بعل و عشتاروت بوجود آمده بود بعد از مدت کمی یعنی در زمان الیشاع(XXX) حضرت الیشاع نام دیگری از پیامبران یهود

می‌باشد که بعد از حضرت الیاس حدود شصت سال نبوت کرد طبق خواهشی که حضرت الیشاع از حضرت الیاس کرد از آن حضرت تقاضا کرد که نصیب مضاعف روح آن حضرت به وی داده شود. بنابراین حضرت الیشاع معجزات بسیاری کرد (کتاب دوم پادشاهان، باب ۲: آیه ۹). از جمله معجزاتی که آن حضرت کرد بدین قراراند. برکت دادن مانده‌ی روغن بیوه زنی که شوهرش از ایمان داران بود و بدهکاری زیاد داشت. زنده کردن پسر بچه‌ای که مرده بود. و دور کردن مرض برص از نعمان و خلاصه‌ی معجزات دیگر که می‌توان شرح مفصل آنها را در کتاب دوم پادشاهان با بهای ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۴ مطالعه کرد: مهربانی و سادگی آن حضرت جزء صفات مشخصه‌اش بودند. (۷۷۷) جانشین حضرت الیاس بر اثر محاصره دشمن در شهر سامره قحطی (کتاب دوم پادشاهان، باب ۶: آیه ۲۵). پدید آمدن با در نظر گرفتن آیات فوق به این نتیجه می‌رسیم که عقیده‌ی مردم و انبیاء یهود بر این اصل استوار است که بروز بعضی از قحطی‌ها و خشک‌سالی‌ها از جانب خد-است و آن هم در صورتی است که بنی‌اسرائیل از دستورهای و فرمان‌های خد-ا سرپیچی کنند. خد-ا بارها توسط انبیاء این نکته را یادآوری فرموده که اگر فرمان‌ها و فرایض وی را بعمل نیاورند به این مصیبت دچار خواهند شد در کتاب حزقیال نبی باب پنجم آیاتی در این باره آمده است: بنابراین خد-ا چنین می‌گوید چون که شما زیاده از امت‌هایی که گرداگرد شما می‌باشند غوغا کردید و به فرایض من سلوک نکرده احکام مرا بعمل نیاوردید...

و چون تیرهای بد قحطی را که برای هلاکت می‌باشد من آنها را به جهت خرابی شما می‌فرستم در میان شما انداخته باشم آنگاه قحط را بر شما سخت‌تر خواهم گردانید و عصای نان شما را خواهم شکست. و قحط و حیوانات درنده در میان تو خواهم فرستاد. یوئیل نبی هم در باب اول کتاب خویش عواقب بد قحطی و عوارض بعدی آن را به نحو شایسته‌ای مجسم کرده است و طی همین باب از گناه‌کاران خواسته که توبه کرده تا دچار این بلای آسمانی نگردند.

عاموس نبی در باب ۴ کتاب خویش گفته‌هایی مانند گفته‌های حزقیال نبی دارد: خد-ا می‌گوید به سوی من بازگشت نکردید. و من نیز حینی که سه ماه تا درو مانده بود باران را از شما منع کردم... و شما را به باد سموم و یرقان مبتلا ساختم و ملخ بسیاری از باغ‌ها و تاکستان‌ها و انجیرها و زیتون‌های شما را خورد مع‌هذا خد-ا می‌گوید به سوی من بازگشت نکردید.

حجی نبی در باب اول کتاب خویش از قول خد-ا چنین گفته: از این سبب آسمان‌ها به خاطر شما از شب‌نم بازداشته می‌شوند و زمین از محصولش بازداشته می‌گردد. و من بر زمین و بر کوه‌ها و بر غله و عصیر انگور و روغن زیتون و بر هر آنچه زمین می‌رویاند و بر انسان و بهایم و تمامی مشقت‌های دست‌ها خشکسالی را خواندم. عقیده‌ی برخی از علمای دینی یهود بر این است که ندادن ده یک مال خود موجب بروز قحطی و شورش می‌گردد (میشنا پیرقه‌آووت: فصل پنجم). و برعکس در رابطه با این موضوع در کتاب مقدس به آیاتی برخورد می‌کنیم که خد-ا به کسانی که نسبت به فرمان‌های وی وفادار باشند به کلیه‌ی محصولات آنان برکت خواهد بخشید حضرت سلیمان عقیده دارد که صدقه دادن و بخشش در راه خد-ا موجب وفور نعمت محصولات کشاورزی خواهد شد: از مایملک خود خد-ا را تکریم کن و از نوبرهای همه‌ی محصول خویش. آنگاه انبارهای تو به وفور نعمت پر خواهد شد. و چرخش‌های تو از شیرهی انگور لبریز خواهد گشت. (کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۳: آیه‌های ۹-۱۰).

بخش دوم تغذیه در قوم یهود*** ۱- آداب غذا خوردن

در میان اقوم و ملل دنیا شاید قوم یهود تنها قومی باشد که بیش از سایرین به آداب غذا خوردن و تغذیه اهمیت می‌دهد. زیرا دین یهود در این مورد دارای قوانین متعدد و آداب و رسوم بخصوصی است که پیروان خود را با تأکید فراوان به اجرا و مراعات آنها توصیه می‌کند. طبق این قوانین هر فرد یهودی موظف است قبل از آن که لقمه نانی بخورد اول دست‌های خود را کاملاً شسته و بعد از خواندن دعای مخصوص شستشوی دست و دعای مخصوص قبل از صرف غذا (هموصی) آن وقت غذای خویش را میل کند. بعد از صرف غذا مجدداً لازم است دستها را شسته و دعای مخصوص بعد از صرف غذا (نوارخ) که علمای یهود بدین منظور تدوین کرده‌اند قرائت کند. در سفر لاویان چندین آیه مشاهده می‌شود که خد-ا بنی‌اسرائیل را خطاب کرده که افراد این قوم باید در اجرای فرمان‌هایی که خد-ا به آنان داده کوشا باشند و سعی کنند که افرادی مقدس (XXX سفر لاویان، باب ۱۹: آیه‌های ۱-۲. خد-ا به موسی گفت: تمامی جماعت بنی‌اسرائیل را بگو، مقدس باشید زیرا که من خد-ای شما قدوس هستم. ایضاً سفر لاویان، باب ۱۱: آیه ۴۴: زیرا من خد-ای شما هستم پس خود را تقدیس کنید و مقدس باشید زیرا من قدوس هستم... ایضاً، سفر لاویان باب ۲۰ آیه‌های ۷ و ۲۶. ایضاً سفر خروج باب ۱۹ آیه‌های ۵-۶ (YYY) باشند.

علمای یهود (گنجینه‌ای از تلمود صفحه‌ی ۲۶۲ قوانین بهداشتی: نظافت نه تنها یکی از شرایط دینداری است بلکه مهم‌ترین بخش آن محسوب می‌گردد. شستن دست‌ها را پیش از طعام، قویاً توصیه کرده‌اند.) از متن این آیات چنین برداشت کرده‌اند که مراعات کردن پاکیزگی موجب می‌شود که افراد بشر به مرحله‌ی مقدس شدن نزدیک‌تر شوند، بنظر می‌رسد که در ایام قدیم نظربه این که وضع و شکل کفش‌ها طوری بود که گرد و خاک به پاها سرایت می‌کرده است.

علاوه از شستن دست‌ها همراه آن شستن پاها (XXX سفر پیدایش باب ۱۸: آیه‌های ۵-۴: اندک آبی بیاورند تا پای خود را شسته در زیر درخت بیارامید. و لقمه‌ی نانی بیاورم تا دل‌های خود را تقویت دهید. ایضاً سفر پیدایش، باب ۲۴: آیه‌های ۳۲-۳۳: پس آن مرد به خانه درآمد و لابان شتران را باز کرد... و آب به جهت شستن پاهایش و پاهای رفقاییش آورد. و غذا پیش او نهادند... ایضاً داوران

باب ۱۹ آیه ۲۱ پس او را به خانه برده به الاغها خوراک داد و پاهای خود را شسته خوردند و نوشیدند. (YYY) برای پاک نگاه داشتن آنها از آلودگیهای گردوغبار و آماده شدن جهت صرف غذا معمول بوده بطوری که طی قرون متمادی جزء عادات آنان گردیده چنان که این که رسم در زمان حضرت عیسی (انجیل لوقا، باب ۷: آیه ۴۴). هم متداول بوده است. حتی در یک مورد حضرت عیسی به شستن پاهای شاگردانش مبادرت می کرد (XXX انجیل یوحنا، باب ۱۳: آیه های ۹-۴: پس آب در لگن ریخته شروع کرد به شستن پاهای شاگردانش و خشکانیدن آنها با دستمالی که بر کمر داشت. (YYY).

در مورد اینکه طبق چه فرمان و آیه ای افراد قوم یهود مکلف می باشند بعنوان شکرگزاری بعد از صرف غذا دست نیایش به درگاه خد-ا دراز کرده و از نعمتهایی که خد-ا به آنان ارزانی داشته سپاسگزاری کنند همانا طبق مفاد آیه ای می باشد در باب هشتم سفر تثئیه (سفر تثئیه، باب ۸: آیه ۱۰: و خورده سیر خواهی شد و خد-ای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است متبارک خواهی خواند). آمده است. هر چند دعایی که امروزه قرائت می شود در ایام قدیم و روزهای نخستین به این صورت نبوده بلکه بعد از خرابی بیت المقدس توسط علمای یهود تکمیل و تدوین گشته و بصورت امروزی درآمده است. بنظر می رسد که بعد از حضرت موسی این فرضیه دینی در بین این قوم با دقت تمام اجرا می شده است (کتاب اول سموئیل، باب نهم: آیه ۱۳). در آیین مسیحیت این فرضیه تا به امروز در بین آنان به صورت دیگر و ساده تر متداول است زیرا خود حضرت عیسی به اجرای آن می کوشید و در هنگام غذا خوردن نان را برکت می گفت. (XXX انجیل متی، باب ۱۴: آیه ۱۹: و پنج نان و دو ماهی را گرفته به سوی آسمان نگریسته برکت داد... ایضاً انجیل مرقس، باب ۸، آیه ۶. ایضاً انجیل متی باب ۱۵: آیه ۳۶. (YYY) حتی در شام آخر که می خواستند وی را توسط یکی از حواریون خود به نام یهودای (XXX حضرت عیسی دوازده شاگرد داشت که به نام حواریون مشهور بودند و اغلب اوقات با آن حضرت همراه بودند. نام این دوازده خواری و مأموریت آنان در انجیل متی باب دهم آمده است و یهودای اسخر یوطی که عیسی را تسلیم کرد یکی از این شاگردان بود که

به آن حضرت خیانت کرد. علاوه از انجیل متی در انجیل مرقس هم نامی از دوازده حواریون برده شده است که عبارتند بودند از: ۱- شمعون (پطرس) ۲- یعقوب پسر زبدی ۳- یوحنا ۴- اندریاس ۵- فیلیپس ۶- برتولیا ۷- متی ۸- لوقا ۹- یعقوب بن حلفی ۱۰- تدی ۱۱- شمعون قانوی ۱۲- یهوذا اسخریوطی. (۷۷۷) اسخریوطی دستگیر کنند از انجام این عمل کوتاهی نکرد (XXX انجیل متی، باب ۲۶: آیه ۲۶: و چون ایشان (شاگردان عیسی) غذا می خوردند عیسی نان را گرفته برکت داد و پاره کرده به شاگردان داد ایضاً انجیل مرقس، باب ۱۴: آیه ۲۲. ایضاً لوقا، باب ۲۲: آیه ۱۹. (۷۷۷)). اما جای تعجب است که در آیین مسیح برای شستن دست‌ها جهت صرف غذا زیاد اهمیت داده نشده و روی آن تأکید نکرده (XXX انجیل متی باب ۱۵: آیه ۲۰: لیک خوردن به دست‌های نشسته انسان را نجس نمی‌گرداند، ایضاً انجیل لوقا، باب ۱۱: آیه ۳۸: اما فریسی چون دید که پیش از چاشت دست نشست تعجب کرد. (۷۷۷) با در نظر گرفتن اهمیتی که تورات به شستن دست‌ها و خواندن شکرانه بعد از صرف غذا داده است بی‌مناسبت نیست که علمای یهود گناه انجام ندادن این فرمان‌ها را با گناه‌های کبیره مساوی دانسته‌اند، من باب مثل طبق فتوای علمای یهود که در تلمود آمده است گناه نشستن دست‌ها با گناه‌های بزرگ مانند ارتکاب گناه با یک روسبی را در یک سطح دانسته‌اند (XXX کتاب گنجینه‌ای از تلمود. ترجمه شده به فارسی صفحه ۲۶۲: هرآن کس که دست نشسته نان و غذا تناول کند، چنان است که گویی با یک روسبی مرتکب گناه شده است و غیره. (۷۷۷) یا در مورد نخواندن شکرانه و دعای مخصوص صرف غذا هم همین عقیده را دارند و یکی از علمای یهود گفته است که شخصی که بعد از صرف غذا به خواندن دعای (نوارخ) پردازد مانند این است که از غذای بت‌پرستان استفاده کرده (میشناه پیرقه آووت، فصل سوم بند ۴). در بین یهودیان رسم بر این است که اگر از دو نفر بیشتر به صرف غذا مشغول می‌باشند یک نفر به نمایندگی از آنان دعای صرف غذا را با صدای بلند می‌خواند و سایرین موظف می‌شوند که با کمال دقت و حوصله به آن دعا گوش دهند و این امر برای آن خواننده افتخاری می‌باشد که به نمایندگی از دوستان خویش به درگاه خدا- شکرگزاری می‌کند. و معمولاً در یک مجلس یا مهمانی صاحب مجلس یا صاحب‌خانه یا یک نفر ریش‌سفید یا مهمان این وظیفه‌ی مهم را انجام می‌دهند و در غیر اینصورت این وظیفه را کاهنان یا

محصلین به عهده می گیرند.

دعای شکرانه بعد از غذا یا نوارخ (بیرکت همازون) به چهار قسمت تقسیم شده که در هر قسمت یک براخا (برکت) وجود دارد که چگونگی تدوین آن به این شرح می باشد.

قسمت اول بیرکت هزان نامیده می شود که بعد از صدور فرمان الهی به حضرت موسی مبنی به گفتن براخا چه قبل و بعد از صرف غذا در بیابان سینا داده شد (سفر تثنیه باب ۸: آیه ی ۱۰) که طی آن از لطف خدا که شامل حال کلیه مخلوقاتش و روزی دهنده ی موجودات زنده می باشد (کتاب مزامیر حضر داوود باب ۱۴۵: آیه های ۱۵-۱۶) سپاسگزاری می شود. دومین براخا یا بیرکت هاآرص که در زمان حضرت یهوشوع جانشین حضرت موسی موقیکه به سرزمین مقدس رسیدند، از اینکه خد-اوند سرزمینی نیکو پربرکت و حاصل خیزی به آنها عصا فرمود به دعای شکرانه بعد از غذا افزوده شد.

و سومین براخا یا بیرکت یورشالاییم (اورشلیم) در زمان حضرت داوود و حضرت سلیمان به عنوان سپاس به مناسبت انتخاب اورشلیم و محل قرار گرفتن جانگاہ جلال الهی بت همیقداش (بیتالمقدس) و شهری مقدس تدوین گردید. در نهایت براخای چهارم به علت اتفاقات ناگواری که بعد از خرابی بت همیقداش توسط فرمانروایان بیگانه به وقوع پیوست منجمله واقعه ی بیتار و سپس نجات یافتن یهودیان از شر دشمن و از ظلم و ستم بیگانگان براخای دیگری به مجموعه ی شکرانه بعد از غذا افزوده شد.

و در خاتمه این دعا با آرزوی برقراری صلح و آرامش جهانی برای همه افراد بشر بعد از صرف غذا نکته ی جالبی گفته اند که به نظر خوانندگان محترم می رساند.

آیه ۱۰: از باب ۸ سفر تثنیه

و خورده و سیر خواهی شد و خد-ای خود را مبارک بخوان به جهت زمین نیکویی که به تو داده

اما برداشت مفسرین:

براخای اول: بیرکت هزان برابر است «خورده و سر خواهی شد و خد-ای خود را مباک بخوان»

براخای دوم: برکت ها آرص برابر است با «زمین»

براخای سوم: بیرکت یروشالایم (اورشلیم) برابر است با «نیکویی» سفر تثنیه باب ۳ آیه ۲۵

براخای چهارم: به تو داده است، برابر است با خد-ایی که به ما خوبی کرده و شبان ماست.

اما راجع به کیفیت و کمیت و فرق بین پاکی و پلیدی طعام که در تورات بارها (سفر لاویان، باب ۱۰: آیه ۱۰. ایضاً، باب ۱۱: آیه ۴۷ ایضاً سفر تثنیه باب ۱۴: آیه ۳.) بر روی آن تأکید شده علمای یهود را بر آن داشته که توصیه‌های فراوانی در مورد فراهم کردن غذا و آماده کردن آن برای خوردن بکنند تا اینکه غذایی که حاضر به صرف آن می‌شود عاری از هر گونه پلیدی و ناپاکی باشد و جان و جسم را آلوده نکند (راجع به این موضوع در سطورهای بعدی مختصر مطالبی باز خواهد آمد) برای هر فرد یهودی مقرر شده است که در هنگام صرف غذا به یاد فقرا و تهی‌دستان باشد و سهمی از غذای خویش را برای آنان اختصاص دهد. و در صورت امکان در کنار سفرهی خویش از آنان پذیرایی کند. با در نظر گرفتن اینکه هم خوراک شدن با بت‌پرستان و مشرکان در دین یهود منع گردیده لیک در عوض قوم یهود در طول تاریخ طولانی خود خصلت مهمان‌نوازی خویش را به خوبی نشان داده و همیشه افراد این قوم با گشاده‌رویی و علاقه‌ی فراوان آماده پذیرایی از مهمانان و غریبان و مسافران در منزل خود بوده‌اند و این خصلت نیک را از اجداد خویش به ارث برده‌اند. بطور نمونه باید از جد بزرگوار این قوم یعنی حضرت ابراهیم نام برد که در شدت گرما در کنار منزل خویش انتظار ورود مهمان می‌کشید و در می‌یابیم هنگامی که مهمانی وارد منزل آن حضرت می‌شد چگونه به وجد می‌آمد و از گوشت بهترین حیوانات و تازه‌ترین خوراک‌ها همراه با همسرش سارا برای مهمانان خویش حاضر می‌کرد (XXX سفر پیدایش، باب ۱۸: آیه‌های ۸-۱: و او در گرمای روز به در خیمه نشسته بود... و چون ایشان را دید از در خیمه به استقبال ایشان شتافت... پس ابراهیم به سوی رمه شتافت و گوساله‌ی نازک (جوان) خوب گرفته تا بزودی آن را طبخ کند. پس کره و شیر و گوساله را که ساخته بود گرفته پیش روی ایشان گذاشت و خود در مقابل ایشان زیر درخت استاد

تا خوردند. (YYY) و مانند خدمت‌گزاری کنار آنان می‌ایستاد تا مهمانان غذای خویش را صرف می‌کردند. در کتاب مقدس به شواهد دیگری در این مورد برخورد می‌کنیم که علاقه‌ی یهودیان را نسبت به مهمان‌نوازی ثابت می‌کند زیرا این فرضیه یکی از مهم‌ترین فرمان‌هایی می‌باشد که خد-اوند به این قوم داده است. و قوم یهود همیشه این فرمان الاهی را دائم سرلوحه زندگی خویش قرار داده و آن را جزو اساسی‌ترین ارکان دین خود دانسته‌اند. (XXX سفر لاویان، باب ۱۹: آیه‌ی ۳۴. غربی که در میان شما مأوی گزیند مثل متوطن از شما باشد و او را مثل خود محبت کن زیرا که شما در زمین مصر غریب بودید... YYY).

افراط و تفریط در غذا خوردن هم نکوهیده شده است. حضرت سلیمان در این خصوص مناجاتی کرده که دانستن آن خالی از لطف نیست زیرا اثرات منفی هر کدام را در قالب این مناجات بیان کرده است: مرا نه فقر و نه دولت به خوراکی که نصیب من باشد مرا پرور. مبدا سیر شده تو را انکار کنم و بگویم که خد-ا کیست و مبدا فقیر شده دزدی کنم و اسم خد-ای خود را به باطل برم (کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۳ آیه‌های ۹-۷).

۲- پخت‌وپز

در کتاب مقدس آیات زیادی راجع به چگونگی طبخ غذا یا تنوع آنها به چشم نمی‌خورد، لیک با اندکی دقت و کنجکاوی می‌توان از اشاراتی که در این باره شده است به نتایجی رسید، از قرائن چنین بنظر می‌رسد که غذای بنی‌اسرائیل روی هم‌رفته ساده بوده و اغلب پایبند فراهم کردن انواع غذاها و تنوع دادن به آنها نبوده‌اند و برای طبخ غذا از وسائل و اجاق‌های نسبتاً ساده‌ای استفاده می‌کردند.

اولین مرتبه‌ای که در کتاب مقدس به پختن غذا اشاره شده است مربوط به پختن آش عدس توسط حضرت یعقوب می‌باشد (سفر پیدایش، باب ۲۵ آیه‌های ۳۴-۲۹). هنگامی که بنی‌اسرائیل وارد سرزمین کنعان شدند برای فراهم کردن غذا برای افراد و گروه‌های دسته‌جمعی و مهمانی‌ها از افرادی که شغل آنان طبابخی بود در این مواقع استفاده می‌بردند (کتاب اول سموئیل، باب ۹ آیه‌های ۲۴-۲۳).

هر چند که مصرف گوشت در بین ایشان زیاد رواج نداشت (در صفحات بعد راجع به گوشت مطالبی خواهد آمد). لیک آن را بصورت آب‌پز (آب‌گوشت) می‌خوردند و گاهی اوقات و بندرت روی آتش سرخ کرده می‌خوردند برای پختن گوشت بصورت آب‌گوشت یا آش دیگ‌هایی فراهم می‌کردند (کتاب دوم پادشاهان، باب ۴: آیه‌های ۳۸-۴۱). واز هیزم و خار برای پخته شدن و بعنوان سوخت استفاده می‌کردند (کتاب مزامیر، باب ۵۸: آیه ۹. ایضاً کتاب جامعه، باب ۷: آیه ۶). و غذای خود را با دست و در حالت نشسته روی زمین می‌خوردند (سفر پیدایش، باب ۴۳: آیه ۳۳. ایضاً کتاب اول سموئیل، باب ۲۰ آیه ۲۴). اما نان ایشان در درجه‌ی اول از گندم بود زیرا مورد استفاده اغلب طبقات بود و گاهی اوقات هم از جو (سفر داوران، باب ۷: آیه ۱۳). برای تهیه‌ی نان استفاده می‌کردند. بطوری که گفته شد نان گندم غذای عمده‌ی آنان بود و حضرت داوود در یکی از مزامیرش عقیده دارد که چیزی بهتر از نان به دل انسان نیرو نمی‌دهد (کتاب مزامیر، باب ۱۰۴: آیه ۱۵). و چهره‌ی او را به روغن شاداب و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند. معمولاً پختن نان برای مصارف شخصی و خانوادگی کار زنان خانه دار بود (کتاب اول سموئیل، باب ۸: آیه ۱۳. ایضاً کتاب دوم سموئیل، باب ۱۳: آیه ۸. کتاب ارمیاء نبی، باب ۷: آیه ۱۸. ایضاً کتاب اول سموئیل باب ۲۸: آیه ۲۴). البته برای پختن نان برای مصارف بیشتر و جمعیت انبوه کسانی (کتاب هوشع نبی، باب ۷ آیه‌های ۴ و ۷). بوده‌اند که شغل و حرفه‌ی آنان نانوايي بوده و در مقابل دریافت اجرتی در مقابل انجام کار نانوايي زندگی خویش را اداره می‌کردند و نان را در تنورهایی که در منازل یا تنوره‌های مخصوصی که در زمین منزل یا بیرون از منزل فراهم کرده بودند بعمل می‌آوردند. پختن نان و آماده کردن خوراکی برای اهل خانواده و تهیه‌ی مقدمات پذیرایی برای مهمانان یکی از وظایف مهم زنان یهودی بوده و آن را وظیفه‌ای مقدس می‌دانستند. کما این که ساره (ساره) زوجه حضرت ابراهیم خود شخصاً همراه با همسرش حضرت ابراهیم این وظایف (سفر پیدایش، باب ۱۸: آیه ۶: پس ابراهیم به چادر نزد سارا شتافت و گفت. که تعجیل کرده سه پیمانه آرد رقیق خمیر کرده گرده‌ها را بر اجاق بپز). را انجام می‌داد. یا درجای دیگر در کتاب امثال سلیمان نبی آنجایی که حضرت سلیمان صفات خوب و

پسندیده‌ی یک خانه‌دار را شرح می‌دهد وظایف گفته شده‌ی بالا را جزء صفات یک زن بسیار خوب و ایده‌آل می‌شمارد(XXX کتاب امثال سلیمان‌نبی، باب ۳۱، آیه‌های ۱۰ و ۱۵: کیست که زن هنرمند را پیدا تواند کرد که بهایش از مرواریدها زیاده است و هنوز شبانه است که برمی‌خیزد و خوراکی به اهل خانه خود داده.YYY) افراد قوم یهود نسبت به غذاهایی که از غلات و حبوبات تشکیل شده بود علاقه‌ی زیادی نشان می‌دادند و این نوع غذاها سهم مهمی از برنامه‌ی غذایی آنان را تشکیل می‌داد. علاوه از گندم و جو که از آن برای تهیه‌ی نان استفاده می‌کردند، بارها در کتاب مقدس از این دو محصول مهم کشاورزی نامی برده شده‌است و سرزمین کنعان را به وفور این محصولات توصیف کرده است(XXX سفر تثئیه باب ۸: آیه‌ی ۸: زمینی که پر از گندم و جو و... است. ایضاً کتاب اشعیاء‌نبی، باب ۲۸: آیه‌ی ۲۵. ایضاً، سفر پیدایش، باب ۳۰: آیه‌ی ۱۴.YYY. از انواع خوراک‌هایی که از عدس تشکیل شده بود علاقه داشتند و آن را هم زراعت می‌کردند و اغلب بصورت پخته شده در آب(سفر پیدایش، باب ۲۵: آیه‌ی ۳۴: و یعقوب نان و آش عدس را به عاسو داد که خورد و نوشید.) (آش عدس) یا بصورت برشته شده همراه با سایر غلات مانند باقلا و نخود می‌خوردند. (کتاب دوم سموئیل باب ۱۷: آیه‌ی ۲۹).

حضرت دانیال‌نبی و رفقاییش در زمانی که در بابل به سر می‌بردند برای اینکه خود را با خوراک‌های کلدانیان آلوده نسازند سفارش تهیه‌ی غذاهایی را دادند که از حبوبات تشکیل شده بود.(XXX کتاب دانیال‌نبی، باب ۱: آیه‌های ۱۷-۸: اما دانیال در دل خود قصد کرد که خویش را از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشد نجس نسازد... پس دانیال به رئیس ساقیان... گفت: مستدعی آن که بندگان خود را ده روز تجربه کنی و به ما بقول برای خوردن بدهند و آب به جهت نوشیدن ... و بعد از انقضای ده روز معلوم شد که چهره‌های ایشان از سایر جوانانی که طعام پادشاه را می‌خوردند نیکوتر و فربه‌تر بود.YYY) و همچنین قوم یهود برای خوش طعم کردن غذاها از سبزی‌هایی(کتاب دوم پادشاهان، باب ۴: آیه‌ی ۳۹.) مانند نعناع و گشنیز(اشعیاء‌نبی، باب ۲۸: آیه‌های ۲۵ و ۲۷.) و از ادویه‌ها زیره(اشعیاء‌نبی، باب ۲۸: آیه‌های ۲۵ و ۲۷.)- بادیان-دارچین(سفر خروج، باب ۳۰: آیه‌ی ۲۳ و کتاب

غزل‌های سلیمان‌نبی، باب ۴: آیه‌ی ۱۴) و زعفران (کتاب غزل غزل‌های سلیمان‌نبی، باب ۴: آیه‌ی ۱۴). استفاده می‌کردند.

۳- روغن

استفاده از روغن به عناوین مختلف معمول بوده و اغلب برای پختن غذا از آن استفاده کردند، روی‌هم‌رفته مصرف روغن‌های گیاهی از روغن‌های حیوانی بیشتر بوده در میان روغن‌های گیاهی که نسبتاً زیاد مصرف می‌شد روغن زیتون بود، زیرا درخت آن در سرزمین کنعان به وفور کشت (سفر تثنیه، باب ۶: آیه‌ی ۱۱. ایضاً سفر تثنیه، باب ۲۸: آیه‌ی ۴۰ تو را در تمامی حدودت درخت‌های زیتون خواهد بود). می‌شد بطوری که این سرزمین بارها در کتاب مقدس به عنوان زمینی که در آن درخت زیتون به خوبی می‌روید و به عمل می‌آید توصیف شده است (سفر تثنیه، باب ۸، آیه‌ی ۸. زمینی که پر از زیتون زیت و عسل است. ۷۷۷) بنابراین روغن زیتون از عمده‌ترین روغن‌هایی بود که در بین قوم یهود مصرف می‌شده ضمناً چون تولید و مصرف آن زیاد بوده همراه با سایر روغن‌ها جزء مهم‌ترین اقلام تجاری (کتاب اول تواریخ‌الایام، باب ۲۷، آیه‌ی ۲۸. ایضاً کتاب حزقیال‌نبی، باب ۲۷: آیه‌ی ۱۷. کتاب دوم تواریخ‌الایام، باب ۳۲: آیه‌ی ۲۸. کتاب عزرا باب ۳: آیه‌ی ۷) بوده و عده‌ای از طبقات مردم با آن دادوستد (کتاب اول پادشاهان، باب ۴: آیه‌ی ۷: و او وی را گفت، برو و روغن را بفروش و قرض خود را ادا کرده تو و پسرانت از مانده آن گذران کنید). می‌کردند از روغن زیتون علاوه بر مصرف آن در پختن (کتاب اول پادشاهان، باب ۵: آیه‌ی ۱۱. ایضاً کتاب دوم تواریخ‌الایام، باب ۲: آیه‌ی ۱۰. کتاب حزقیال‌نبی، باب ۱۶: آیه‌ی ۱۳). غذا در پختن نان هم معمول بوده و هم چنین بعنوان منبع مهم تهیه‌ی روشنایی یا با سایر روغن‌ها از آن استفاده می‌کردند (سفر خروج، باب ۲۵: آیه‌ی ۶. ایضاً سفر خروج، باب ۳۵: آیه‌ی ۸. سفر خروج، باب ۳۹: آیه‌ی ۳۷ ایضاً سفر اعداد، باب ۴: آیه‌ی ۱۶). و آن را در چراغدان‌های مخصوص ریخته و روشن می‌کردند بخصوص نوعی از آن که خیلی خالص و پاک و مقدس بود برای شمعدان و چراغ‌های مقدس در خانه‌ی خد-ا استفاده می‌شد (XXX سفر خروج باب ۲۷: آیه‌ی ۲۰ و تو بنی‌اسرائیل را امر فرما که روغن زیتون مصفی و کوبیده شده برای

روشنایی نزد تو بیاورند تا چراغ‌ها دائماً روشن شود. ایضاً سفر لاویان، باب ۲۴: آیه‌ی ۲ (YYY) و نیز از روغن مخصوصی که طبق شرایط و قواعد خاصی فراهم شده بود برای تقدیس و انتصاب پادشاهان (XXX کتاب اول سموئیل، باب ۱۰: آیه‌ی ۱: پس سموئیل ظرف روغن را گرفته بر سر وی (شائول) ریخت و آن را بوسیده گفت. آیا این نیست که خد-ا تو را مسح کرد تا بر میراث او حاکم شوی. ایضاً کتاب اول سموئیل، باب ۱۶: آیه‌ی ۱. و خد-ا به سموئیل گفت... پس حقه‌ی خود را از روغن پر کرده بیا تا تو را نزد یشای بیت لحمی بفرستم زیرا که یکی از پسرانش پادشاهی برای خود تعیین کرده‌ام. ایضاً کتاب دوم پادشاهان، باب ۹: آیه‌های ۴-۱ (YYY) و کاهنان (سفر لاویان، باب ۸: آیه‌ی ۱۲. و قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخته او را مسح کرد تا او را تقدیس کند). معمول بوده است. گاهی اوقات از بعضی از روغن‌ها در طبابت به عنوان مسکن دردها بهره می‌بردند (XXX کتاب اشعیا نبی، باب ۱: آیه‌ی ۶: از کف پا تا به سر در آن تندرستی نیست بلکه جراحات و کوفتگی و زخم تعفن که نه پخته شده و نه بسته گشته و نه با روغن التیام شده است. YYY). با در نظر گرفتن کاربردی که روغن زیتون در زندگی و شئون قوم یهود داشته بدیهی است که افراد این قوم از روش گرفتن روغن از دانه‌های زیتون دارای اطلاعات و تجربیاتی بوده‌اند. ضمناً باید یادآوری کرد که در کتاب مقدس بارها از کلمه‌ی روغن به عنوان نمونه و سنبل از فربهی (یوئیل نبی، باب ۲: آیه‌ی ۱۹). و سیری. شادی (XXX کتاب مزامیر، باب ۴۵: آیه‌ی ۷: عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی بنابراین: خد-ای تو تو را به و روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسح کرده‌است. ایضاً کتاب اشعیا نبی، باب ۶۱: آیه ۳ (YYY) و تندرستی و نیرومندی استفاده شده. برای نگاهداری روغن از ظروف سفالی یا کوزه و مشک (کتاب اول پادشاهان، باب ۱۷: آیه‌ی ۱۲). استفاده می‌کردند.

۴- میوه‌ها

قبلاً اشاره‌ای به علاقه و دلبستگی قوم یهود به کشاورزی و این که افراد این قوم اصولاً مردمی کشاورز و زراعت‌پیشه بودند، شده بود به همین مناسبت بدیهی است که از محصولات کشاورزی مانند غلات و حبوبات و میوه‌ها چه به منظور تغذیه یا دادوستد بهره فراوان می‌بردند زیرا موقعیت

جغرافیایی سرزمین کنعان طوری بود که انواع درخت‌های میوه در آن به خوبی رشد و نمو می‌کرد. (XXX سفر اعداد، باب ۱۳: آیه ۲۳: به وادی اشکول آمدند و شاخه با یک خوشه‌ی انگور بریده آن را بر چوب‌دستی میان دو نفر با قدری از انار و انجیر برداشته آوردند. YYY). حتی نام برخی از شهرها و زمین‌ها با نام یکی از درخت‌ها که زیاد در آنجا کاشته می‌شد مترادف (سفر تثبیه، باب ۳۴: آیه ۳) بود یا به نام آن درخت (XXX سفر اعداد، باب ۱۳: آیه ۲۴: و آن مکان به سبب خوشه‌ی انگور که بنی‌اسرائیل از آنجا بریده بودند به وادی اشکول نامیده شد. ایضاً سفر داوران، باب ۱: آیه ۱۶. سفر داوران باب ۳: آیه ۱۳. YYY) نامیده می‌شد. میوه‌ها بعد از گندم پرمصرف‌ترین محصولات کشاورزی بوده و آن را بصورت تازه یا خشک مصرف می‌کردند و قوم یهود از روش خشک کردن آنها بخوبی با اطلاع بودند و چون حمل و نقل میوه‌های خشک آسانتر از تر و تازه بود بنابراین برای مسافرت و کسانی که خسته از راه می‌رسیدند (XXX کتاب اول سموئیل، باب ۳۰: آیه ۱۲: و پاره‌ای از قرص انجیر و دو قرص کشمش به او دادند و چون خورد روحش به وی بازگشت زیرا که سه روز و سه شب نه نان خورده و نه آب نوشیده بود. ایضاً کتاب اول سموئیل، باب ۲۵: آیه ۱۸. ایضاً کتاب دوم سموئیل، باب ۱۶: آیه ۱. کتاب اول توراربخ ایام، باب ۱۲: آیه ۴۰. YYY) غذای خوب و مناسبی بود و یا اینکه میوه‌های خشک را به عنوان توشه‌ی راه مسافرت بصورت هدیه به آنها می‌دادند.

از عمده‌ترین میوه‌هایی که بصورت خشک شده استفاده می‌کردند عبارت بودند از: خرما- انجیر- کشمش. در کتاب مقدس قوانین زیادی راجع به چگونگی برداشت محصول درخت‌ها و تشویق مردم به امر درختکاری و اهدا میوه‌های نوبر به خانه‌ی خدا- و برحذر داشتن مردم از بریدن درخت‌ها بخصوص درخت‌های میوه به چشم می‌خورد که در قسمت کشاورزی و قوانین مربوط به آن تعدادی از آنها اشاره شده‌است.

گذشته از اینها هر کدام از درخت‌های میوه در کتاب مقدس به عنوان نمونه‌ای از صلح و آرامش و شادی و فتح معرفی شده‌است حتی در پیشگویی‌های انبیاء یهود آنجایی که صحبت از صلح و

آرامش و دوستی و سلامتی می‌شود درخت‌های میوه را مانند مو و انجیر (کتاب اول پادشاهان، باب ۴: آیه ۲۵). به عنوان نمونه‌ای از موارد ذکر شده‌ی بالا مثال زده‌اند و به عنوان نمونه گفته‌اند: که ایامی می‌رسد که هر کس زیر درخت انجیر خود بدون ناراحتی خیال و فارغ‌البال و آسوده و بی‌تشویش بنشیند (کتاب زکریای نبی، باب ۳: آیه ۱۰). در قرآن کریم آیه‌ای هست که علاقه‌ی بنی‌اسرائیل را به محصولات کشاورزی بیان کرده (قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۶۱) است. وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا (و هنگامی که گفتید ای موسی ... پس بخوان برای پروردگارت که بیرون آورد برای ما آنچه می‌رویاند زمین از سبزیش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش ...)

۵- لبنیات

بطوری که قبلاً اشاره شد یکی از منابع درآمد و امرارمعاش قوم یهود بعد از کشاورزی دامداری بود، بنابراین استفاده از لبنیات چه به منظور تغذیه و یا دادوستد در میان آنان رواج داشت. مسأله‌ی مهمی که باید تذکر داد مقامی است که تورات به شیر و به همراه آن عسل داده زیرا هرگاه قصد تورات تعریف و تمجید از سرزمین کنعان بوده آن را به سرزمینی که شیر و عسل در آن روان است مانند کرده‌است.

زیرا هر گاه سرزمینی به اینگونه توصیف گردد دال بر آن است که آن مکان از نعمت حاصلخیزی و وفور و برکت و نعمت فراوان برخوردار است. (سفر خروج، باب ۳: آیه‌های ۸ و ۱۷. ایضاً سفر خروج، باب ۱۳ آیه ۵. ایضاً صحیفه‌ی یوشع، باب ۵: آیه ۶).

در کتاب مقدس آیات متعددی به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده‌ی آن است که مصرف انواع شیر حیوانات حلال گوشت در بین قوم یهود رواج داشته و از شیر حیواناتی مانند گاو (سفر پیدایش، باب ۱۸: آیه ۸) و گوسفند (سفر تثنیه، باب ۳۲: آیه ۱۴) و بز (کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۷: آیه ۲۷) تغذیه می‌کردند. علاوه از شیر استفاده از کره (سفر پیدایش، باب ۱۸: آیه ۸. ایضاً سفر

تنبيه، باب ۳۲: آیه ۱۴. ايضاً کتاب دوم سموئيل، باب ۱۷: آیه ۲۹.) و پنير (کتاب اول سموئيل، باب ۱۷: آیه ۱۸ ايضاً کتاب دوم سموئيل، باب ۱۷: آیه ۲۹.) مورد توجه بود. کره را به مناسبت سهولت تهيه از قديم می شناختند. شير را با عسل آميخته کرده و می نوشيدند بطوری که گفته شد در تورات بارها کلمه ی شير را با عسل مترادف کرده و اين خود موضوع مهم و قابل توجهی از لحاظ علم تغذيه بيان می کند. هر چند که شير يا عسل هر کدام به تنهایی دارای انواع ویتامين ها و موادغذایی و معدنی می باشند ليک هر یک دارای کمبودهایی می باشند و در صورتی که با هم خورده شوند مکمل یکدیگر می شوند.

شير غذای خوب برای همه به خصوص کودکان بشمار می آید. ليک محیط مناسبی برای رشد انواع میکروب ها می باشد و در صورتی که پاستوريزه و استريليزه نگردد و به حالت خود در مجاورت هوا قرار گیرد بزودی فاسد می گردد به علت اينکه خاصيت ضد میکروبی ندارد. اما در عوض عسل دارای خاصيت ضد عفونی و میکروبی عجيبی دارد و اگر صدها سال به حالت خود بماند بدون اينکه فاسد گردد تغيير نمی کند. حال اگر اين دو با هم مخلوط شوند کمبودهای همدیگر را خنثی می کنند و به شير مواد قندی و معدنی بيشتر و خاصيت ضد میکروبی می دهد و اين خود یک غذای مطلوب و سرشار از ویتامين ها و املاح معدنی محسوب می گردد.

۶- گوشت***۱- کلیاتی راجع به گوشت و چگونگی استفاده از آن:

با مطالعه ی آیات تورات و چگونگی تغذیه ی قوم يهود و قوانین و رسومی که در اين دين راجع به گوشت می باشد می توان به اين نتیجه می رسید که گوشت خوراک اصلی و روزانه اين قوم نبوده و به عبارتی ديگر عادت هميشگی آنان نبوده و اگر گاهی اوقات از آن استفاده می شده جنبه ی تفننی داشته است.

و به جزء عده ی معدودی که دارای توانایی مالی کافی داشتند باقی طبقات آن را خیلی کم مصرف می کردند. ضمناً با ملاحظه ی قوانینی که راجع به حيوانات حلال گوشت و شرايط مصرف آنها و قواعد ذبح آنها که در اين دين مرسوم است و کراراً بر اجرای اين فرمان ها توصيه شده است خود عامل مهم

و مؤثری است در محدود کردن مصرف گوشت در دین یهود است. مع ذالک در مهمانی‌های مختلف نظربه این که از صفت مهمان‌نوازی (XXX) علاوه از صفت مهمان‌نوازی که در قوم یهود وجود دارد اصولاً پذیرایی از مهمان جزء فرمان‌های دینی است و طبق دستور تورات باید از مهمان، به بهترین وجهی پذیرایی شود (سفر لاویان باب ۱۹ آیه‌های ۳۳-۳۴): و چون غریبی با تو در زمین شما مأوی گزیند او را میازارید. غریبی که در میان شما مأوی گزیند مثل متوطن از شما باشد و او را مثل خود محبت نمایید زیرا که شما در زمین مصر غریب بودید... (YYY) برخوردار بودند و سعی می‌کردند از مهمان خود با بهترین خوراک موجود پذیرایی کنند (XXX سفر پیدایش، باب ۱۸: آیه‌های ۷-۲: ناگاه چشمان خود را بلند کرده دید که اینک سه مرد در مقابل او ایستاده‌اند و چون ایشان را دید از در خیمه به استقبال ایشان شتافت و رو بر زمین نهاد. و ابراهیم به سوی رمه رفت و گوساله‌ی نازک (جوان) خوب گرفته به غلام خود داد تا به زودی آن را طبخ کند. ایضاً سفر داوران، باب ۱۳: آیه‌ی ۱۵: و مانوح به فرشته‌ی خد-ا گفت: تو را تعویق بیندازیم و برایت گوساله تهیه ببینیم. ایضاً. کتاب اول سموئیل، باب ۲۸: آیه ۲۴: و آن زن گوساله‌ی پرواری در خانه داشت پس تعجیل کرده و آن را ذبح کرد و آرد گرفته خمیر ساخت و قرص‌های نان پخت. و آنها را نزد شائول و خادمانش گذاشت تا خوردند. (YYY) و در عروسی‌ها و مجالس شاهانه (کتاب اول پادشاهان، باب ۸: آیه‌های ۶۶-۶۲). و طبقات دارا و حاکم و روزهای شنبه و اعیاد (XXX) بنا به فرمان خد-ا بنی‌اسرائیل در سال سه مرتبه عید می‌گیرند و اغلب مردان در این سه عید بزرگ در زمانی که بیت‌المقدس (خانه‌خد-ا) آباد بود به زیارت آن برای گزرنیدن قربانی‌های مختلف و تقدیم هدایا و نوبر محصولات کشاورزی خویش به اورشلیم می‌رفتند (سفر تثنیه، باب ۱۶: آیه‌های ۱۷-۱۶: سه مرتبه در سال جیمع ذکورانت به حضور خد-ایت در مکانی که او برگزید حاضر شوند یعنی در عید فطیر (پسح) و عید هفته‌ها و عید خیمه‌ها (سوکوت) و به حضور خد-ا تهیدست حاضر نشوند. هر کس به قدر قوه‌ی خود به اندازه‌ی برکتی که خد-ایت به تو عطا فرماید بدهد.) و اینسه عید به شرح ذیل می‌باشند: ۱- عید فطیر عید آزادی یا پسح یا عید بهار که از پانزدهم ماه نیسان به مدت هشت روز به مناسبت آزادی بنی‌اسرائیل از دستگاه ظلم و ستم فرعون مصر به رهبری حضرت موسی

برگزار می‌شود. و در عرض مدت ایام این عید از نان فطیر (نانی که خمیرمایه در آن بکار نرفته باشد) استفاده می‌کنند (سفر لاویان، باب ۲۳: آیه‌های ۸-۶ و ایضاً سفر تثئیه، باب ۱۶: آیه‌های ۸-۱). (۱)

۲- عید هفته‌ها می‌باشد که به نام‌های دیگری چون عید شاووعوت و عید اهداء نوبر میوه‌ها و عید درو و در فارسی عید (موعد) گل نامیده می‌شود و درست هفت‌هفته بعد از عید فطیر در ششم ماه سیوان به مدت دو روز شروع می‌شود (سفر لاویان، باب ۲۳: آیه‌های ۲۲-۱۵ و ۱۰ ایضاً سفر تثئیه باب ۱۶ آیه‌های ۹-۱۲ ایضاً سفر خروج، باب ۲۳: آیه‌های ۱۶ و ایضاً سفر تثئیه، باب ۲۶: آیه‌های ۱۰-۳). (۳)

۳- عید سایبان‌ها یا سوکوت و به فارسی عید بیدندان است و مدت ایام این عید هشت روز است که از پانزدهم ماه تیشری شروع می‌شود. (سفر لاویان، باب ۲۳: آیه‌های ۳۴ و ۳۹-۴۳. ایضاً سفر تثئیه، باب ۱۶: آیه‌های ۱۵-۱۳). (YYY) سه‌گانه و شب‌های اول سال (XXX) در شب‌های اول سال که دو شب می‌باشد به این منظور استفاده می‌کنند که از گوشت بعضی از اعضای حیوان چون سروشش به عنوان نمونه‌ای از صفات خوب و مشخصات خاص قائل می‌باشند. (YYY) از غذای گوشتی بیشتر استفاده می‌کردند. نکته‌ی جالب این که در تورات کمتر آیه‌ای دیده می‌شود که گوشت را به عنوان یک غذای همگانی و اصلی معرفی کرده باشد. پروردگار جهان هنگامی که حضرت آدم را آفرید برای تغذیه‌ی وی باغی را در عدن غرس کرد تا او از محصولاتش (به غیر از درخت معرفت نیک و بد) تغذیه کند (XXX سفر پیدایش، باب ۲: آیه‌های ۸ و ۱۷-۱۶. و خد-اوند خد-ا باغی در عدن در طرف شرق غرس کرد و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت. و خد-اوند، آدم را امر فرمود و گفت: از همه‌ی درخت‌های باغ بی‌ممانعت بخور لیک از درخت معرفت نیک و بد زنهار مخوری زیرا روزی که از آنها خوری هر آینه خواهی مرد. (YYY)، بدون اینکه نامی از گوشت حیوانات به عنوان خوراک برده شود.

در آیات بعد که خد-ا خوراک کلی انسان و جانداران را تعیین فرموده قبل از آمدن آن آیه آیه‌ای می‌باشد که از حیوانات و پرندگان و ماهی‌ها نام برده شده لیک هیچ- کدام را به عنوان خوراک

معرفی نفرموده بلکه گیاه‌ها و میوه‌ها را به عنوان خوراک اصلی تمام جانداران ذکر فرموده است، و این آیه (XXX سفر پیدایش باب ۱۲ آیه‌های ۲۸-۲۹-۳۰: و خد-ا ایشان را برکت داد و به ایشان گفت، بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط کنید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه‌ی حیواناتی که بر زمین می‌خزند حکومت کنید. و خد-ا گفت: همه‌ی علف‌های تخم داری که بر روی زمین است و همه‌ی درخت‌هایی که در آن‌ها میوه‌ی درخت تخم دار است به شما دادم تا برای شما خوراک باشد. و به همه‌ی حیوانات زمین و به همه‌ی پرندگان آسمان و به همه حشرات زمین که در آنها حیات است هر علف سبز را برای خوراک دادم و چنین شد. (YYY) در جای خود از لحاظ علم تغذیه و زیست‌شناسی قابل توجه می‌باشد.

اما پس از سپری شدن سال‌های زیاد و بر اثر تغییر آب‌وهوا و محیط زیست و احتیاجات بیشتر بشر برای تغذیه‌ی خود یا احیاناً کمبود غذا و در دسترس نداشتن آن به حد کافی ذائقه‌ی بشر به خوردن گوشت مأنوس شد و در اینجا است که بشر برای این که راه افراط را در خوردن گوشت و کشتار بی رویه و بدون ضابطه و خود سرانه حیوانات انجام ندهد در عین حال کنترلی از این لحاظ دربین باشد تا این که نسل آنها تهدید به فنا نگردد و شرایط بقای نسل حیوانات ایجاد گردد و از همه مهمتر برای سالم‌زیستن و بهتر خوردن مردم قوانین و دستورهایی از سوی پروردگار جهان در مورد حلال و حرام بودن حیوانات به بشر داده شد. بعد از حضرت آدم تا زمان حضرت نوح آیه‌ای که دال بر این باشد که انسان از خوراک گوشتی بهره می‌برد مشاهده نمی‌شود اما در زمان حضرت نوح بعد از طوفان شدید بر اثر فقدان مواد غذایی بخصوص پروتئین، از گوشت بعنوان خوراک نامی برده شده است که ضمن آن خوردن خون را که جان هر جاندار را در آن می‌داند منع کرده است (XXX سفر پیدایش، باب ۹: آیه‌های ۳-۴: و هر جنبه‌ای زندگی دارد برای شما طعام باشد همه را چون علف سبز به شما دادم. مگر گوشت را با جانش که خون آن باشد مخورید. (YYY).

با پیدایش هسته و موجودیت دین یهود در بیابان سینا و اعطای تورات به بنی‌اسرائیل قوانین و فرمان‌هایی به این قوم در مورد حلال و حرام بودن حیوانات داده شد که منجر به محدود شدن

مصرف گوشت در بین این قوم گردید، کما اینکه سبب شد آن را بصورت غذای درجه‌ی دومی بشناسند. تورات به کسانی که بیش از حد به غذاهای گوشتی اشتیاق دارند لقب شهوت‌پرستان (هوس با زان) داده‌است (XXX سفر اعداد، باب ۱۱: آیه‌ی ۴: و گروه مختلف که در میان ایشان بودند شهوت‌پرست (هوس باز) شدند و بنی‌اسرائیل باز گریان شده گفتند، کیست که ما را گوشت بخوراند. ایضاً. کتاب مزامیر، باب ۷۸: آیه‌های ۳۴-۱۸. ایضاً سفر اعداد، باب ۱۲ آیه‌های ۳۴-۳۳. YYY). گذشته از اینها چون اکثر طبقات کم‌درآمد از غذای گوشتی کمتر مصرف می‌کردند و احياناً بعضی از آنان گاهی اوقات آرزوی استفاده از آن را داشتند برای این دسته از مردم که اغلب در اعیاد مهم و سه‌گانه‌ی یهود و روزهای مقدس دیگر برای زیارت و گزranیدن قربانی به خانه‌ی خد-ا در اورشلیم می‌رفتند، به علت اینکه گوشت ذبح‌شده به اندازه‌ی کافی وجود داشت مجاز بودند که هر کس نسبت به آرزوی دلش (XXX سفر تثنیه، باب ۱۲: آیه‌های ۲۱-۲۰ و ۱۵: چون خد-ایت حدود تو را بطوری که ترا وعده داده‌است وسیع گرداند و بگویی که گوشت خواهم خورد زیرا که دل تو به گوشت خوردن مایل است پس موافق همه‌ی آرزوی دلت گوشت را بخور. YYY) از آن گوشت بخورد و دل خویشتن را در این اعیاد و ایام شاد گرداند. خوب توجه بفرمایید خوردن گوشت را به عنوان دست‌یافتن به آرزوی دل معرفی شده و نه به عنوان غذای اصلی و همگانی. در صفحات بعد خوانندگان محترم به تعدادی از این قوانین و آداب و رسوم آشنا خواهند شد.

۲- حیوانات پاک و ناپاک و مشخصات آنها

توجه به مشخصات حیوانات پاک و ناپاک و فرق بین آنها جزء وظایف مهم هر فرد یهودی می‌باشد زیرا طبق دستور تورات (XXX سفر لاویان، باب ۲۰: آیه‌های ۲۶-۲۵: پس در میان بهایم طاهر و نجس و در میان مرغان نجس و طاهر امتیاز کنید و جان‌های خود را به بهیمه یا مرغ یا به هیچ چیزی که بر زمین می‌خزد مکروه مسازید که آنها برای شما جدا کرده‌ام تا نجس باشند. و برای من مقدس باشید زیرا که من قدوس هستم و شما را از امت‌ها امتیاز کرده‌ام تا از آن من باشید. ایضاً. سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌های ۴۷-۴۶: اینست قانون بهایم و مرغان و هر حیوانی که در آب‌ها حرکت

می‌کند و هر حیوانی که بر زمین می‌خزد. تا در میان نجس و طاهر و در میان حیواناتی که خورده شوند و حیواناتی که خورده نشوند امتیاز بشود. (YYY) هر یک از افراد این قوم موظف می‌باشند که حیوانات حرام گوشت را به خوبی از حیوانات حلال گوشت را تشخیص داده و همواره از خوردن گوشت آن دسته از حیواناتی که خوردن آنها منع گردیده است اجتناب کنند. طبق این فرمان‌ها از میان حیوانات چهارپا آن دسته از حیواناتی که نشخوار می‌کنند و هم در میان سُم آنان دارای شکاف می‌باشند (شکافته سم) حلال گوشت می‌باشند و در غیر اینصورت حتی اگر یکی از موارد فوق را هم داشته باشند بدون استثناء از قبیل شتر و خرگوش که فقط نشخوار می‌کنند و شکافته سم نیستند و خوک که برعکس شکافته سم است و نشخوار نمی‌کند. حرام می‌باشند (XXX سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌های ۸-۱: خد-ا موسی و هارون را خطاب کرده به ایشان گفت، بنی‌اسرائیل را خطاب کرده بگویند. اینها حیواناتی هستند که می‌باید بخورید از همه بهایمی که بر روی زمین‌اند هر شکافته سم که شکاف تمام دارد و نشخوارکننده‌ها از بهایم آن را بخورید. اما از نشخوارکنندگان و شکافتگان سم اینها را مخورید یعنی شتر زیرا نشخوار می‌کند لیک شکافته سم نیست این برای شما نجس است. و خرگوش زیرا نشخوار می‌کند لیک شکافته سم نیست این برای شما نجس است. و خوک زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیک نشخوار نمی‌کند این برای شما نجس است. از گوشت آنها مخورید و لاش آنها را لمس مکنید اینها برای شما نجس‌اند.

ایضاً، سفر تثئیه، باب ۱۴: آیه‌های ۸-۴: این است حیواناتی که بخورید گاو و گوسفند و بز و آهو و غزال... و بزکوهی... و هر حیوان شکافته سم که سم را به دو حصه شکافته دارد و نشخوار کند آن را از بهایم بخورید لیک از نشخوارکنندگان و شکافتگان سم اینها را مخورید. یعنی شتر و خرگوش زیرا که نشخوار می‌کنند از شکافته سم نیستند اینها برای شما نجسند و خوک زیرا شکافته سم است لیک نشخوار نمی‌کند این برای شما نجس است از گوشت آنها مخورید و لاشه‌ی آنها را لمس مکنید. (YYY) از میان پرندگان آن دسته از انواع پرندگانی که گوشت آنها حرام است در تورات آمده است. و به غیر از پرندگان اهلی و خانگی بقیه که اغلب آنها که گوشت خوار و مرده‌خوار هستند حرام می‌باشند (XXX سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌های ۱۹-۱۳: و از مرغان اینها را مکروه دارید

خورده نشود زیرا مکروه‌اند. عقاب و استخوان‌خوار... و کرکس و لاشخوار به اجناس آن. و شتر مرغ و جغد و مرغ دریایی و باز به اجناس آن. و بوم و غواص و بوتیمار. و قاز و مرغ سقا... و لقلق و کلنگ به اجناس آن هدهد و شبیره ایضاً سفر تنیه، باب ۱۴: آیه‌های ۱۸-۱۲. (YYY) از جانوران دریایی آن دسته از ماهی‌های که دارای فلس (پولک) و پرک (بالک‌های کوچک برای شنا کردن) می‌باشند حلال بقیه از قبیل انواع کوسه‌ماهی‌ها و حشرات زیرآبی و همچنین خرچنگ‌ها و میگوها حرام می‌باشند (XXX سفر لاویان، باب ۱۱ آیه‌های ۱۲-۹: از همه‌ی آن چه در آب است اینها را بخورید هر چه پرک و فلس دارد در آب خواه در دریا خواه در نه‌رها آنها را بخورید. و هر چه پرک و فلس ندارد در دریا در نه‌رها از همه‌ی حشرات آب و همه‌ی جانورانی که در آب می‌باشند اینها نزد شما مکروه می‌باشند. البته نزد شما مکروه‌اند از گوشت آنها مخورید و لاشهای آنها را مکروه دارید. هر چه در آب‌ها پرک و فلس ندارد نزد شما مکروه خواهد بود. ایضاً سفر تنیه، باب ۱۴: آیه‌های ۱۱-۹: از همه‌ی آنچه در آب است اینها را بخورید هر چه پرک و فلس دارد آنها را بخورید. و هر چه پرک و فلس ندارد مخورید برای شما نجس است. (YYY). انواع حشرات هم حرام است (XXX سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌ی ۲۰: و همه‌ی حشرات بالدار که بر چهارپا می‌روند برای شما مکروه‌اند. ایضاً سفر تنیه، باب ۱۴ آیه‌ی ۱۹: و همه‌ی حشرات بالدار برای شما نجس‌اند خورده مشوند. (YYY). استفاده از گوشت انواع و اقسام خزندگان منع شده است (XXX سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌های ۳۱-۲۹: و از جانورانی که بر زمین می‌خزند این‌ها برای شما نجس‌اند موش‌کور و موش و سوسمار به اجناس آن. (YYY).

ضمناً خوردن جانوران و حشراتی که در میوه‌هاست یا بر اثر فاسد شدن مواد غذایی ایجاد می‌گردد و همچنین هزارپاها و موجودات بسیار ریزی که در آب است حرام شده است (XXX سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌های ۴۴-۴۱: و هر حشراتی که بر زمین می‌خزد مکروه است خورده مشود. و هر چه بر شکم راه رود و هر چه با چهارپا راه رود و هر چه پا‌های زیاده دارد یعنی همه‌ی حشراتی که بر زمین می‌خزند آنها را مخورید زیرا که مکروه‌اند. خویشتن را به هر حشراتی که می‌خزند مکروه مسازید

و خود را به آنها نجس مسازید مبدا از آنها ناپاک شوید. (YYY). علاوه بر این‌ها خوردن هر نوع مرداری و حیوان شکارشده‌ای طبق فرمان تورات منع گردیده‌است (سفر تثئیه، باب ۱۴: آیه‌ی ۲۲: هیچ میته مخورید. ایضاً. سفر خروج باب ۲۲: آیه‌ی ۳۱: و برای من اشخاص مقدس باشید و گوشتی را که در صحرا دریده شود مخورید آن را نزد سگان بیندازید.).

باید این نکته را یادآوری کنم که تماس با لاشه‌ی حیوانات حرام گوشت و دست زدن به بدن آنها هم قدغن می‌باشد (سفر لاویان، باب ۱۱: آیه‌ی ۳۲).

۳- قوانین مربوط به حیوانات پاک

قوانین آیین یهود راجع به استفاده از گوشت حیوانات فقط محدود به تعیین مشخصات حیوانات حرام و حلال گوشت نمی‌شود بلکه برای انواع حیوانات حلال گوشت و شرایط استفاده از آنها قوانینی دارد که باید مورد توجه قرار داده شود زیرا عقیده کتاب مقدس بر این است که خوراکی که انسان می‌خورد سهم بسزایی در اعمال و به خصوص افکار وی دارد و به همین مناسبت در مورد استفاده از گوشت حیوانات پاک برای سلامت تن و روان فرامینی داده شده است که باید به آنها توجه فراوان کرد.

از آن جمله علمای یهود با مطالعه‌ی قوانین تورات به این نتیجه رسیده‌اند که غذای گوشتی بیش از غذای دیگر بر روی فعل و انفعالات بدن تأثیر می‌گذارد که می‌توان اثر آن را بر روی قوای جنسی نام برد و اعتقاد بر این است که اگر در خوردن گوشت راه افراط و زیاده‌روی پیموده شود بر اثر تحریک قوای جنسی آدمی به سوی برآوردن خواهش‌ها و تقاضاهای جنسی و هوی و هوس خویش سوق می‌دهد که منجر به گناه و دوری انسان از حد-ا می‌گردد. به گونه‌ای که قبلاً اشاره شد در تورات به کسانی که مایل به خوردن گوشت بودند لقب شهوت پرستان هوس بازان داده‌است (سفر اعداد، باب ۱۱: آیه‌ی ۴. ایضاً. کتاب مزامیر، باب ۷۸: آیه‌های ۳۴-۱۸. ایضاً. سفر اعداد، باب ۱۲: آیه‌های ۳۴-۳۳).

حتی برای این که گوشت حیوانات شاخ زن و حمله کننده‌ای مانند گاو اثر سویی بر بدن نگذارد و این صفات احیاناً به بدن انسان سرایت نکند خوردن گوشت حیوان یا گاوی که بر اثر شاخ زدن منتهی به کشته شدن فردی گردد به شدت منع گردیده است (XXX سفر خروج، باب ۲۱: آیه‌های ۲۹-۲۸: هر گاه گاوی به شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد گاو را البته سنگسار کنند و گوشتش را مخورند لیک اگر گاو قبل از آن شاخ زن می‌بود و صاحبش آگاه بود و آن را نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز به قتل رسانند. YYY).

و نیز برای جلوگیری از نفوذ میکروب‌های موجود در بدن یک حیوان یا جسم پلید به گوشت حیوان پاک اگر گوشت حیوان پاک به جسم ناپاکی برخورد کند استفاده از آن منع گردیده است (سفر لاویان، باب ۷: آیه ۱۹: و گوشتی که به هرچیز نجس برخورد کند خود مشود و به آتش سوخته شود.) و باید آنرا در آتش انداخت و به همین ترتیب برای این که پلیدی و میکروب موجود در جسد یک حیوان پاک به انسان سرایت نکند دست زدن به جسد مرده‌ی هر حیوانی منع شده زیر منجر به نجس شدن تن آدمی گردد (XXX سفر لاویا، باب ۱۱: آیه ۳۹: اگر یکی از بهایمی که برای شما خوردنی است بمیرد هر که لاشه‌ی آن را لمس کند تا شام نجس باشد... هر که لاشه‌ی آن را بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد. YYY).

یک نکته‌ی جالب که در قوانین تورات دیده می‌شود این است که معمولاً رسم بر این نیست که به ازای اجرای هر فرمان و دستوری مزد و پاداشی در مقابل اجرای آن در نظر گرفته شود زیرا عقیده بر این است که همه‌ی قوانین با هم برابراند و فرقی بین آنها نیست کوچک و بزرگ هم ندارد، لیک در دو مورد از این فرامین پاداش و مزدی تعیین شده است که قابل توجه می‌باشد و اتفاقاً برای هر دو آنان یک پاداش معین و مساوی یعنی طول عمر در نظر گرفته شده است. که اولی مربوط به یکی از فرمان‌های ده فرمان (XXX زمانی که بنی اسرائیل بعد از خروج از مصر و احساس آزادی به حدود کوه سینا رسیدند خد-ا حضرت موسی را مأمور فرمود که اراده وی را نسبت به اعطای تورات و فرمان‌های ده گانه به اطلاع بنی اسرائیل برساند (سفر خروج باب ۱۹) بنی اسرائیل در مقابل با رغبت و

میل فراوان آمادگی خود را برای دریافت تورات ابراز داشتند و گفتند: هر آن چه خد-ا بفرماید قبل از این که بشنویم انجام می‌دهیم، به عبارت دیگر گفتند: انجام می‌دهیم سپس می‌شنویم و در روز ششم ماه سیوان عبری قوم بنی‌اسرائیل در مقابل کوه‌سینا در حالی که همگی چه از لحاظ جسمی و روانی پاک و تمیز بودند برای دریافت و فهمیدن فرمان‌های ده‌گانه چون تن واحدی حاضر شدند، تورات چگونگی این اجتماع بزرگ و روحانی و مقدس را چنین بیان می‌کند: واقع شد در روز سوم به وقت طلوع صبح که رعد‌ها و برق‌ها و ابر غلیظ بر کوه پدید آمد و آواز گرنای بسیار سخت بطوری که تمام قوم که در لشکرگاه بودند بلرزیدند. و تمامی کوه سینا را دود فرا گرفت زیرا خد-اوند در آتش بر آن نزول کرد و دودش مثل دود کوره بالا می‌شد و تمامی کوه سخت متزلزل گردید. خد-ا بر کوه سینا بر قله‌ی کوه نازل شد و خد-ا موسی را به قله‌ی کوه خواند و موسی بالا رفت. سپس خد-ا فرمان‌های ده‌گانه را به سمع بنی‌اسرائیل رسانید که بدین شرح می‌باشد

۱- من خد-ای تو هستم که تو را از زمین مصر و از خانه‌ی غلامی بیرون آوردم.

۲- تو را خد-ایان دیگر غیر از من نباشد، هیچ شکل تراشیده و تمثالی از آن چه بالا در آسمان و پایین در زمین و آنچه در آب زیرزمین است برای خود مساز و به آنها سجده مکن و آنها را مورد پرستش قرار مده.

۳- نام خدای خود را به باطل مبر.

۴- روز شنبه (سبت) را به یاد داشته آن را تقدیس نما. شش روز مشغول باش و همه‌ی کارهای خود را به جای آور لیک روز هفتم روز استراحت و سبت از جانب خد-ای تو است در آن روز هیچ کار مکن نه تو و نه پسر ت نه دختر ت نه غلام ت نه کنیز ت نه بهایمت و نه بیگانه‌ای که درون دروازه تو است.

۵- پدر و مادر خود را احترام بگذار تا حیات تو در زمینی که خد-ایت به تو می‌بخشد دراز شود.

۶- قتل مکن

۷- زنا مکن

۸- دزدی مکن

۹- بر همسایه‌ی (هم نوع) خودت شهادت دروغ مده

۱۰- به خانه‌ی همسایه‌ی (هم نوع) خود حسد مبر و به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و خرش و به هیچ چیزی که از آن همسایه‌ی (هم نوع) تو باشد طمع مکن. سفر خروج، باب ۲۰: آیه‌های ۱۷-۱. ایضاً سفر تثئیه باب ۵: آیه‌های ۲۱-۶. ۷۷۷) می‌باشد که خد-ا این فرمان‌ها را در کوه سینا واقع در بیابان سینا به بنی‌اسرائیل عطا فرمود و آن هم عبارت است از احترام گذاردن به والدین است (سفر تثئیه، باب ۵ آیه ۱۶): «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که خد-ایت به تو می‌دهد طولانی شود (سفر خروج باب ۲۰ آیه ۱۲).» و این فرمان جزء اولین دستورهایی می‌باشد که وظایف انسان را نسبت به همنوع خویش بعد از ذکر وظایف انسان نسبت به آنچه که مربوط به خد-ا می‌باشد بیان می‌کند و دومین فرمان مربوط به حیوانات است که به این مضمون می‌باشد «اگر اتفاقاً آشیانه‌ی مرغی در راه بنظر تو آید خواه بر درخت یا بر زمین و در آن بچه‌ها یا تخم‌ها باشد و مادر بر بچه‌ها یا تخم‌ها نشسته مادر را با بچه‌ها مگیر... تا برای تو نیکو شود و عمر طولانی داشته باشی (سفر تثئیه باب ۲۲ آیه‌های ۷-۶).» بطوری که ملاحظه شد برای هر دوی این فرمان‌ها که اتفاقاً اولی امر و دومی نهی می‌باشد پاداشی مساوی یعنی طول عمر در نظر گرفته شده است و این نشان‌دهنده ارج و مقامی است که تورات به چگونگی رفتار انسان نسبت به حیوانات و حمایت از آنان داده است. علاوه بر مورد ذکر شده فرمان‌های دیگر می‌باشد که دال بر این است که حیوانات همچون انسان دارای عواطف و احساساتی می‌باشند که باید به آنها توجه کرده و مراعات کنیم و سعی نماییم همواره خود را حامی آنان قرار دهیم برای نمونه می‌توان به این فرمان اشاره کرده نباید هرگز نوزاد هر حیوانی را بلافاصله پس او تولد ذبح کرد (XXX سفر لاویان، باب ۲۲: آیه‌های ۲۸-۲۷: چون گاو یا گوسفند یا بز زاییده شود هفت روز نزد مادر خود بماند... اما گاو یا گوسفند آن را با بچه‌اش در یک روز ذبح مکنید. ۷۷۷) و حتماً باید حداقل مدت هفت روز نزد مادرش باشد زیرا در غیر اینصورت موجبات رنجش حیوان فراهم می‌گردد. یا این که کشتن هر حیوانی با بچه‌اش در یک روز مجاز نیست زیرا انجام این عمل سرپیچی از فرمان‌های خد-ا و موجب گناه می‌باشد.

با یک نگاه کوتاه و اجمالی بر چگونگی تغذیه آن دسته از حیواناتی که حلال گوشت می باشند می توان به این نتیجه رسید حتی برای نمونه بین این حیوانات هیچ کدام گوشت خوار به تمام معنی نیستند بلکه خوراک خویش را از مواد غذایی دست اول طبیعت یعنی گیاهان که سالم و تازه می باشند تأمین می کنند و برعکس حیواناتی که حرام گوشت هستند عموماً گوشت خوار می باشند و بدیهی است این دسته از حیوانات برای بدست آوردن آذوقه و توشه ی خویش مجبور می باشند از طریق صید و شکار حیوانات و چهارپایانی که اغلب بر اثر پیری و مبتلا شدن به انواع بیماری ها از گله عقب می مانند یا از لاشه ی حیوانات تأمین کنند بنابراین گوشت این حیوانات گوشت خوار که از مواد غذایی دسته ی دوم و مرده طبیعت تغذیه می کنند آلوده به انواع میکروب ها و کانون های بیماری زا و مسری و انگل های مختلف است که برای انسان مضر می باشد زیرا خود این حیوانات در موقع خوردن کلیه میکروب ها و تخم انگل های موجود در لاشه ی حیوانات دیگر را مستقیماً به بدن خود منتقل کنند در نتیجه این دسته از حیوانات گوشت خوار به احتمال زیاد حامل انواع میکروب های مختلف می باشند در صورتی که از گوشت آنها به عنوان غذا استفاده گردد، احتمال زیاد دارد که این میکروب ها و آلودگی ها به انسان سرایت کند و در نتیجه انسان به بیماری های مختلف که اتفاقاً تعداد بیماری های مشترک انسان و حیوان کم نیست مبتلا گردد. بر فرض اگر حیواناتی باشند که بطور مرتب از گوشت حیوانات سالم تغذیه کنند یعنی از طریق شکار بدست بیاورند باز هم با گوشت حیوان صید شده مقدار زیادی سم (اسید لاکتیک موجود در جسد حیوان شکار شده که بر اثر خستگی زیاد در بدن حیوان ایجاد می گردد.) وارد بدن خود می کنند زیرا هر حیوانی که حس می کند در تعقیب یک حیوان درنده ای قرار دارد وحشت زده با عجله فراوان تا آنجایی که امکان دارد فرار می کند.

حال بر اثر جست و خیز و حرکات سریع ماهیچه ها، سلول ها به اکسیژن بیشتری احتیاج پیدا می کنند که حیوان سعی می کند که تندتر نفس بکشد لیک اگر ادامه پیدا کند و مدت زیادی حیوان فرار کند اکسیژن کافی به سلول ها نمی رسد در نتیجه نسبت گازکربنیک به اکسیژن در خون و بافت های حیوان زیاد شده که منجر به خستگی شدید می گردد، و در این صورت است که حیوان تسلیم شده و توسط

حیوان شکارچی همراه با کلیه سمومی که بر اثر دویدن ایجاد شده و موجب آن شده است که حیوان خسته گردد خورده می‌شود. شاید یکی از دلایلی (XXX سفر خروج باب ۲۲: آیه ۳۱: برای من اشخاص مقدس باشید و گوشتی را که در صحرا دریده شود مخورید آن را نزد سگان بیندازید. YYY). که شکار حیوانات در آیین یهود منع شده است. (صرف نظر از رنج و دردی که حیوان در زمان صید می‌کشد و این آیین با این امر مخالف است) همین باشد.

گذشته از اینها هر چند که انسان همه چیزخوار است مع ذلک ساختار دستگاه گوارش بخصوص روده‌ها از لحاظ طولی نسبتاً به حیوانات گیاه‌خوار نزدیکتر است زیرا معمولاً طول روده حیوانات گیاه‌خوار از حیوانات گوشت‌خوار بیشتر است، حال که طول روده‌ی انسان از طول روده حیوانات گوشت‌خوار بیشتر است اگر در گوشت‌خواری زیاده‌روی کند نتیجه‌ی جزء سردردهای مختلف و فشار بر روی کار روده‌ها و سایر دستگاه‌های بدن ندارد از طرفی نباید فراموش کرد که اگر مصرف گوشت به اندازه کافی و متعادل باشد مفید است لیک اگر راه افراط در گوشت‌خواری انتخاب شود بطوری که خوراک همیشگی و روزانه گردد چون محرک می‌باشد لذا روی دستگاه‌های مختلف بدن از قبیل دستگاه گوارشی و تنفسی و قلب و عروق اعصاب و کلیه‌ها و مغز اثرات بدی گذاشته و موجبات خستگی این دستگاه‌های مفید بدن می‌گردد.

یکی از آدابی که یهودیان تا امروزه راجع به خوردن گوشت مراعات می‌کنند و به آن پایبند می‌باشند این است که خوراکی که از مواد گوشتی فراهم شده است با فراورده‌های شیر نمی‌خورند و بالعکس.

حتی در بعضی از منازل سفره و ظروف جداگانه ای جهت خوراکی‌های به اصطلاح «گوشتی» و «ماستی» دارند. زیرا در تورات آمده است که: بزغاله را در شیر مادرش می‌ز (سفر خروج، باب ۲۳: آیه ۱۹: و بزغاله را در شیر مادرش می‌ز ایضاً سفر خروج، باب ۳۴: آیه ۳۶. ایضاً سفر تثئیه باب ۱۴: آیه ۲۱). و علمای یهود چنین مقرر داشته‌اند که غذاهای گوشتی را همراه با غذاهایی که از لبنیات تهیه شده مصرف نکنند.

بحث راجع به ذبح حیوانات در قوم یهود مفصل و جالب و گسترده تر است و چون راجع به کوچک‌ترین جوانب امر دستورهایی دارد شاید نسبت به سایر ادیان دارای فرمان‌های بیشتری در این خصوص می‌باشد.

زیرا مقصود این است که گوشتی که برای خوراک انسان فراهم می‌شود از هر لحاظ پاک و عاری از هر گونه آلودگی باشد تا این که بدن انسان که اشرف مخلوقات است کمتر به امراض و بیماری‌های گوناگون مبتلا گردد و در عین حال موجبات سوق اجتماع را به یک محیط سالم و پاک و از همه مهمتر مقدس ایجاد کند. و دیگر هدف مهم که اهمیت بسیار دارد در خصوص حمایت از حیوانات و جلوگیری از نابودی نسل آنها و احترام گذاردن نسبت به جان و احساسات و غریزه‌های آنها است زیرا بیشتر این دستورها بر روی این اصل است که حیوانات هم مانند انسان دارای غرایز و عواطفی می‌باشند و چون جان دار می‌باشند جان خود را دوست دارند و میل دارند که زندگی کنند و از این همه مواهب فراوان طبیعت که خالق جهان در اختیار آنان قرار داده حتی‌الامکان استفاده ببرند. در آیینی که اجازه نمی‌دهد حتی حیوانات در روزهای شنبه به کار گرفته شوند و استراحت را در روزهای شنبه جهت آنان مقرر داشته (XXX سفر خروج، باب ۲۰: آیه ۱۰: روز هفتمین سبت خد- ای توسست در آن روز هیچ کار مکن تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه‌ات و مهمان تو که درون دروازه‌های تو باشد. ایضاً سفر خروج، باب ۲۳: آیه ۱۲: شش روز به کار خود پرداز و در هفتمین آرام کن تا گاو و خر تو آرام گیرند و پسرت و کنیزت و مهمان تو استراحت کنند. ایضاً سفر تثئیه، باب ۵: آیه ۱۳. YYY) و برای این که حیوانی زیر بار خویش اگر خوابیده باشد زیاد رنج نبرد هر چند که آن حیوان متعلق به دشمن باشد باید فوراً یاری کرد تا این حیوان از زیر بار خود رهایی یابد (XXX سفر خروج، باب ۲۳: آیه ۵: اگر خر دشمن خود را زیر بارش خوابیده یافتی از کمک به او خودداری نکن حتماً به او یاری کن تا رهایی یابد ایضاً سفر تثئیه، باب ۲۲: آیه ۴: اگر خر یا گاو برادر تو را در راه افتاده بینی از آن روی مگردان البته آن را با او برخیزان.) یا این که هنگام

شخم کردن برای این که فشار زیادی بر روی حیوانات وارد مشود استفاده از دو نوع حیوان را هنگام شیار (کردن) قدغن کرده (سفر تشنیه، باب ۲۲: آیه ی ۱۰: گاو و خر را با هم جفت کرده (دو نوع حیوان) برای شخم به کار نگیر.) و نیز برای این که حیوانی هنگام انجام کاری میل به خوردن داشته باشد و بتواند به راحتی غذا بخورد (هر چند که مشغول خرمن کوبی باشد) جایز ندانسته که دهانش را با طورهای مخصوص ببندند (XXX دهن گاو را هنگامی که خرمن را خرد می کند میند. سفر تشنیه باب ۲۵: آیه ی ۴. YYY). بدیهی است که برای کاهش درد و رنج حیوان هنگام ذبح دارای قواعد و دستورهایی می باشد که شمه ای از این قواعد بنظر خوانندگان می رسد:

الف- شرایط ذبح کننده

هر کسی که حیوانی را ذبح می کند، باید از هر نقص عضوی مانند: کری و لالی و ناراحتی های روحی و اخلاقی دور باشد. و علاوه بر این باید از لحاظ رفتار و کردار در میان مردم نمونه باشد و به سن بلوغ (سن بلوغ در دین یهود برای مردان ۱۳ و برای زنان ۱۲ سال تمام است.) رسیده باشد و سواد کافی داشته باشد و با قوانین یهود راجع به حلال و حرام بودن حیوانات و فرق میان آنها و نیز علامت های بیماری در حیوانات آشنایی داشته باشد، ضمناً دارای معلومات کافی راجع به اندام ها و اعضای داخلی حیوانات و شناخت آنها هم داشته باشد و برای این کار لازم است که دوره هایی از سوی علمای یهود تعیین شده است با موفقیت بگذرانند تا اجازه ی ذبح حیوانات به وی داده شود.

هیچ یهودی نمی تواند خودسرانه حیوانی را ذبح کند زیرا طبق فرمان تورات ریختن خون حیوان بی علت گناه محسوب می شود است چون جان هر حیوان در خوی وی می باشد و جان هر جاننداری مانند جان انسان گرامی است. خوشبختانه در میان یهودیان کمتر دیده شده است خود سرانه ذبح کنند و اصولاً از این امر گریزان می باشند و به هیچ قیمتی مگر در موارد ضروری و اضطراری حاضر نمی شوند به چنین کاری دست بزنند. و این نکته بسیار جالب است که میان جوامع یهود ذبح کننده به نسبت جمعیت خیلی کم می باشد حتی در برخی از شهرستان ها از یک نفر هم تجاوز نمی کند و بارها دیده شده که احتمالاً اگر این ذبح کننده به مسافرت رفته باشد اهالی آن شهر برای تأمین احتیاجات

خود از ذبح‌کننده‌ای که در یکی از شهرهای مجاور اقامت دارد جهت ذبح حیوانات استفاده می‌کند.

ب- نکاتی که باید در هنگام ذبح حیوان در نظر گرفته شود

قوانین مربوط به ذبح حیوانات که در آیین یهود اجرا می‌گردد چون سایر فرمان‌های مذهبی از جانب خد-اوند به حضرت موسی داده شده است. زیرا طبق آیاتی که در تورات به آن (سفر لاویان، باب ۱۰: آیه‌های ۱۱ و ۵. ایضاً سفر تثئیه، باب ۱۲: آیه ۲۱). اشاره شده است خد-اوند چگونگی ذبح کردن حیوانات حلال گوشت را به حضرت موسی که در عبری «شحیطا» گفته می‌شود و با کلمه‌ی کشتن فرق دارد آموخته است و همراه با آن شرایط و دستورهای وضع شده که طی سال‌های بسیار نسل به نسل مانده و اجرای می‌شده هر ذبح‌کننده که به آن «شوحط» گفته می‌شود قبل از این که برای ذبح کردن دعای مخصوص را (XXX طبق مفاد آیات کتاب مقدس خد-ا بنی‌اسرائیل را ترغیب کرده که همیشه اوقات ذات‌اقدسش را در مد نظر داشته و نسبت به آن همه‌ی نعمت‌های گوناگون و بیشماری که بی‌دریغ در اختیار آنان گذاشته بندگان‌ی شکرگزار باشند. لذا برای اینکه افراد یهودی همیشه به یاد پروردگار باشند و این دستور خد-ا را همیشه به خاطر داشته باشند برای انجام هر نوع کاری و اجرای هر یک از فرمان‌های خد-ا یک نوع برکت و دعای مخصوصی می‌خوانند و یهودیان این رسم را تا به امروز چه در مورد خرید هر چیز نو مانند خانه، لباس نو و میل به خوردن انواع خوراکی‌ها و نیز میوه‌های درختی و زمینی و انواع شیرینی‌ها و آشامیدنی‌ها و بوییدنی‌ها (هر چیزی که دارای بو و عطری خوش بوی باشد چون گل‌ها و میوه‌های خوش‌بو) و نیز مشاهده‌ی پدیده‌های طبیعی و فضایی (مانند قوس و قزح و گرفتن خورشید و ماه) حتی انجام مراسم عروسی و عقد و ختنه و شروع اعیاد و سرانجام ذبح حیوانات به‌جای می‌آورند. (YYY) بخواند باید نکات مهمی را در مورد کارد مخصوص خویش و حیوانی را که می‌خواهد ذبح کند به دقت مراعات کند بدین ترتیب اول مطمئن گردد که کارد مخصوص وی (این کارد فقط برای انجام ذبح کردن ساخته شده است) کاملاً تیز و بی‌دندانه باشد به گونه‌ای که با کشیدن نوک ناخن از بالا تا انتهای لبه‌ی تیز کارد متوجه باشد که هیچ گونه خراش و گیری یا برآمدگی و فرورفتگی حس نکند بطوری که نوک

ناخن براحتی و خیلی نرم روی لبه‌ی کارد حرکت کند و این تیزی فوق‌العاده به این دلیل می‌باشد که خیلی زود و سریع بدون اینکه حیوان کوچک‌ترین دردی حس کند رگ‌های گردن بلافاصله بریدید شود تا پس از ریختن خون حیوان بی‌حس شده و از دردی که ممکن است بر اثر بریده شدن نای و رگ‌ها ایجاد می‌شود کوچک‌ترین درد یا ناراحتی حس نکند سپس و با دقت تمام حیوان را از هر جهت معاینه کند که مریض نباشد و علایم شکستگی در دست و پا‌های حیوان و در پرندگان بال‌ها و پاها مشاهده نشود (سفر تنبیه، باب ۱۷: آیه ۱). زیرا در غیر اینصورت نمی‌توان آن حیوان را ذبح کرد و از گوشت آن استفاده کرد. در صورتی که هیچ‌گونه نشانه‌ای از شکستگی و کوفتگی دیده نشد مقداری آب به حیوان داده زیرا نباید حیوان هنگام ذبح تشنه یا گرسنه باشد، بدین مناسبت هر ذابح یهودی همیشه ظرف آبی نزد خود دارد که حیوان قبل از این که ذبح شود بیاشامد. آنگاه دعای مخصوص را با دقت خوانده و اقدام به ذبح آن کند. بدیهی است که ذبح‌کننده باید در کار خود تجربه و مهارت کافی داشته باشد و دقت کند که دستش هنگام ذبح هیچ‌گونه لرزش و لغزشی نداشته باشد و مواظب باشد که کارد را از نوک آن به گلوی حیوان فشار ندهد. و دقت کند که عمل ذبح حیوان یعنی گذاردن کارد بر گلوی آن فقط یک مرتبه انجام گیرد زیرا ذبح‌کننده باید این مهارت و دقت را داشته باشد که در همان مرتبه‌ی اول با چند دفعه جلو و عقب بردن کارد بر گلوی حیوان حین این که سعی می‌کند که مکثی نکند یا فشار زیادی وارد نیاورد نای و مری آن را ببرد، زیرا اگر هر یک از این موارد فوق انجام نگیرد عمل ذبح باطل می‌شود و در نتیجه از گوشت آن نمی‌توان خورد، لیک کار به این جا تمام نمی‌شود زیرا لازم است پس از ذبح شکم آن را باز کرده و با دقت اندام‌های داخلی مانند شش و کبد را ببیند و مواظب باشد که هیچ‌گونه لکه یا غده‌ای که دال بر آلوده بودن حیوان و نشانه‌هایی که دلالت بر بیماری و مبتلا بودن حیوان می‌باشد مشاهده نگردد و در صورت مشاهده‌ی غده‌های مشکوک در هر یک از اعضای بدن چون مغز و سایر نکات یا چرکی و آبکی بزرگ و غیره از مصرف آن خودداری شود. ضمناً موادی که در معده‌ی حیوان وجود دارد باید به دقت مشاهده کرد زیرا اگر سوزن و میخی در قسمت‌های معینی دیده شود نمی‌توان از گوشت آن مصرف کرد. یهودیان چون عقیده دارند که ممکن است حیوانی، که توسط سایرین ذبح شود نکات

مذکور را در نظر نگرفته باشند. حیوانی که خارج از این اصول ذبح می شود از خوردن آن خودداری می کنند و به آن گوشت غیر «کاشر» می گویند.

۵- خون و پیه حیوانات

تورات جان هر جاننداری را در خون آن می داند بدین جهت استفاده از خون را بارها منع و حرام کرده است. اولین مرتبه ای که از خون در تورات نام برده شده است در سفر پیدایش (XXX سفر پیدایش، باب ۹: آیه های ۴-۵: هرگز گوشت را با جانش که خون او باشد مخورید. و هر آینه انتقام خون شما را برای جان شما خواهم گرفت از دست هر حیوان آن را خواهم گرفت و از دست انسان انتقام جان انسان را از دست برادرش خواهم گرفت YYY). می باشد که خون را به عنوان جان معرفی کرده (بطوری که اگر خون جانوری ریخته شود پس از مدتی جان خود را از دست می دهد و از طرفی اگر جان انسان یا حیوان بر اثر خونریزی به خطر بیفتد با تزریق خون دو مرتبه جان می گیرد و از خطر مرگ حتمی نجات می یابد). علاوه از آیه ی فوق باز هم چندین آیه دیده شده که استفاده از خون همراه با پیه حیوانات منع و حرام شده است (XXX سفر لاویان، باب سوم آیه ی ۱۷: این قانون ابدی در همه ی نسلهای شما در جمیع مسکن های شما خواهد بود که هیچ خون و پیه را مخورید. ایضاً سفر لاویان، باب ۷: آیه های ۲۶-۲۷. هیچ خون را خواه از مرغ خواه از بهایم در همه مسکن های خود مخورید. هر کسی که از هر قسم خون بخورد آن کس از قوم خود منقطع خواهد شد. ایضاً، باب ۷: آیه های ۲۲-۲۳: خد-ا موسی را گفت: بنی اسرائیل را بگوی، هیچ پیه گاو و گوسفند و بز را مخورید (لازم به یادآوریست که پیه آهو یا غزال حلال است). ایضاً، باب ۱۷ آیه های ۱۵-۱۰: هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما مأوی گزیند که هر قسم خون را بخورد من روی خود را بر آن شخصی که خون خورده باشد برمی گردانم و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت. زیرا جان هر بدن و جسمی در خون است. بنابراین بنی اسرائیل را گفته ام هیچ کس از شما خون مخورد و غریبی که که در میان شما مأوی گزیند خون مخورد و هر شخصی از بنی اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما ماوا دارند که هر جانور یا مرغی را که خورده می شود صید کند پس

خون آنرا بریزد و به خاک بیوشاند. زیرا جان هر ذی بدنی خون آن و جان آن یکی است پس بنی اسرائیل را گفته‌ام خون هیچ ذی بدنی را مخورید زیرا جان هر جسم و بدنی در خون آن است هر که آن را بخورد منقطع خواهد شد. ایضاً، تثئیه، باب ۱۵: آیه ۲۳: اما خونس را مخور آن را مثل آب بر زمین بریز. ایضاً باب ۱۲ آیه ۱۶. ایضاً باب ۱۲ آیه‌های ۲۴-۲۶: لیک هوشیار باش که خون را مخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت مخوری. آن را مخور بلکه مثل آب بر زمینش بریز. آن را مخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد. (YYY) بدین جهت برای اینکه بتوان از گوشت جهت خوراک استفاده شود لازم است که حتی المقدور مانده‌ی خونی که در گوشت است خارج شده و تمام پی‌های موجود در آن گرفته و بیرون انداخته شود و معمولاً این امر وظیفه‌ی بانوان خانه‌دار می‌باشد و برای این منظور باید حداقل به مدت نیم ساعت پس از این که تمام پیه‌ها را جدا کردند در آب پاک بخیسانند بعد از شستن دوباره به تمام سطوح گوشت کاملاً نمک‌زده (XXX) قوم یهود از زمان‌های بسیار قدیم به خواص نمک آشنایی داشتند و به خاصیت ضد عفونی و ضد میکروبی آن با اطلاع بودند و به این دلیل گوشتی که به مصرف خوراک می‌رسانیدند نمک می‌زدند، و انواع ماهی را به این منظور نمک‌سود می‌کردند. (YYY) بعد از مدتی که حدود یک ساعت می‌شود آن را خوب مجدداً می‌شویند البته نمک زدن به گوشت موجب ضد عفونی آن گشته و هم تمام مانده خون و خونابه را جذب می‌کند. بر هر صورت استفاده از خون به هر شکلی که باشد حرام است حتی اگر لکه‌ی بسیار کوچکی از خون که در زرده‌ی تخم‌مرغ پیدا شود آن تخم‌مرغ خورده نمی‌شود.

۷- ماهی

استفاده از گوشت ماهی نسبت به سایر گوشت حیوانات بیشتر رواج داشته و اکثر طبقات بخصوص افراد متوسط و فقیر از آن مصرف می‌کردند و در زمانی که بنی اسرائیل در مصر بودند به علت وفور و صید فراوان آن کم و بیش از ماهی استفاده می‌کردند، پس از خروج از مصر به یاد آن ماهی‌هایی که خورده بودند افتادند و مرتب به حضرت موسی راجع به دسترس نداشتن آن بهانه‌گیری می‌کردند)

سفر اعداد باب ۱۱: آیه ۵: ماهی را که در مصر مفت می خوردیم... به یاد می آوریم.). هنگامی که به سرزمین کنعان رسیدند بعلت اینکه به دریا دسترسی بیشتری داشتند، عده‌ای هم از طریق ماهی‌گیری اقدام به صید آن می‌کردند و آن را بصورت آب‌پز و اغلب سرخ کرده می‌خوردند و برای نگاهداری از نمک استفاده می‌کردند و برای این که مدت بیشتری بماند نمک می‌زدند. بطوری که قبلاً اشاره شد فقط انواع ماهی‌ها که دارای پرک و فلس بودند حلال بودند. چنین به نظر می‌رسد که ماهی خوراک مورد علاقه‌ی مصریان بود، و بدین علت اولین ضربت از دهمین ضربت‌هایی که خد-ا بر سر مصریان توسط حضرت موسی وارد کرد تبدیل کردن آب‌ها به خون که غیر قابل آشامیدن می‌شد و در نتیجه از بین رفتن کلیه‌ی ماهی‌ها بود (XXX سفر خروج، باب ۷ آیه‌های ۲۱-۲۰: موسی و هارون چنان که خد-ا امر فرموده بود کردند و عصا را بلند کرده آب نهر را به حضور فرعون و به حضور ملازمانش زد و تمامی آب نهر به خون بدل شد. و ماهی‌هایی که در نهر بودند مردند و نهر بگندید و مصریان از آب نهر نتوانستند بیاشامند و در تمامی زمین مصر خون بود. YYY).

۸- مشروبات الکلی

آشنایی به چگونگی مصرف مشروبات الکلی در یهود از نظر کسانی که به قوانین این آیین آشنایی کمتری دارند بسیار جالب است. شاید کمتر کسی از این افراد اطلاع داشته باشند که در کتاب مقدس افراط و زیاده‌روی در مصرف مشروبات الکلی بارها توسط پیامبران این قوم نکوهش شده و مستی حاصل از مصرف این مشروبات به شدت منع شده است. با مطالعه گوشه‌هایی از زندگی حضرت نوح (XXX راجع به زندگی و وقایعی که در زمان این حضرت رخ داده است طی پنج باب از باب‌های سفر پیدایش مطالبی آمده است که به این عبارات شروع می‌شود: اما نوح در نظر خد-ا التفات یافت... نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل و نوح در راه خد-ا رفتار می‌کرد. در زمان این حضرت یک حادثه‌ی بزرگ طبیعت یعنی طوفان معروف نوح به وقوع پیوست که آدمیان بر اثر انجام گناه‌های کبیره و گوناگون گمراه شده بودند و موجب فساد در زمین گشته بودند: زمین نیز به نظر خد-ا فاسد گردیده و زمین از ظلم پر شده بود و خد-ا زمین را دید که اینک فاسد شده است زیرا

ابنای بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند. سفر پیدایش باب ۶: آیه‌های ۱۲-۱۱. بنابراین خد-ا برای رهایی نوح و خانواده‌اش و حیوانات روی زمین امر به ساختن کشتی بزرگی توسط حضرت نوح فرمود.

حضرت نوح پس از دریافت این امر و قصد خد-ا بر ایجاد طوفان به ارشاد و هدایت مردم پرداخت لیک متأسفانه با آن همه پندو اندرزهایی که آن حضرت انجام داد گوش شنوایی در کار نبود تا این طوفان بزرگ به مدت ۱۵۰ روز به امر خد-ا آغاز گردید. اما آن قسمت از زندگی حضرت نوح که به موضوع بحث ما شامل می‌شود این است که بعد از سپری شدن طوفان حضرت نوح اقدام به کشت تاکستانی سپس نوشیدن شراب می‌کند که ادامه‌ی آن را عیناً از کتاب مقدس نقل می‌کنم: نوح به فلاحت زمین شروع کرد و تاکستانی غرس کرد و شراب نوشید و مست شد و در خیمه‌ی خود عریان گردید.

و حام پدر کنعان برهنگی پدر خود را دید و دو برادر خود را بیرون خبر داد... و نوح از مستی خود به هوش آمده دریافت که پسر کوچکترش با وی چه کرده بود. سفر پیدایش، باب ۱۹ آیه‌های ۲۵-۲۰ و لوط (XXX) لوط برادرزاده‌ی حضرت ابراهیم بود. پس از این که مدتی با هم زندگی کردند. سفر پیدایش، باب ۱۱: آیه‌ی ۳۱ و ایضاً باب ۱۲: آیه‌ی ۵ و ایضاً باب ۱۳: آیه‌ی ۱. بر اثر ازدیاد مال و مکنتی که کسب کرده بودند و دائم بین شبانان ایشان نزاع بود ناچار شدند که از همدیگر جدا بشوند. سفر پیدایش باب ۱۳: آیه‌های ۶ و ۲ و ۱۱-۲۲. لوط پس از جدا شدن از حضرت ابراهیم و رفتن به وادی اردن توسط کدار لا عومر یکی از پادشاهان آن مناطق اسیر شد که پس از مدتی توسط حضرت ابراهیم آزاد گشت و در شهر سدوم ساکن شد. لیک مردم این شهر بیش از حد گناهکار و ظالم بودند بدین جهت خد-ا این شهر را توسط انجام یک سلسله از پدیده‌های هوایی و زمینی واژگون و ویران کرد. سفر پیدایش باب ۱۹: آیه‌های ۲۵-۲۳. البته لوط از این واقعه توسط فرشتگان جان سالم بدر برد. پس از این جریان دختران لوط به وی شراب نوشاندند که شرح آن در باب ۱۹ سفر پیدایش آمده است. (YYY) و اخشورش (خشایارشاه) (XXX) اخشورش (خشایارشاه) یکی از پادشاهان

هخامنشی ایران بود که در سال ۴۸۶ قبل از میلاد به سلطنت رسید. وی به مناسبت رسیدن به تاج و تخت در سال سوم پادشاهی مهمانی بزرگی برپا کرد که ۱۸۰ روز ادامه داشت بعد از سپری شدن این جشن مهمانی بزرگ و مجلل دیگری برای کسانی که در دربار و پای تخت بودند ترتیب می‌دهد که در این جشن از هر وسیله پذیرایی به نحو احسن استفاده شده بود و انواع و اقسام خوراکی و آشامیدنی به حد وفور یافت می‌شد. خشایارشا در روز آخر اقدام به نوشیدن شراب کرد که عکس‌العمل آن در کتاب استر چنین آمده است: روز هفتم چون دل پادشاه از شراب خوش شد هفت خواجه سرا... که در حضور اخشورش پادشاه ایران خدمت می‌کردند امر فرمود که وشتی ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند. تا زیبایی او را به خلاق و سروران نشان دهد زیرا نیکومنظر بود. کتاب استر، باب ۱: آیه‌های ۱۱-۱۰. در زمان این پادشاه بود که یهودیان از نقشه‌ی شوم و خطرناکی که هامان سرداری که از نسل عمالیق بود و نژادی غیرایرانی داشت طرح کرده بود توسط فداکاری‌های استر و مردخای جان سالم به در بردند و این واقعه باعث پیدایش عیدی به نام پوریم در آیین یهودی گردید که همه ساله یهودیان به مدت دو روز در روزهای ۱۴ و ۱۵ ماه عبری ادار برگزار می‌کنند و به جشن و شادمانی می‌پردازند. (YYY) که در کتاب مقدس خیلی بی‌پرده آمده است به عواقب بدو نتایج منفی حاصل از ایجاد مستی آگاه می‌شویم، گذشته از اینها در چند مورد استفاده از مشروبات الکلی به هر قسم و شکلی بطور کلی حرام می‌باشد از جمله برای کسانی که برای خد-ا نذیره می‌شوند (برای نذیره قبلاً توضیح مختصری داده شده است) که دو مرتبه در کتاب مقدس به آن اشاره شده است: خد-ا موسی را خطاب کرده گفت: بنی‌اسرائیل را بگوی، چون مرد یا زن نذر خاص یعنی نذر نذیره بکند و خود را برای خد-ا تخصیص دهد. آنگاه از شراب و سرکه‌ی مسکرات را منوشد و هیچ عصیر انگور منوشد و انگور تازه یا خشک مخورد و تمام ایام تخصیصش از هر چیزی که از تاک انگور ساخته شود از هسته تا پوست مخورد. سفر اعداد، باب ۶: آیه‌های ۴-۱. (XXX سفر داوران، باب ۱۳: آیه‌های ۴-۳: فرشته‌ی خد-ا به آن زن ظاهر شده او را گفت اینک تو حال نازاد هستی و نزائیده لیک حامله شده پسر خواهی زایید و الان باحذر باش و هیچ شراب و مسکری منوش و هیچ چیز نجس مخور. (YYY).

و مورد دیگر برای کاهنان می‌باشد که جایز نبودند هنگام عبادت یا ورود به خانه‌ی خد-ا جهت انجام خدمات پرستشی و گزranیدن قربانی‌ها مشروب یا مسکری بنوشند (XXX سفر لاویان، باب ۱۰: آیه‌های ۸-۹: خد-ا به هارون گفت: تو و پسرانت با تو چون به خیمه‌ی اجتماع داخل شوید شراب و مسکری ننوشید، مبادا بمیرید. این است فرضیه‌ای ابدی در نسل‌های شما. YYY). در رابطه با منع مشروبات الکلی میان یهود رسم بر این است که هر یهودی که قصد دارد نماز بخواند، باید حداقل ۹ نفر دیگر از همکیشان خود را جهت عبادت دعوت کند یعنی ده نفر باشند تا بتوانند نماز بخوانند یکی از شرایط شرکت در این عده‌ی ده نفری این است که اگر کسی از مشروبات الکلی نوشیده باشد صلاحیت شرکت در این نماز و انجام مراسم و گفتن آمین را ندارد. به عبارتی دیگر کسی که مشروب خورده باشد نمی‌تواند در نماز شرکت کند (کتاب- اول سموئیل باب ۱: آیه‌ی ۱۴) در میان پیامبران یهود می‌توان گفت بیشتر از همه حضرت سلیمان و اشعیای نبی نوشیدن مشروبات الکلی را نکوهش کرده‌اند. (XXX کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۳: آیه‌های ۳۲-۲۹: و ای از آن کیست و شقاوت از آن که نزاع‌ها از آن کدام و زاری از آن کیست؟ و جراحات‌های بی‌سبب از آن که و سرخی چشمان از آن کدام. آنانی است که شرب مدام می‌کنند و برای چشیدن شراب ممزوج داخل می‌شوند. به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ فام است. هنگامی که حباب‌های خود را در جام ظاهر می‌سازد و به ملایمت فرو می‌رود اما در آخر مثل مار خواهد گزید مانند افعی نیش خواهد زد. ایضاً کتاب امثال نبی باب ۲۰ آیه‌ی ۱: شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد. ایضاً کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۱: آیه‌ی ۱۷: هر که عیش را دوست دارد محتاج خواهد شد و هر که شراب و روغن را دوست دارد دولت‌مند نخواهد گردید. ایضاً کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۳۱: آیه‌های ۷-۶. YYY).

حضرت سلیمان طبق روال و سبکی که در گفتارها و آثار حکیمانه‌ی خود دارد. به سبکی بسیار جالب ضمن نهی هر عمل بدی بازگویی پی‌آمدها و عواقب بد آن در قالب کلماتی بسیار ساده بیان می‌کند که این نکته در مورد مذمت استفاده از مسکرات صدق می‌کند. حضرت سلیمان این نکته را در بیشتر عبارات خود روشن کرده که از مشروبات الکلی نتیجه‌ای جز از دست دادن عقل و هوش و ارتکاب اعمال ناشایست چیز دیگری ندارد. اشعیای نبی یکی از پیامبران بزرگ یهود با آن روح

حساس و لطیف خویش که نطفه‌ی امید و پیروزی را در دل‌ها زنده می‌کند در مقابل کسانی که مدام از مشروبات الکلی صرف می‌کنند با کلامی دیگر سخن گفته، زیرا کلماتی در مورد اینگونه افراد بکار برده گویی با عده‌ای ستمکار روبرو است (XXX کتاب اشعیای نبی، باب ۵: آیه‌های ۱۲-۱۱: وای بر آنانی که صبح زود برمی‌خیزند تا در پی مسکرات بروند. و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم کند و در بزم‌های ایشان عود و بربط و دف و نای و شراب می‌باشد اما به فعل خد-ا نظر نمی‌کنند و به عمل دست‌های وی نمی‌نگرند. ایضاً. باب ۵: آیه‌ی ۲۲: وای بر آنانی که برای نوشیدن شراب زور آورن و به جهت ممزوج ساختن مسکرات مردان قوی می‌باشند.

و ایضاً باب ۲۸: آیه‌های ۹-۱: وای بر تاج تکبر می‌گساران... اینک خد-ا کسی زور آور و توانا دارد که مثل تگرگ شدید و طوفان مهلک و مانند سیل آبهای زورآور سرشار آن را به زور بر زمین خواهد انداخت. و تاج تکبر می‌گساران زیر پای‌ها پایمال خواهد شد. لیک ایشان نیز از شراب گمراه شده‌اند و از مسکرات سرگشته گردیده‌اند... زیرا که همه‌ی سفره‌ها ازقی و نجاست پرگردیده و جایی نمانده است. ایضاً کتاب اشعیاء نبی، باب ۵۶: آیه‌ی ۱۲.۷۷۷) شاید یکی از مأموریت‌های مهم وی این است که افراد اجتماع را از نتایج بد استفاده از مشروبات الکلی آگاه کند زیرا این پیامبر پیشگویی‌های بسیار جالب کرده، بنابراین برای اینکه یک اجتماع لیاقت دریافت چنین پیشگویی‌هایی را داشته باشد و برای تحقیق بخشیدن به این پیشگویی‌ها و پایه‌ریزی صحیح اخلاقی لازمه‌اش این است که افراد اجتماع از هر گونه روش و راهی که منجر به فساد می‌گردد مبرا باشند. تا این که پیشگویی‌های این نبی توسط یک جامعه سالم جامه عمل بپوشانند. پیامبران دیگری مانند هوشع نبی (کتاب هوشع نبی، باب ۴ آیه‌ی ۱۱: زنا و شراب و شیره دل ایشان را می‌رباید.) و حبقوق نبی (کتاب حبقوق نبی، باب ۲: آیه‌ی ۵: هر آینه‌ی شراب فریبنده است و مرد مغرور آرامی نمی‌پذیرد.) راجع به نکوهش مصرف مشروبات الکلی مطالبی دارند. در تورات می‌گساری یک نوجوان را بدترین صفات دانسته و آن را همراه با بدترین صفات اخلاقی ذکر کرده (XXX سفر تثئیه، باب ۲۱: آیه‌های ۲۱-۱۸: اگر کسی را پسری سرکش و فتنه‌انگیز باشد که سخن پدر و مادر خود را گوش ندهد و هر چند او را

تأدیپ کنند ایشان را نشنیده پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش به دروازه محله‌اش بیاورند. و به مشایخ شهرش گویند: این پسر ما سرکش و فتنه‌انگیز است سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و می‌گسار است. پس بدی را از میان خود دور کرده و تمامی اسراییل چون بشنوند خواهند ترسید. (۲۷۷). اما برای تکمیل کردن این موضوع باید تذکر داد که در آیین یهود شراب و بطور کلی تاک انگور بعنوان نمونه‌ای از وحدت و یکپارچگی و استقامت شخص مؤمن و گروه ایمان داران به خد- دانسته بدین لحاظ برای نگاهداری و زنده نگاه داشتن این پیمان وحدت و پاکی در شب‌های شنبه و یک‌شنبه و اعیاد مختلف و در مراسم عروسی و ختنه در کنیساها و منازل ضمن نوشیدن آن به مقدار خیلی کم تنها به عنوان چشیدن و خواندن دعا و برکت مخصوص خد-ای را سپاسگزار و سپاسگو می‌شوند.

پایان کتاب

پایان یافت این کتاب بر دست نگارنده‌ی آن: یوسف، فرزند مراد، فرزند حزقیال، فرزند الیاس

اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ شمسی برابر با ایار ۵۷۴۲ عبری

«قدردانی»

بدین وسیله:

از دوست عزیزم آقای اسحق کهن صدق فرزند شادروان شلمو کهن صدق (سلطان سلیمان) که با حسن نیت در تسهیلات چاپ و توزیع این کتاب مرا یاری فرموده‌اند، قدردانی می‌نمایم.

یوسف محبتی (کرمانی)